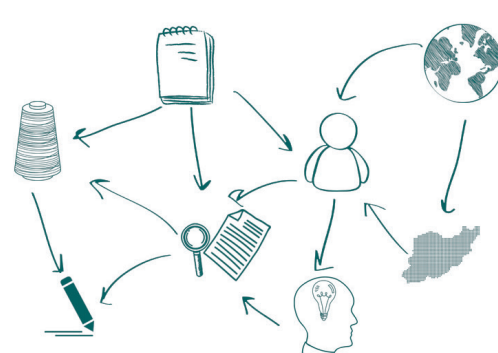
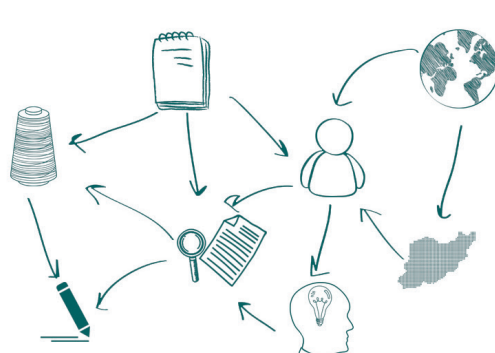
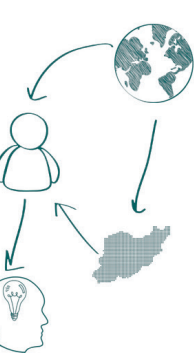
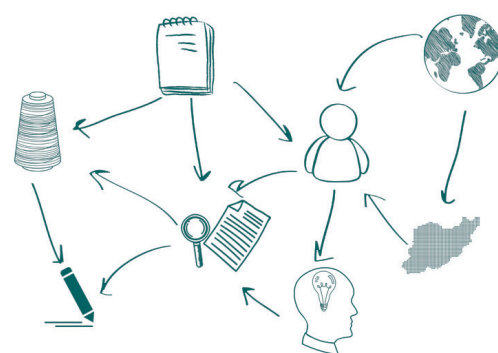
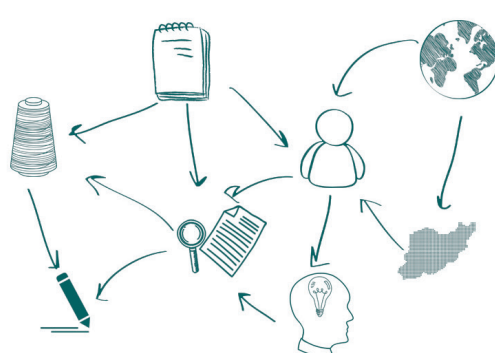
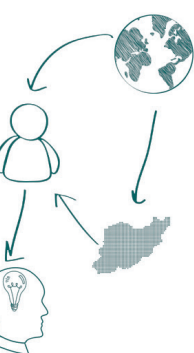
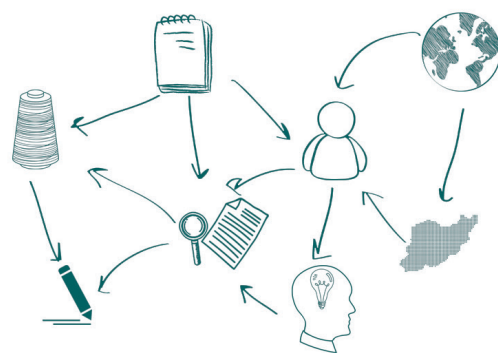
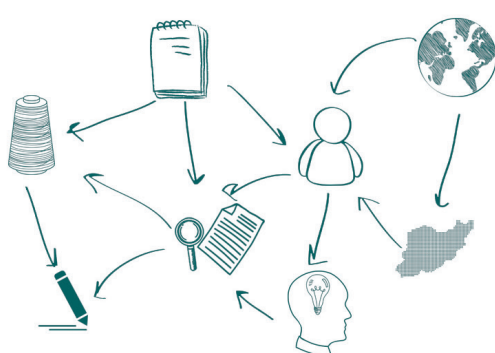
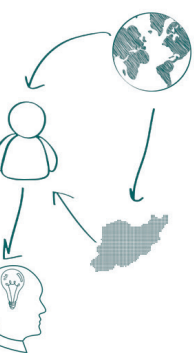
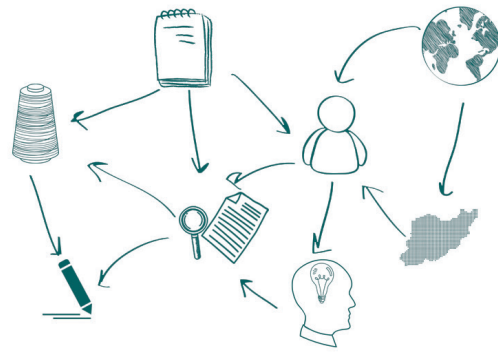
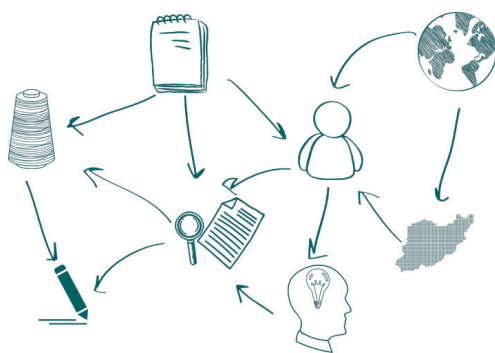
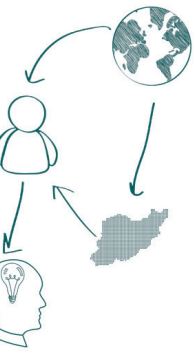
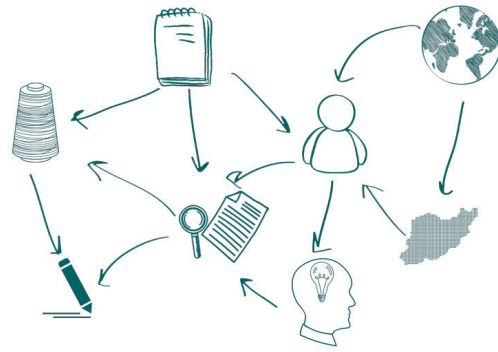
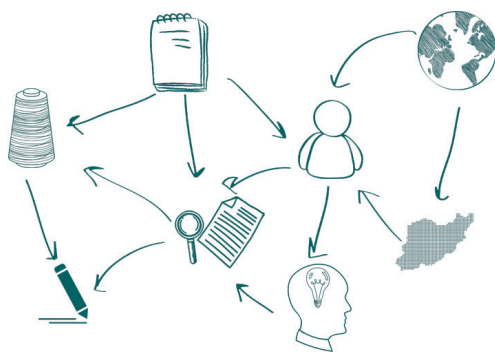
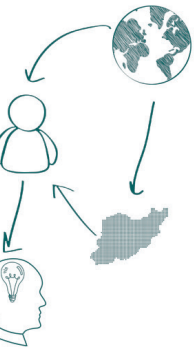


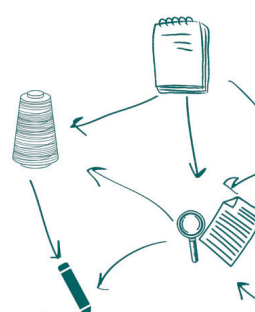
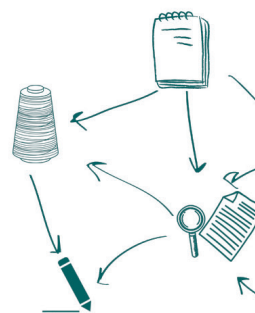
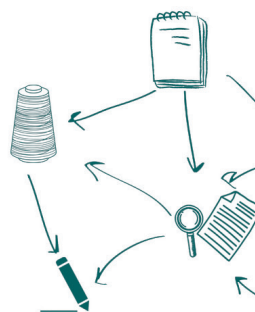
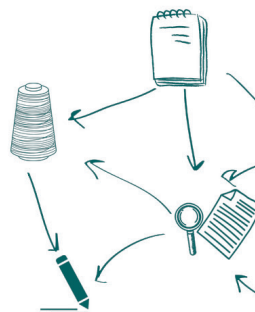
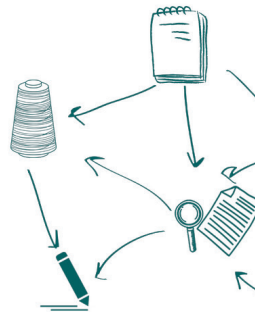
اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا



معیشت جایگزین

به روایت طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

ابزاری برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از زیست‌بوم‌های تالابی



عنوان و نام پدیدآور :	معیشت جایگزین: ابزاری برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از زیست‌بوم‌های تالابی / به روایت طرح حفاظت از تالاب‌های ایران ویراستار فنی یوسفعلی احمدی.
مشخصات نشر :	تهران: مهرصادق، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری :	۱۴۲ ص: مصور (رنگی)، جدول (رنگی).
شابک :	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۶۰-۰۵-۹
موضوع :	سازمان حفاظت محیط زیست. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
موضوع :	تالاب‌ها -- ایران -- حفاظت Wetland Conservation -- Iran
موضوع :	تالاب‌ها-- ایران -- مدیریت Wetland management-- Iran
موضوع :	بوم‌شناسی تالاب-- ایران Wetland ecology-- Iran
موضوع :	مدیریت محیط زیست -- ایران Environmental management -- Iran
شناسه افزوده :	احمدی ممقانی، یوسفعلی، ۱۳۵۸، - ویراستار
شناسه افزوده :	سازمان حفاظت محیط زیست. دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
رده بندی کنگره :	۱۳۹۷ م۹الف / QHV7
رده بندی دیویی :	۳۳۳/۹۵۱۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی :	۵۳۷۸۳۰۵



معیشت جایگزین (ابزاری برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از زیست بوم‌های تالابی)

به روایت: دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
 ویراستار فنی: یوسفعلی احمدی ممقانی
 صفحه آرایی و طرح جلد: سعیده بابایی جنیدآباد
 انتشارات: نشر مهر صادق
 سال چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۷
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۶۰-۰۵-۹
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس: تهران، اتوبان همت، مارین اتوبان یادگار امام و اتوبان شیخ فضل الله، پارک طبیعت پردیسان
 ساختمان معاونت محیط زیست طبیعی، بلوک D، دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران

+۹۸ ۲۱ ۴۲۷۸۱۸۵
 +۹۸ ۲۱ ۸۸۴۶۱۵۸

فهرست مطالب

۷	فهرست واژه‌های اختصاری
۸	فهرست جدول
۸	فهرست نمودار
۹	درآمد
۱۱	۱. مفاهیم کلی
۱۲	۱-۱. پیش‌گفتار
۱۳	۱-۲. کوشش برای حفاظت از تالاب‌های ایران
۱۴	۱-۳. زمینه و بستر فعالیت‌های مربوط به معیشت جایگزین
۱۷	۲. مروری بر نوشتارگان مربوط به معیشت جایگزین
۱۸	۲-۱. رویکردهای معیشتی در عرصه حفاظت از منابع طبیعی
۲۸	۲-۲. این رویکردها/چارچوب‌ها چه اهمیتی برای مردم قائل‌اند و چرا؟
۲۹	۲-۳. رابطه میان راهبردهای کاهش فقر با موضوع حفاظت از منابع طبیعی
۳۰	۲-۴. راهبردهای معیشتی دیگر در روستاها
۳۳	۳. مورد پژوهی راهبردهای معیشت جایگزین در فرایندهای حفاظت از منابع طبیعی
۳۵	۳-۱. تجربه‌های جهانی
۴۲	۳-۲. تجربه‌های ایرانی
۵۱	۴. اقدام‌های مربوط به معیشت جایگزین در طرح حفاظت از تالاب‌های ایران
۵۲	۴-۱. اقدام‌های ساختاری
۶۹	۴-۲. فعالیت‌های اجرایی در روستاها
۸۳	۵. پی‌گفتار
۸۴	۵-۱. درس آموخته‌ها
۱۰۰	۵-۲. پیشنهادها

۶. پیوست‌ها ۱۰۵

۶-۱. چکیده گزارش نهایی انجمن جوانان حافظ زمین (دامون) ۱۰۶

۶-۲. فراخوان شرکت در نشست‌های گروهی در روستای للکلو ۱۲۵

۶-۳. نظرخواهی از سازمان‌های مجری برنامه‌های معیشتی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران ۱۲۶

۷. پی نوشت ۱۲۹

فهرست واژه‌های اختصاری

عبارت اصلی		واژه اختصاری
Asian Development Bank	بانک توسعه آسیا	ADB
Communication, Education, Participation and Awareness Raising	ارتباطات، آموزش، مشارکت و آگاهی‌افزایی	CEPA
Food and Agriculture Organization	سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد	FAO
Global Environment Facility	تسهیلات جهانی محیط زیست	GEF
International Fund for Agriculture Development	صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی	IFAD
International Union for Conservation of Nature	اتحادیه‌ی بین‌المللی حفاظت از طبیعت	IUCN
Middle East and North Africa Regional Programme for Integrated Sustainable Development	برنامه‌ی توسعه‌ی تلفیقی پایدار منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا (منارید)	MENARID
Non-timber Forest Product	محصول غیر الواری / چوبی	NTFP
Poverty-Environment Initiative	برنامه‌ی فقر-محیط زیست	PEI
Small Grants Programme	برنامه‌ی کمک‌های خُرد بلاعوض	SGP
Sanjiang Plain Wetlands Protection Project	طرح حفاظت از تالاب‌های جلگه‌ای سانجیانگ	SPWPP
Theory of Change	نظریه‌ی تغییر	TOC
United Nations Development Programme	برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد	UNDP
United Nations Environment Programme	برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد	UNEP

فهرست جدول

- جدول ۱. بخشی از هدف شماره ۱ برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه ۵۴
- جدول ۲. بخشی از برنامه پیش اقتصادی-اجتماعی مدیریت جامع دریاچه ارومیه ۵۵
- جدول ۳. بخشی از هدف راهبردی ۴ برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان ۵۷
- جدول ۴. بخشی از برنامه پیش اقتصادی-اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان ۵۹
- جدول ۵. بخشی از هدف اجرایی ۴ برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹) ۶۰
- جدول ۶. بخشی از برنامه پیش اقتصادی-اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان ۶۱
- جدول ۷. پایدار سازی معیشت جوامع محلی در محدوده تالاب قره قشلاق ۶۲
- جدول ۸. بخشی از برنامه پیش اقتصادی-اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب قره قشلاق ۶۳
- جدول ۹. ارتقای معیشت جوامع بومی از راه پایدارسازی ماهی گیری در تالاب شادگان ۶۷
- جدول ۱۰. شیوه‌های معیشتی اولویت‌دار بر حسب روستا ۱۱۲
- جدول ۱۱. وضعیت روستاها پیش از آغاز طرح ۱۲۰
- جدول ۱۲. برنامه اقدام‌های انجام یافته ۱۲۲
- جدول ۱۳. دستاوردها و چالش‌ها اجتماعی-اقتصادی طرح ۱۲۳
- جدول ۱۴. شیوه‌های معیشتی سازگار با شرایط ۱۲۳

فهرست نمودار

- نمودار ۱. سرمایه‌های پنج‌گانه ۲۳
- نمودار ۲. روند مطلوب معرفی و راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی ۸۸

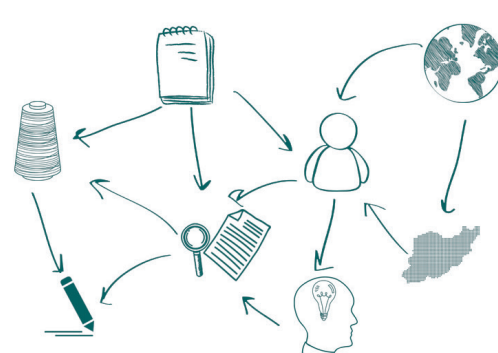
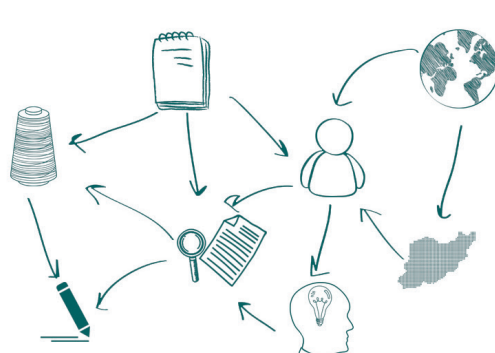
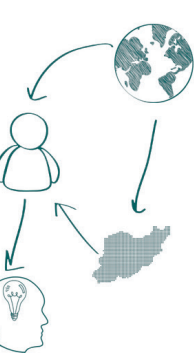
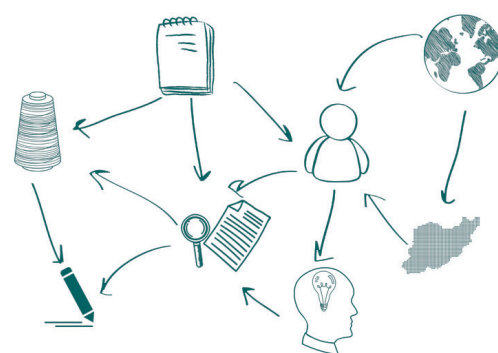
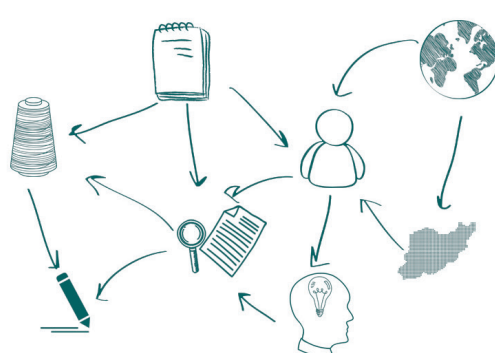
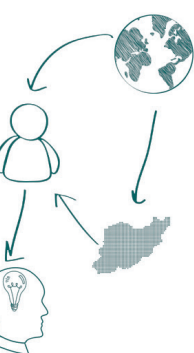
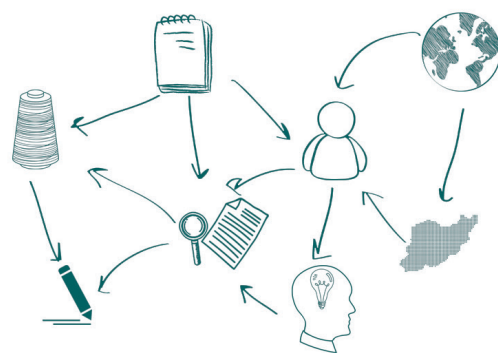
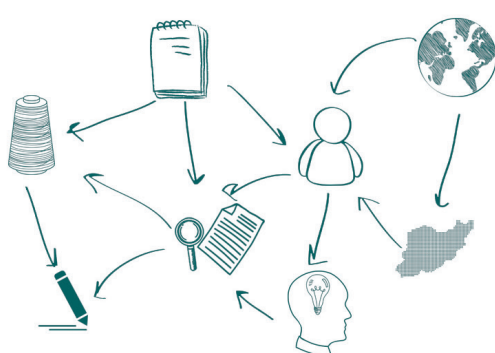
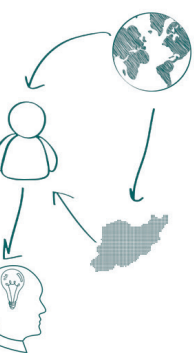
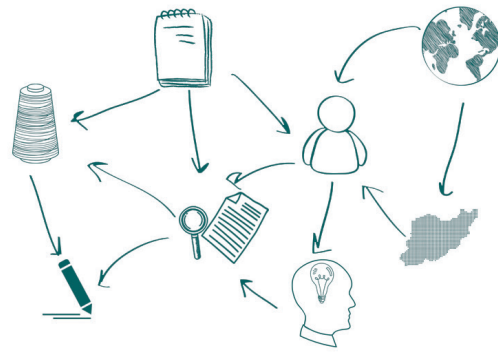
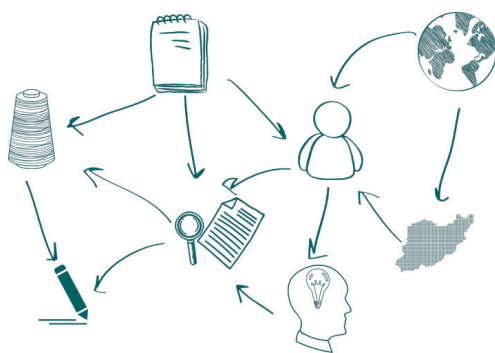
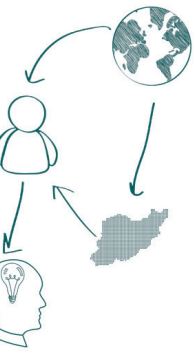
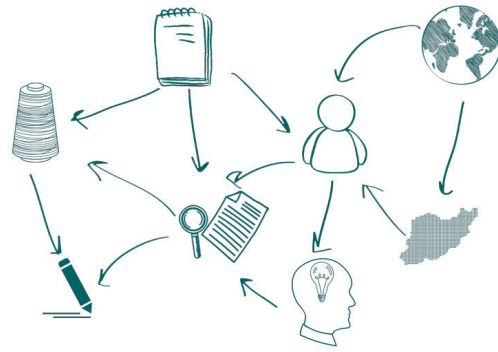
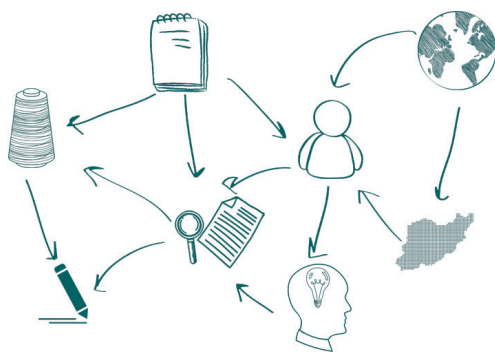
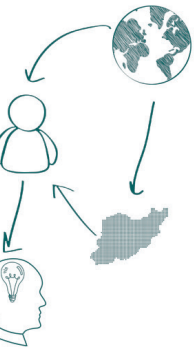
درآمد

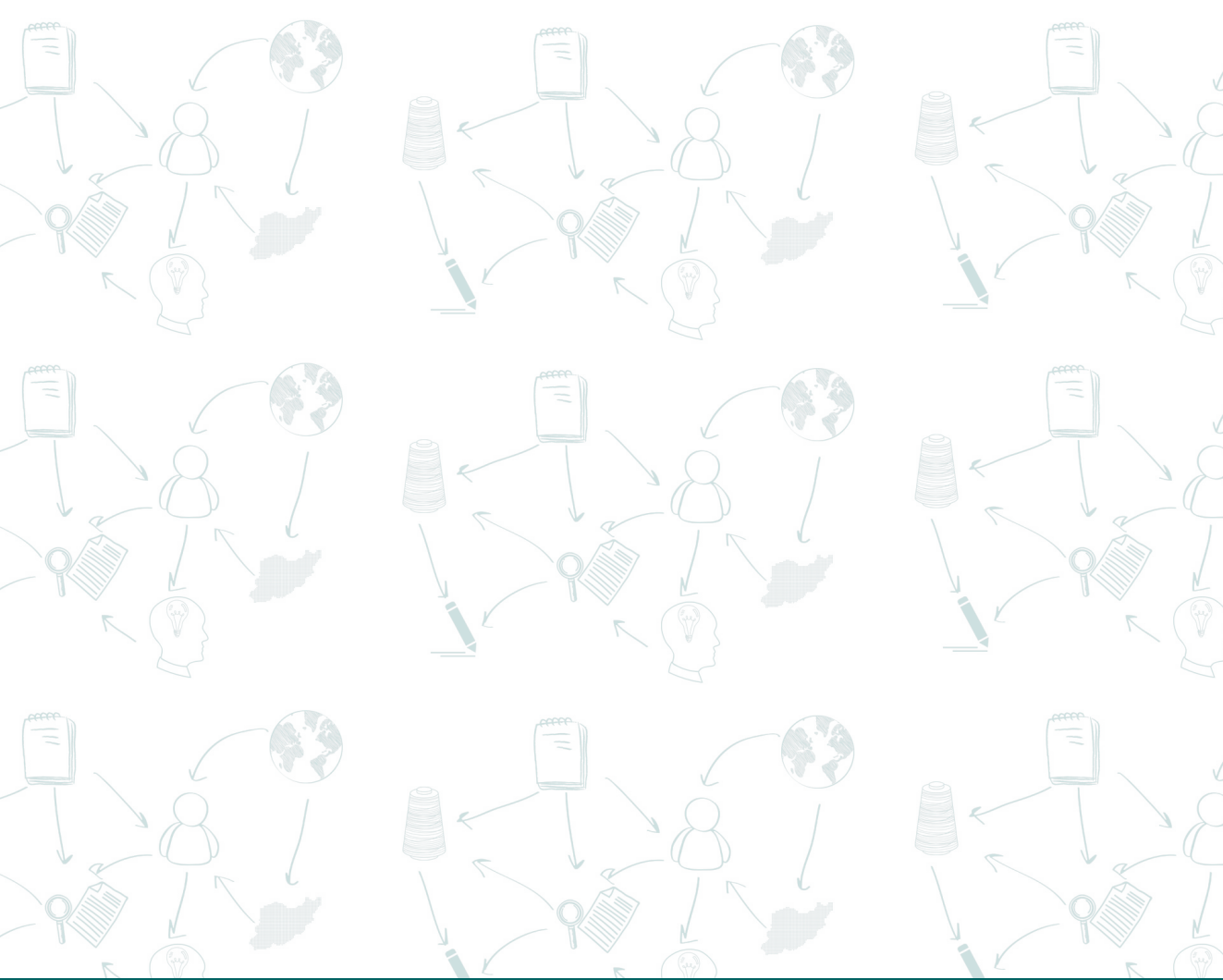
توسعه پایدار مبتنی بر توسعه متوازن ۳ محور اصلی توسعه، شامل: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی است. این بدان معناست که تمرکز بر توسعه اقتصادی بدون توجه به توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی در کوتاه مدت ممکن است منجر به بهبود زندگی، رفاه و معیشت مردم گردد، ولیکن در طولانی مدت محکوم به شکست بوده و اتفاقاً منجر به تحمیل خسارات جبران‌ناپذیری بر محیط زیست، منابع طبیعی و آب و خاک خواهد شد. خسارات ناشی از توسعه نامتوازن اقتصادی بر محیط‌زیست یک سرزمین، ممکن است تا بدانجا پیش برود که اساساً در یک محدوده جغرافیایی خاص، امکان زندگی و معیشت را با محدودیت‌ها و چالش‌های زیادی مواجه کرده و ساکنین بومی مجبور به ترک سرزمین آبا-اجدادی خود شده و مهاجرت‌های زیست محیطی اتفاق افتد.

پایین رفتن آب سفره‌های زیرزمینی، خشک شدن دریاچه‌ها، تالاب‌ها و رودخانه‌ها، شور شدن آب‌های زیرزمینی و اراضی کشاورزی و همچنین توفان‌های گرد و غبار از جمله چالش‌هایی هستند که غالباً در نتیجه توسعه ناپایدار اقتصادی، بهره‌برداری بیش از حد از منابع آب و خاک و عدم توجه به دیگر جنبه‌های توسعه یعنی توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی حاصل شده‌اند. بار توسعه اقتصادی در ایران عمدتاً بر دوش منابع طبیعی این سرزمین (آب، خاک، جنگل، مرتع، نفت و گاز) گذارده شده و به دلیل تقاضای روزافزون در کوتاه‌مدت برای دستیابی به توسعه و رفاه اقتصادی از آستانه تحمل و بردباری این منابع غافل شده‌ایم و به کلامی دیگر از پس‌انداز خورده‌ایم، به حق و حقوق نسل‌های آینده نیز دست‌اندازی کرده‌ایم. در همین راستا ضروری است به منظور جبران اشتباهات گذشته تلاش کنیم به تدریج بار توسعه اقتصادی را از دوش منابع طبیعی، از جمله: آب و خاک برداشته و معیشت‌هایی را ایجاد و معرفی کنیم که ضمن سازگاری با جغرافیا، اقلیم، آداب و رسوم، فرهنگ و ظرفیت‌های یک منطقه، به منابع آب و خاک کشور غیروابسته یا کمترین وابستگی را داشته باشند. امید است از چالش‌ها، تجربیات و بهترین شیوه‌های به کارگرفته شده بیاموزیم و آنها را در سطوح گسترده‌تر توسعه داده و در طولانی مدت، وابستگی معیشتی و توسعه اقتصادی این سرزمین را به منابع طبیعی کاهش داده و توسعه متوازن و پایدار را در سرزمین‌مان، ایران را رقم بزنیم.

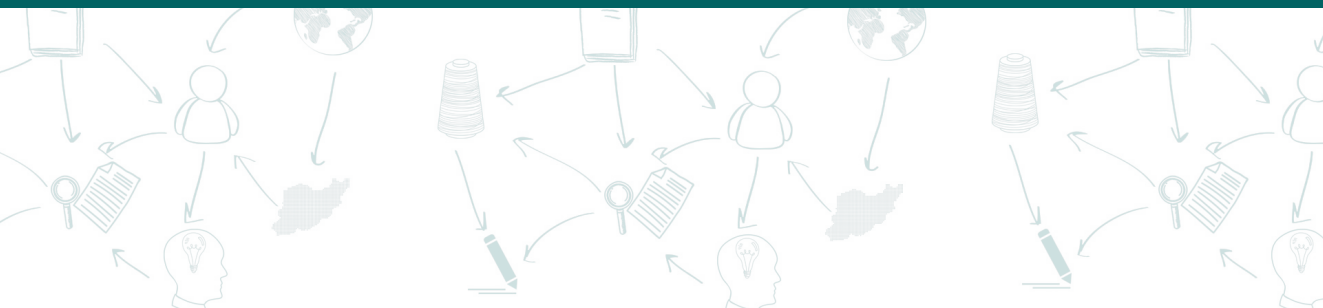
ابوالفضل آبشت

مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران





۱. مفاهیم کلی



۱-۱. پیش‌گفتار

ایران؛ سرزمین پهناوری است با شمار بسیاری تالاب که هر کدام ویژگی خود را دارند. برخی دریاچه‌های کوچکی هستند در ارتفاعات و برخی مانند دریاچه ارومیه گستردگی چشم‌گیری دارند. در این میان تالاب‌هایی هم یافت می‌شوند که در مجاورت دریا یا در مناطق ساحلی آن قرار دارند. از دیرباز تالاب‌ها سکونت‌گاه انواع جانوران و گیاهان آبی و خشکی‌زی به ویژه پرندگان مهاجر شمرده می‌شوند. از این رو، بسیاری از تالاب‌های ایران در زمره مناطق محافظت شده قرار گرفته‌اند و بیست و چهار عنوان تالاب نیز به سبب دارا بودن اهمیت بین‌المللی در کنوانسیون رامسر به ثبت رسیده‌اند. اما تالاب برای جوامع محلی و حاشیه آن در حکم وسیله اصلی برای گذران زندگی و معیشت ایشان است. برای نمونه، از راه ماهیگیری هم غذای روزانه خود را فراهم می‌کنند و با فروش صیدشان درآمدی به دست می‌آورند. از گیاهانی که در پیرامون تالاب می‌روید نیز به شکل‌های گوناگون بهره می‌گیرند. گاه برای رفت‌وآمد نیز متکی به تالاب هستند. طبیعی است که به همین دلیل‌ها از دیرباز برای خود نسبت به تالاب حق و حقوقی قائل می‌باشند. از سوی دیگر، بخش‌های کشاورزی و صنعت نیز به تالاب به چشم منبع مهمی می‌نگرند، به این معنا که وقتی لازم بدانند از آب آن استفاده کنند یا برای افزودن به زمین‌های مورد نظرشان آب تالاب را زهکش کرده و گاه آن را می‌خشکانند. از سوی دیگر، کسانی که مسئولیت حفاظت از محیط‌زیست را دارند نیز به موضوع بهره‌برداری از تالاب‌ها توجه نشان می‌دهند. برخی مانند کشاورزان و ماهیگیران از ارتباط میان موجودات زنده پیرامون خود درکی تجربی و غریزی دارند. حال آن که دانشمندان و پژوهش‌گران به یمن دانسته‌ها و تحقیقات خود به خوبی می‌دانند که بقای یک گونه تا چه اندازه به وجود سلسله کاملی از گیاهان و جانوران دیگر و به ویژه به پایداری شرایط فیزیکی و بیوفیزیکی اکوسیستم بستگی دارد. با این همه، گاه می‌بینیم کسانی درک ارتباط میان این عناصر به‌هم‌پیوسته را دشوار می‌یابند.

۱-۲. کوشش برای حفاظت از تالاب‌های ایران

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، طرحی بین‌المللی است که سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران به عنوان هماهنگ‌کننده ملی، آن را با پشتیبانی برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و سازمان تسهیلات جهانی محیط‌زیست (GEF) اجرا می‌کند. سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران دریافت که برای مدیریت کارآمدتر زیست‌بوم‌های تالابی ضروری است تا تغییر نگرشی صورت گیرد، بدین معناست هنگامی که تصمیم‌گیران و ساکنان پیرامون تالاب‌ها از ارزش‌ها و فایده‌های منطقه‌های حفاظت‌شده تالابی آگاه شوند و خود به فرآیند اداره کردن زیست‌بوم‌های تالابی یاری برسانند، مدیریت پایداری شکل می‌گیرد که این زیست‌بوم‌ها را حفاظت خواهد کرد. از این رو با راه‌اندازی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران بر پایه این نگرش کوشیده است مدیریت جامعی را در زیست‌بوم‌های تالابی ترویج کند و گسترش دهد.

مدیریت جامع زیست‌بومی یکی از رویکردهایی است که درهم‌تنیدگی میان مؤلفه‌های پایداری اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی را در نظر می‌گیرد. این رویکرد می‌کوشد میان دو مفهوم به ظاهر متناقض حفاظت و توسعه، رابطه‌ای معقول برقرار سازد و با ارائه الگوی نظام مدیریت تلفیقی از تهدیدهای عمده‌ای که متوجه تنوع زیستی در منطقه‌های مورد نظر است، بکاهد. این نوع مدیریت مردم را جزء اصلی بسیاری از زیست‌بوم‌های تالابی می‌داند و بر این باور است که انسان‌ها نیز مانند دیگر گونه‌ها برای بقای خود وابسته به فرآورده‌هایی هستند که زیست‌بوم‌ها در اختیارشان قرار می‌دهد. با قرار دادن مردم در مرکز زیست‌بوم‌ها، به ناچار می‌بایست در روش‌های مرسوم حفاظت، بازبینی کرد و کوشید تا با تعیین راهبردهای مناسب هم پاسخ‌گوی معیشت و نیازهای مردم بود و هم تعادل بوم‌شناختی عرصه مورد نظر را بر هم نزد و در حین بهره‌برداری خردمندانه از خدمات زیست‌بومی همه اجزای آن را محافظت کرد. به سخن دیگر راهبردهایی را تهیه و تدوین کرد و به دست اجرا سپرد که از یکسو منافع‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان زیست‌بوم‌ها را تأمین می‌کند و از سوی دیگر از همه منابع طبیعی و از جمله منابع آبی به شکلی پایدار استفاده می‌کند.

یکی از مهم‌ترین رویکردهایی که توانست، بر پایه این درهم‌تنیدگی زیست‌بومی، ملاحظاتی را در عرف و قانون بین‌الملل بگنجانند، «پیمان‌نامه تنوع زیستی» است. این پیمان‌نامه برای نخستین بار،

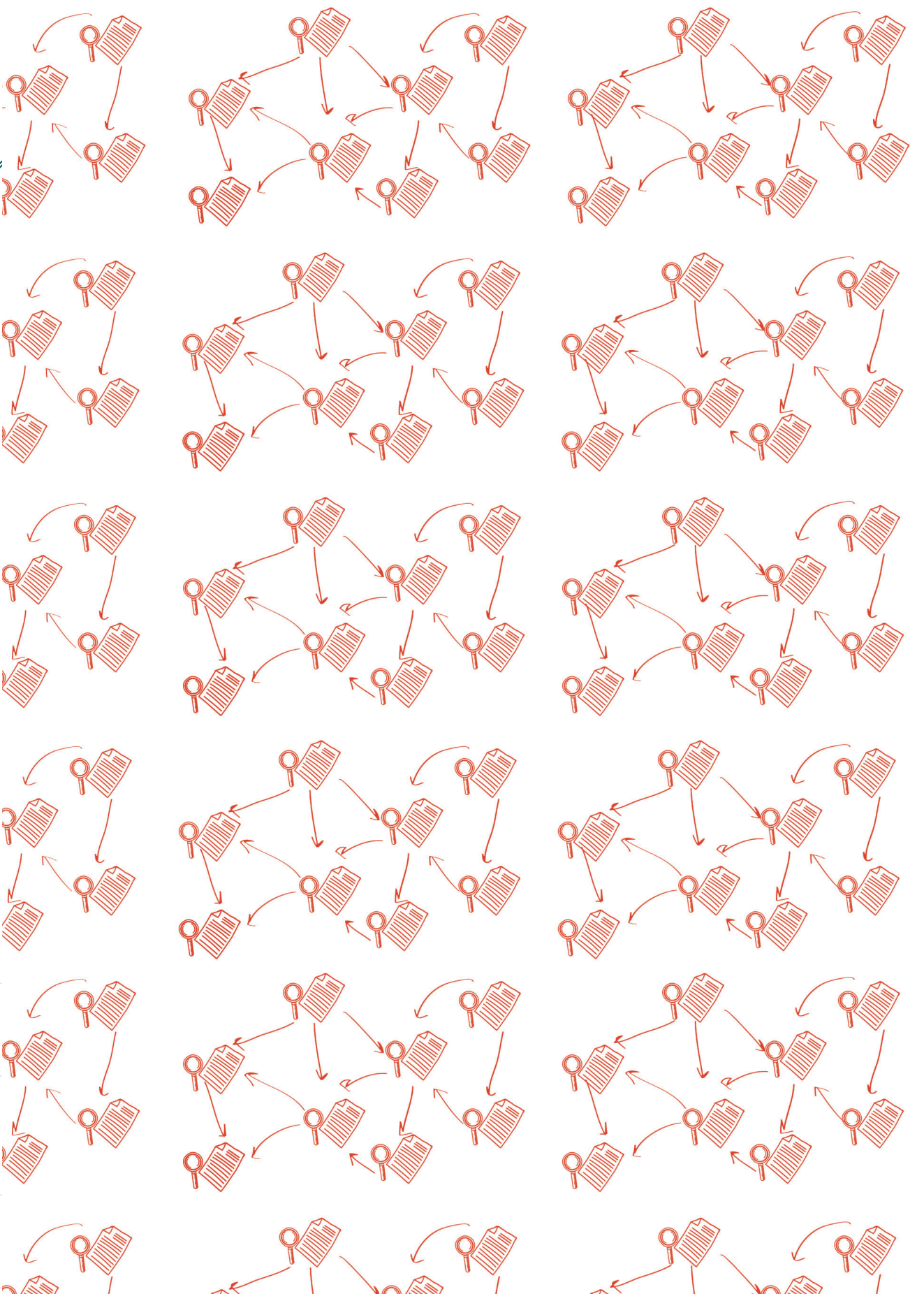
حفاظت از تنوع زیستی را «منفعت مشترک همه ابنای بشر» شمرد، رعایت اصول آن را در خصوص همه ارکان زیست‌بوم‌ها جاری اعلام کرد و بر مفهومی، زیر عنوان «توسعه پایدار» تأکید ورزید. با در نظر گرفتن روح حاکم بر این پیمان‌نامه و نیز مُفاد «پیمان‌نامه رامسر» است که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران کوشید به ضرورتی مبرم، پاسخ گوید که همانا کمک به فراهم آوردن شرایطی بود که بتوان منطقه‌های تالابی را احیا و حفظ کرد. از همان نخستین سال‌هایی که مطالعات اولیه برای طراحی این برنامه انجام می‌شد، یعنی بیش از یک دهه پیش، فرض بر آن بود که دیدگاه‌های سنتی مربوط به اداره منطقه‌های حفاظت شده و به طور کلی محافظت از محیط‌زیست، دیگر کارساز نیست و می‌بایست کوشید تا ترفند دیگری یافت که ضمن جلوگیری از تخریب زیست‌بوم‌های تالابی راه رشد و گسترش اقتصادی و بهره‌برداری از تنوع زیستی را در آن منطقه‌ها سدّ نکند.

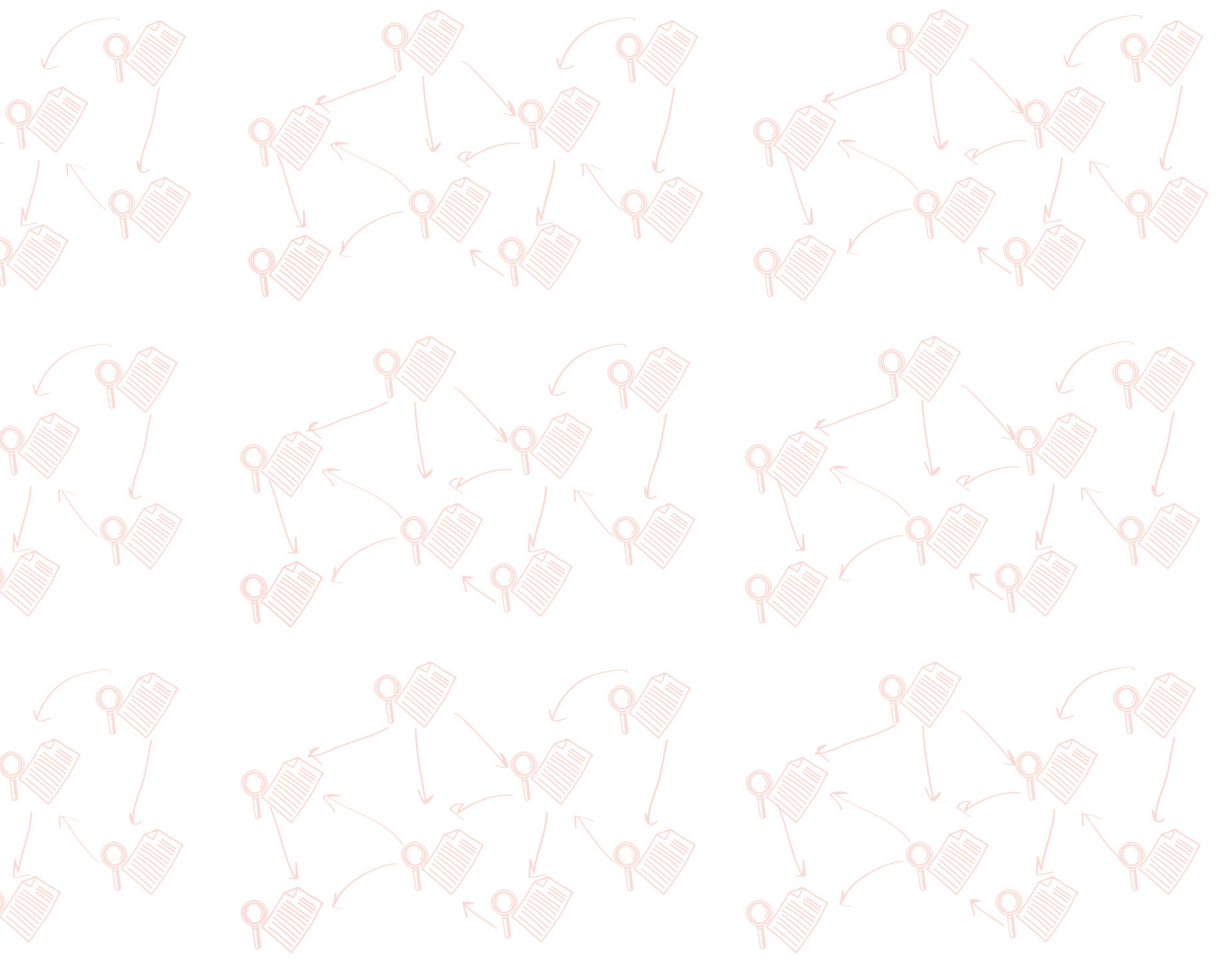
در واقع، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای نخستین بار در کشور در صدد برآمد، روش‌هایی را بیازماید که رویکرد زیست‌بومی عرضه می‌کرد. ترویج و گسترش این روش‌ها مستلزم کاربست آن‌ها در مقیاس‌های خردتر بود؛ به طوری که بتوان با یادگیری از تجربه‌های نوین به دست آمده در روش‌های مرسوم حفاظت، بازبینی کرد و کوشید تا با نشان دادن مزیت‌های رویکرد زیست‌بومی و تعیین و تدوین راهبردهای متناسب با اصول دوازده‌گانه آن، اندک اندک مدیریت جافتاده جاری را با مدیریت زیست‌بومی جایگزین کرد.

۳-۱. زمینه و بستر فعالیت‌های مربوط به معیشت جایگزین

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، از همان اوان فعالیت‌های خود، موضوع معیشت جایگزین را یکی از مصداق‌های بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها شمرد و به هنگام تدوین برنامه‌های مدیریت جامع برای دریاچه ارومیه و تالاب‌های پریشان و شادگان این سرفصل را در هدف‌های راهبردی و اقدام‌های الویت‌دار آن برنامه‌ها گنجانید. این امر برگرفته از اصل چهارم مدیریت زیست‌بومی و گام سوم اجرایی آن است که به درک مسائل زیست‌بومی از دیدگاه اقتصادی تأکید دارد و خواهان آن است که چنین برنامه مدیریتی، موضوع‌های اقتصادی مهمی را به دقت تعیین کند که بر زیست‌بوم و ساکنان آن تأثیر می‌گذارد و از جمله دریابد که کدام نیروی بازدارنده یا برانگیزاننده‌ای سبب می‌شود ساکنان

روستاهای پیرامون تالاب‌ها به طور ناپایدار از منابع تالابی استفاده کنند و طبعاً در صدد ارائه راه‌های جایگزین برآید. شرایط روستاهای پیرامون تالاب‌های اقماری دریاچه ارومیه، پریشان و شادگان متفاوت است. هر چند، بررسی‌های نخستین نشان داد که در استفاده بی‌اندازه منابع تالابی برای آبیاری کشاورزی و زمینه‌های هدر رفتن آب روندی مشابه وجود دارد. وجه مشترک دیگر ساکنان روستایی پیرامون تالاب‌های یاد شده آن است که درآمد حاصل از اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی‌شان، یعنی کشاورزی، به تنهایی نیز نمی‌تواند کفاف گذران زندگی بخش بزرگی از روستاییان را بدهد. مسائلی از این دست، زمینه‌ای شد تا طرح حفاظت از تالاب‌های ایران توجه خود را معطوف به راه‌حل‌های بدیل کند، راه‌حلی که پاسخ‌گوی معیشت و نیازهای مردم در کوتاه‌مدت باشد و بهره‌گیری پایدار از فرآورده‌های تالابی را تضمین کند. عرصه‌های عملی این کوشش‌ها متعدد و متفاوت است. نوشته حاضر در صدد است با دسته‌بندی موضوعی اقدام‌های اجرایی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران شماری از تجربه‌های عملی، یافته‌ها و آموخته‌های خود را طی دهه گذشته به اشتراک بگذارد.





۲. مروری بر نوشتارگان مربوط به معیشت جایگزین



به دست آوردن درک روشن و مشترک از جنبه‌های مفهومی رویکردهای معیشتی از ضروری‌ترین امور در طراحی و پروراندن یک برنامه اجرایی است. بی‌شک مشخص کردن چارچوب‌های بنیادین هر فرآیند کمک می‌کند تا مدیران اجرایی، دست‌اندرکاران و کارشناسان مربوط از هدف‌ها، روش‌ها و مسیرهای موردنظر برداشت کمابیش یکسانی به دست آورند. در چند دهه گذشته برای «معیشت جایگزین» تعریف‌هایی به دست داده‌اند. ابتدا آن را رویکردی دانسته‌اند که می‌توان به مدد آن، به تدریج، کشت محصولات مجاز یا فعالیت‌های دیگر درآمدزایی را با کشت‌هایی غیرقانونی (مانند تریاک یا کاکائو) جایگزین کرد. برخی دولت‌ها، به ویژه در آمریکای جنوبی، این رویکرد معیشتی را به کار گرفتند^۲. هم‌اکنون از این رویکرد در برنامه‌های تبدیل کشت خشخاش در افغانستان به کشت محصولات دیگر کشاورزی استفاده می‌شود^۳. گاه برنامه‌های «معیشت جایگزین» را در این مفهوم برنامه‌های «توسعه جایگزین» نیز نامیده‌اند. اجرای این برنامه‌ها در شماری از کشورهای آسیایی و نیز کشورهای آمریکای جنوبی در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ موفق، گزارش شده است^۴.

۲-۱. رویکردهای معیشتی در عرصه حفاظت از منابع طبیعی

ورود رویکرد معیشت جایگزین به عرصه حفاظت از منابع طبیعی اندکی متأخرتر است. در دهه ۱۹۹۰ با تغییر نگرشی که در این عرصه روی داد، دیدگاه‌های سنتی در اجرای برنامه‌های حفاظت جای خود را به رویکردهای مردم‌محور سپرد. به کارگیری این رویکرد مستلزم توجه ویژه به جماعت‌هایی شده است که بلاواسطه از منابع طبیعی برای گذران زندگی خود بهره می‌گیرند. در دو دهه اخیر، برای تغییر یا بهبود شیوه‌های معیشت مرسوم، جماعت‌های محلی کوشش‌هایی به خرج داده‌اند تا منابع طبیعی مورد استفاده آنان حفظ و نگهداری شود. چنین طرح و برنامه‌هایی «معیشت جایگزین» نام گرفته‌اند. به طور کلی، هدف از اجرای همه طرح و برنامه‌ها کاهش فشار بر منابع طبیعی و درآمدزایی برای برآوردن نیازهای زندگی مردم محلی و جلب پشتیبانی آن‌ها برای حفاظت از منابع طبیعی است. با این همه، تعریف واحدی از مفهوم معیشت جایگزین در دست نیست. از یک سو، این عبارت را ناظر بر زمینه‌چینی برای انتخاب میان دو یا چند گزینه معیشتی موجود می‌شمارند که به منابع طبیعی خسارتی وارد نمی‌آورد (یا خسارت جبران‌ناپذیری وارد نمی‌آورد). از سوی دیگر کسانی، تنها آن دسته

از معیشت‌ها را «جایگزین» می‌نامند که در صدد هستند برای جماعت‌های محلی فعالیت‌های اقتصادی نوین و غیرسنتی را راه‌اندازی کند. انتظار برخی دیگر از اجرای طرح‌ها و برنامه‌های معیشت جایگزین بیش از این‌هاست. این افراد، سنتی و غیرسنتی بودن معیشت‌ها را معیار «جایگزین» نمی‌دانند بلکه مسئله پایداری این معیشت‌ها را عنوان می‌کنند و در نتیجه بر این باور هستند که اگر معیشتی نتواند به طور مستمر پایداری منابع طبیعی را تضمین کند «معیشت جایگزین» نخواهد بود. به سخن دیگر، اصل قضیه را در این می‌بینند که مردم را بیانگیزانند تا از فعالیت‌های معیشتی ناپایدار کنونی خود، دست بردارند و تشویق‌شان کنند که فعالیت اقتصادی خود را بر پایه پایداری منابع طبیعی استوار کنند. آشکار است برای آن که این دگرگونی قطعاً رخ دهد، آن معیشت باید سودآور باشد. تجربه «اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت» (IUCN) می‌گوید: «... سودآوری تنها عامل نیست. نگرش نسبت به مخاطره‌ها، دسترسی به دارایی‌ها، آسیب‌پذیری، و توانایی‌ها و برتری‌های نهادین جملگی بر چگونگی تصمیم‌گیری مردم اثر می‌گذارند. در نتیجه [مفهوم معیشت‌های] جایگزین به مراتب پیچیده‌تر می‌شود»^۶.

در هر صورت می‌بینیم که مفهوم‌های بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی و معیشت جایگزین به هم گره خورده‌اند. اکنون می‌خواهیم میان مفهوم‌هایی که به نوعی با هم پیوند دارند تا حد امکان تمایز قائل شویم. ولی پیش از آن ببینیم چه تعریفی از «معیشت» در دست داریم و سپس به موضوع‌های «پایداری» و «جایگزین»ی آن بپردازیم:

معیشت در برگیرنده مردم، توانایی‌ها و وسیله تأمین نیازمندی‌های زندگی یعنی غذا، درآمد و دارایی‌هاست. در این میان، منابع و ذخایر دارایی‌های ملموس و مطالبات و دسترسی از زمره دارایی‌های ناملموس‌اند.^۷

با آن که برای معیشت تعریف‌های دیگری نیز در دست است، اما این برداشت که از میانه دهه ۱۹۸۰ از سوی رابرت چمبرز مطرح شد، رفته رفته پایه پژوهش‌ها و فعالیت‌های میدانی شماری از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی حوزه توسعه قرار گرفت.^۷ البته پیشینه به کارگیری گسترده‌تر این واژه در ادبیات توسعه به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد، زمانی که نیاز بود در برابر اصطلاح‌ها و مفهوم‌های

رایج در عرصه رشد و توسعه شهری و صنعتی به جنبه‌هایی از فعالیت‌های اقتصادی گوناگون اشاره شود که به طور ویژه به موضوع کشاورزان تهی‌دست در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه را در سطح اقتصاد خرد مربوط می‌شد.^۱

با این همه، چندین سال طول کشید تا شماری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از این عبارت برای توضیح سیاست‌های فقرزدایانه خود بهره بگیرند. برنامه توسعه ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۳ هم‌آواز با دیگر نهادهای بین‌المللی از این اصطلاح بهره جست تا پاره‌ای از سیاست‌های خود را با موازین و اصول مبتنی بر رویکردهای معیشتی سازگار کند. هر چند بر این باور بود که رشد اقتصادی برای کاستن از فقر موجود امری الزامی است ولی می‌بایست مراقب هدر رفتن منابع طبیعی در کشورهای ثروتمند و تهی‌دست بود. همچنین تأکید داشت که فقر بزرگ‌ترین خطر برای محیط‌زیست به شمار می‌آید. از این رو، الگوهای معیشتی می‌بایست مردم‌مدار و طبیعت‌مدار باشند.^۲ از این دوره به بعد، صرف اجرای طرح و برنامه‌های درآمدزایی را برای کاهش فقر پاسخ‌گو نمی‌دانستند ولی رویکردهای معیشتی را نیز «نوش‌دارو» نمی‌شمردند بلکه آن را رویکردی می‌دانستند که بالقوه می‌تواند بر پایه آن، دیگر رویه‌ها و روندهای توسعه را بنا کرد و با توجه به دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان، جنسیت و تحلیل اجتماعی (از جمله تحلیل مناسبات قدرت) از یک سو و ارزیابی زیست‌محیطی و تحلیل‌های اقتصادی و پرداختن به تعارض‌ها و کشمکش‌های موجود از سوی دیگر، ستون‌های روند توسعه را مستحکم ساخت.^۳

برای روشن شدن تمایز میان رویکردهای معیشتی با رویکردهای دیگر توسعه، اصولی را به شرح زیر در نظر گرفته‌اند^{۱۱}:

🌸 **مردم محوری:** تأکید بر اولویت‌های مردم تهی‌دست، درک تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی گوناگون و به‌کارگیری راهبردهای مناسب وضعیت و مقتضیات هر یک؛

🌸 **مشارکتی و پاسخ‌گویانه:** به گوش گرفتن و پاسخ دادن به اولویت‌هایی که مردم تهی‌دست، خود مطرح کرده‌اند؛

🌸 **چند وجهی:** کارکردن در سطوح مختلف برای کاهش فقر، تضمین بازتاب واقعیت‌های خرد در فرآیندهای سیاست‌گذاری و ایجاد شرایطی مساعد در ساختارهای کلان برای پشتیبانی از توان‌افزایی مردم؛

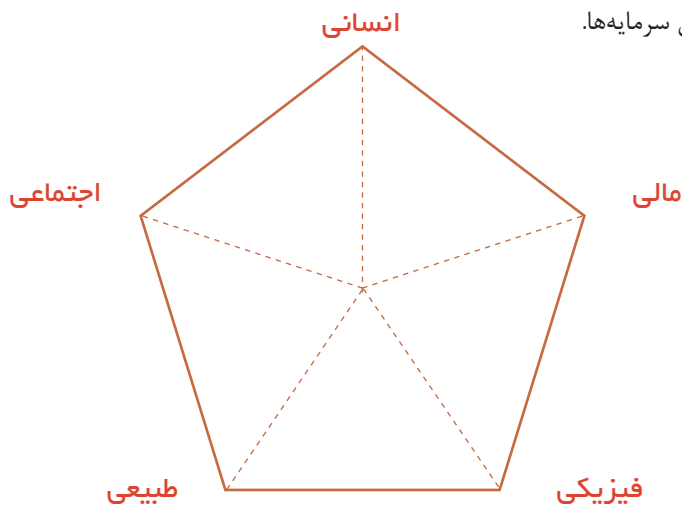
🌸 **شراکتی:** همکاری میان بخش دولتی و خصوصی؛

🌸 **پایداری:** ایجاد توازن میان پایداری اقتصادی، نهادی، اجتماعی و زیست‌محیطی؛

🌸 **پویایی:** اذعان به ماهیت پویای راهبردهای معیشتی و پاسخ‌گویی همراه با انعطاف به موقعیت‌های دگرگون‌شونده مردم.

آن چه در این میان بیش از پیش قوت گرفته است بسط و گسترش مفهوم «سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، طبیعی، فیزیکی و مالی در عرصه رشد اقتصادی و توسعه است. به دلیل آن که رویکرد معیشتی بیش از هر چیز توجه خود را معطوف به مردم می‌داند، بر آن است که هر گونه توانایی را شناسایی کند و بکوشد آن توانایی‌ها را برای امرار معاش مردم به کار گیرد. گفته می‌شود که اطلاق لفظ «سرمایه» در این خصوص با نوعی اغماض صورت گرفته است تا بتوان این توانایی‌ها را دسته‌بندی کرد. نمودار ۱، موسوم به «سرمایه‌های پنج‌گانه»، به وفور در نوشتار مربوط به توسعه، به طور کلی و موضوع‌های مربوط به آسیب‌پذیری، به طور ویژه، به کار می‌رود که بسته به نتایج حاصل از ارزیابی میزان «سرمایه‌ها»، ترکیب شکلی آن در هر موقعیت متفاوت خواهد بود^{۱۲}.

خطی که از مرکز به هر رأس کشیده می‌شود نشان‌گر میزان آن «سرمایه» ای است که در کناره شکل آمده است. پس هر چه خط درازتر باشد، اجتماع یا گروه اجتماعی مورد نظر از میزان بیش‌تری از امتیاز و امکانات برخوردار است. در این شکل برخورداری از امکانات و امتیازها کمابیش برابر نشان داده شده است. به هر رو، فرض بر این است که هر چه سرمایه‌های پنج‌گانه بیش‌تر باشد، گزینه‌های بیش‌تری برای رویارویی با مشکلات و محفوظ نگه داشتن سطح معیشت وجود دارد. البته موضوع دسترسی به این سرمایه‌ها اهمیت بسیاری دارد. برخی از نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان حوزه توسعه می‌گویند: رها شدن از چرخه فقر بستگی تام و تمام دارد به میزان دسترسی گروه‌های اجتماعی کم‌درآمد به این سرمایه‌ها.



نمودار ۱. سرمایه‌های پنج‌گانه

با در نظر گرفتن توضیحات بالا، در می‌یابیم که خواه ناخواه موضوع «پایداری» نیز در این چارچوب مطرح می‌شود تا جایی که معیشتی را پایدار توصیف کرده‌اند که بتواند از فشارها و ضربه‌هایی که با آن روبه‌رو می‌شود جان به در برد و توانایی‌ها و دارایی‌های خود را در شرایط کنونی و نیز در آینده حفظ کند و بلکه افزایش دهد، بی‌آن که منابع طبیعی را تحلیل برد. در واقع، در این تعریف، پایداری یک معیشت از دو جنبه زیست‌محیطی و اجتماعی مدنظر قرار گرفته شده است: از لحاظ زیست‌محیطی، هر معیشتی هنگامی پایدار شمرده می‌شود که بتواند آن دسته از منابع و دارایی‌های محلی و جهانی را که بدان‌ها وابسته است، حفظ کند و گسترش دهد. به سخن دیگر، معیشتی که به فرض (در سطح محلی) سبب بیابان‌زایی و فرسودگی خاک می‌شود یا (در سطح جهانی) بر میزان تولید گازهای گلخانه‌ای می‌افزاید نمی‌تواند پایدار شمرده شود. از سوی دیگر، هر معیشتی، آن‌گاه به لحاظ اجتماعی پایدار است که می‌تواند نیازهای جامعه خود را در شرایط خطیر تأمین کند، در برابر تهدیدهای پیش‌رو تاب بیاورد و نیاز نسل‌های آتی را هم برآورد^{۱۳}. این برداشت از معیشت، تا اندازه زیادی با تعریف «پیمان‌نامه رامسر» از بهره‌برداری پایدار از تالاب‌ها خوانایی دارد^{۱۴}:

بهره‌برداری پایدار از تالاب‌ها به معنای کاربرد انسانی از آن‌هاست به شکلی که بیش‌ترین منفعت مستمر را برای نسل کنونی به ارمغان بیاورد در عین حال که توانایی آن‌ها برای برآوردن نیازها و امیدهای نسل‌های آینده محفوظ بماند.
(بر پایه توصیه ۳-۳، ۱۹۸۷)

گاه دیده شده است که طرح‌ها و برنامه‌های در دست اجرا میان مفاهیمی مانند «معیشت جایگزین»، «معیشت پایدار» و «معیشت مکمل» تمایز چندان بارزی قائل نشده‌اند و حتی اگر در سندها و نوشته‌های گوناگون ابتدا خود را مقید به یک چارچوب دانسته‌اند، در ادامه کار، به فرآیند طی شده نام دیگری داده‌اند. پاره‌ای از نام‌ها عبارت‌اند از «تنوع معیشتی»^{۱۵}، «فعالیت‌های درآمدزایی»، «پشتیبانی از معیشت‌ها»، «تغییر معیشتی»، و «گزینه‌های معیشتی». این حالت، به ویژه در گزارش فعالیت‌هایی به چشم می‌خورد که هدف اصلی را جایگزین کردن یک نوع معیشت با معیشت دیگری اعلام کرده‌اند، اما در میانه راه متوجه شده‌اند که عملاً روش‌های امرار معاش مردم را تنوع بخشیده‌اند یا گاه معیشت مکملی پدید آورده‌اند. طرح‌ها و برنامه‌هایی که زیر عنوان معیشت جایگزین به اجرا

درآمده‌اند، گاه نه تنها در رسیدن به هدف‌های خود ناکام مانده‌اند بلکه بر شرایط زندگی مردمان بومی و محلی نیز تأثیر ناگواری گذاشته‌اند و خسارت‌هایی بر آنان وارد آورده‌اند. دلیل‌های بسیاری برای این ناکامی آورده‌اند که یکی از آن‌ها تعریف‌های مبهمی است که از این عبارت وجود دارد که در نتیجه هدف‌گذاری یا شاخص‌ها و روش‌های پایش ناروشنی را به دنبال می‌آورد^{۱۶}. برای آن که موفقیت یا ناکامی این ترفند، یعنی معیشت جایگزین، همراه با دلیل و مدرک به اثبات برسد قطع‌نامه‌ای در کنگره اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت در ۲۰۱۲ به تصویب رسید که بر پایه آن می‌بایست طرح‌های معیشت جایگزین از بابت سودی که به تنوع زیستی می‌رسانند مورد ارزیابی انتقادی قرار گیرند^{۱۷}.

با این همه، برای معرفی الگوهای موفق معیشت جایگزین در عرصه حفاظت از منابع طبیعی کوشش بسیار شده است. هم اکنون مجموعه‌ای از تجربه‌های جهانی در این خصوص، به ویژه در پارک‌ها و منطقه‌های حفاظت شده در سراسر جهان، گرد آمده است. این تجربه‌ها عموماً بر پایه برنامه‌ای استوار است که در مرحله‌ای از فعالیت‌های خود با تأمین مشوق‌هایی به ساکنان منطقه‌های موردنظر امکان می‌دهد تا از مشاغلی که به لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی ناپایدار هستند دست کشیده به مشاغلی رو بیاورند که پایدارترند و پایداری زیست‌محیطی را به هم نمی‌زنند. قدر مسلم میزان مشوق‌ها می‌بایست چندان دقیق محاسبه شوند و چنان برنامه‌مند در اختیار مردم محلی قرار گیرد که بتواند ضرر و زیان حاصل از اعمال محدودیت بر کسب‌وکار مرسوم آن‌ها را جبران کند. در راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین، تأکید عمده بر مهارت‌ها و منابع محلی و نیز دانش بومی است. از این رو آن دسته از برنامه‌ها موفق‌تر هستند که شناسایی و ارزیابی دقیقی از این توانایی‌ها داشته‌اند و توانسته‌اند مشارکت اجتماعات محلی را جلب کنند. از سوی دیگر، اگر منطقه‌های مورد نظر فقرزده باشد، بی‌شک می‌بایست میان فرآیند فقرزدایی و حفاظت از طبیعت پیوندی برقرار کرد.

به هر رو، برنامه‌ریزان و مجریان طرح‌های «معیشت جایگزین» موفقیت خود را در گرو رعایت نکته‌های زیر می‌دانند:

🌸 **انعطاف‌پذیری:** همه الگوهای معیشت جایگزین نمی‌توانند به طور یکسان در همه جا جاری شوند؛

🌸 **پیچیدگی:** ایجاد معیشت جایگزین به سادگی صورت نمی‌پذیرد و نیاز به همکاری و مشارکت همگانی دارد؛

🌸 **هدف‌گذاری مناسب:** تشخیص آن که گروه هدف، برنامه‌های مربوط به معیشت جایگزین کدام دسته از مردم هستند، بسیار اهمیت دارد و از این بابت در اختیار گذاشتن مشوق‌ها و نیز اعمال محدودیت‌ها می‌بایست با دقت بسیار انجام شود؛

🌸 **تنوع معیشتی:** برنامه‌های مربوط به معیشت جایگزین می‌بایست برای تقویت امنیت شغلی گروه هدف خود فعالیت‌هایی را سر بیندازد که به کسب درآمد از راه‌های گوناگون بیانجامد و تنها بر یک الگوی معیشت خانوار متکی نباشد؛

🌸 **کاربری پایدار از منابع طبیعی:** با آن که مقصود اصلی از ایجاد معیشت‌های جایگزین کمک به حفاظت از منابع طبیعی است، اما سنجش موفقیت در این زمینه دشوار است. از این رو در طراحی برنامه می‌بایست تأثیر زیست‌محیطی ناشی از گذار از مشاغل جاری به انواع دیگر ارزیابی شود؛

🌸 **تفاهم و درک متقابل:** در اجرای برنامه‌های معیشت جایگزین در منطقه‌های حفاظت شده، اصل مهم جلب اعتماد مردم محلی است؛ زیرا گاه حتی کارشناسان و دست‌اندرکاران دستگاه‌های دولتی در سطح محلی نیز به دانشمندان و پژوهش‌گران حوزه حفاظت از طبیعت و آموزه‌شان به دیده شک و تردید می‌نگرند؛

🌸 **آموزش و میانجی‌گری بخش غیر دولتی:** پشتیبانی و همکاری گروه‌هایی که می‌توانند اجتماعات محلی را در خصوص مسائل زیست‌محیطی آموزش دهند یا آن که بخش خصوصی را با موضوع پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی آشنا کنند، در موفقیت طرح‌های معیشت جایگزین اهمیت به‌سزایی دارد؛

🌸 **فرآیند مداری:** برنامه‌های معیشت جایگزین قادر نیستند به چشم بر هم زدنی مشکلات اقتصادی مردم را حل کنند. از این رو، موفقیت این برنامه‌ها مستلزم صرف وقت و همراه شدن با راهبردهای زیست‌محیطی دیگر است.^۸

یادآور می‌شویم که بررسی‌های اخیر تأکید دارند که اثربخشی طرح‌ها و برنامه‌های معیشت جایگزین بر حفاظت از منابع طبیعی و تنوع‌زیستی هم‌چنان دانسته نیست. یکی از این پژوهش‌ها ۱۰۶ طرح معیشت جایگزین را در پنج قاره مورد مطالعه قرار داد تا ببیند آیا نتیجه‌ها و دستاوردهای این طرح‌ها از تهدیدها و مخاطره‌هایی که تنوع زیستی با آن روبه‌روست، کاسته است و (از دیدگاه حفاظت) موقعیت‌های مورد نظر را حفظ کرده یا بهبود بخشیده‌اند. در جمع‌بندی این پژوهش آمده است که رعایت مقتضیاتی، از جمله نکته‌های زیر می‌تواند برای تضمین این اثربخشی مؤثر افتد:^۹

🌸 ارزیابی نظام‌مند از فعالیت‌های اقتصادی موجود برای درک راهبردهای معیشتی مردم ساکن در آن منطقه‌ها پیش از طراحی هر برنامه‌ای شرط واجب است؛

🌸 اگر ارزیابی یاد شده نتوانست دلیل و مدرک محکمی به دست دهد که کار از کجا آغاز شود، می‌بایست در طراحی برنامه اجرایی، انعطافی را در نظر گرفت که به مجریان و دست‌اندرکاران فرصت آزمون و خطا دهد؛

🌸 به کارگیری رویکرد «نظریه تغییر» (TOC)^{۲۰} می‌تواند سودمند باشد؛ زیرا رابطه میان هدف درازمدت طرح و تغییراتی را که لازم است در میان‌مدت و کوتاه‌مدت پدید آورد، می‌شناساند؛

🌸 لازم است که طرح‌های معیشت جایگزین از همان ابتدای کار روشن کنند که از لحاظ حفاظت از منابع طبیعت و تنوع زیستی می‌خواهند به چه نتیجه‌ها و دستاوردهایی برسند و شاخص‌هایی برای پایش هدف‌های حفاظتی در نظر بگیرند تا بتوان مرحله به مرحله دریافت که طرح‌های معیشت جایگزین چه تأثیری بر بهبود وضعیت منابع طبیعی می‌گذارند. این امری واجب است؛ زیرا اغلب طرح‌های معیشتی فاقد این نظام پایش از دیدگاه حفاظت بوده است؛

🌸 تمام طرح‌های معیشتی می‌بایست از مخاطره‌های احتمالی مداخله‌های خود یک ارزیابی تهیه کند. لازم است که دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان محلی، این ارزیابی را انجام دهند. ضرورت تهیه این ارزیابی هنگامی روشن می‌شود که به یاد بیاوریم کاربری فناوری‌های نوین و معرفی روش‌ها

و رویه‌های نامتعارف به مردمان بومی و محلی چگونه در شماری از جاها، مناسبات اجتماعی و اقتصادی مرسوم را تغییر داد و گاه از هر نظر تأثیرات منفی به همراه آورد؛ بخشی از ارزیابی مخاطره‌های احتمالی می‌تواند دربرگیرنده پایداری اقدام‌های موردنظر باشد. با در نظر گرفتن تجربه‌های موجود و ماهیت کوتاه‌مدت بودن این اقدام‌ها، درست است که هیچ فعالیتی در خصوص طرح‌های معیشت جایگزین صورت نگیرد، مگر آن که از ادامه یافتن فعالیت‌ها پس از پایان یافتن مدت زمان طرح بدون دریافت کمک از بیرون اطمینان یافت.

لازم است پشتیبان‌های مالی طرح‌های معیشت جایگزین مجریان را تشویق کنند که در حین اجرای طرح، تأثیرهای مثبت و منفی فعالیت‌های معیشتی را گزارش دهند تا بتوان از تجربه‌های میدانی دریافت که پیشرفت واقعی از چه راه‌هایی صورت گرفته است.

سرانجام آن که طراحی، برقراری نظام پایش و به اشتراک گذاشتن درس‌آموخته‌ها در برنامه‌های معیشت جایگزین، اهمیت بی‌اندازه‌ای دارد و می‌بایست به این امور توجه ویژه داشت.

۲-۲. این رویکردها/ چارچوب‌ها چه اهمیتی برای مردم قائل‌اند و چرا؟

جا دارد موضوع مردممداری در طرح‌های معیشت جایگزین را بیش‌تر بشکافیم. درست است که درگیر کردن جماعت‌های مورد نظر و جلب مشارکت آنان کانون تپنده رویکرد مردممداری در حفاظت از منابع طبیعی است، اما ببینیم چرا طرح‌های معیشتی می‌بایست مردممدار باشند. در گفتمان توسعه، مردممدار بودن را به معنای توجه و تمرکز بر بهبود وضعیت جماعت‌های محلی از بابت رسیدن به عدالت اجتماعی، خوداتکایی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها می‌دانند و بر این باور پافشاری می‌کنند که رشد اقتصادی به خودی خود به توسعه انسانی نمی‌انجامد و می‌بایست در ارزش‌ها و رویه‌های اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی تغییراتی پدید آورد. برنامه توسعه ملل متحد، از جمله نهادهایی است که تأکید دارد «رفاه حال مردم و کیفیت زندگی‌شان مهم‌ترین معیار برای تشخیص موفقیت امر توسعه است. از این رو، مردم در کانون امر توسعه انسانی قرار دارند- خواه در قالب بهره‌مندان، خواه به منزله نیروی برانگیزاننده توسعه، خواه در قالب افراد، خواه به شکل گروهی»^{۲۱}.

اما مردممدار بودن طرح‌های معیشتی تنها به معنای افزایش کمی به عنوان شاخص مشارکت مردمی

نیست، بلکه سهم و مسئولیتی که همه اعضای یک اجتماع در برخورداری از منفعت‌های عام و مشترک (فارغ از تمایزهای گروه‌های اجتماعی) دارند تعیین می‌کند که رویکرد مردم‌مدار به کار گرفته شده است یا خیر. هنگامی که طرح‌ها و برنامه‌های معیشتی از رویکرد مردم‌مدار با هدف‌های حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی بهره می‌گیرند، برقراری نظام‌های مدیریتی منابع طبیعی را با دو پیش‌فرض الزام‌آور می‌سازد: **الف)** جماعت‌های موردنظر دارای ظرفیت‌ها و دارایی‌هایی هستند که پابرجاتر از ساختارهای سیاسی یا تخصصی است و می‌توانند مکمل دانش و مهارت‌های کارشناسانه باشند.

ب) پیوند زدن میان این دو نوع دانش و مهارت در چارچوب مدیریت مشترک است که می‌تواند در درازمدت هم پاسدار میراث‌های طبیعی و فرهنگی باشد و هم به سود جامعه عمل کند^{۲۲}. به سخن دیگر، آن دسته از طرح‌ها و برنامه‌های معیشتی در عرصه حفاظت از منابع طبیعی مؤثر می‌افتد که هم مسئولیت و هم منفعت مردم را به رسمیت بشناسد و از همان ابتدا به این موضوع توجه کند.

۳-۲. رابطه میان راهبردهای کاهش فقر با موضوع حفاظت از منابع طبیعی

طرح‌ها و برنامه‌های معیشتی در عرصه منابع طبیعی را عموماً به سه دسته تقسیم می‌کنند. گاه دشوار است که در اجرا میان این سه دسته تمایزی قائل شد. شماری از طرح‌ها در صدد هستند که با محاسبه و پرداخت خسارت‌هایی که از سوی بهره‌برداران بر منابع طبیعی وارد می‌آید از آن محافظت کنند. شماری دیگر، برای حفاظت از منابع طبیعی از سوی مردم مشوق‌هایی (مالی یا غیرمالی) در نظر می‌گیرند. دسته سوم، همانا طرح‌های جایگزین‌اند^{۲۳}. از میان این سه دسته، طرح‌های معیشت جایگزین را به طور ویژه، مرتبط با برنامه‌های کاهش فقر می‌دانند. برخی از سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه نبود گزینه‌های اقتصادی و فقر را دلیل اصلی دست‌اندازی و فشار بر محیط‌زیست و منابع طبیعی فرض می‌کنند و بر این باور هستند که فراهم آوردن زمینه‌هایی برای درآمدزایی تهی‌دستان راه‌حل ریشه‌ای برای کاهش یا قطع فشار بر محیط‌زیست و منابع طبیعی است. هم‌چنین به گمان آنان مدیریت کارآمدتر محیط‌زیست و منابع طبیعی به طور مستقیم به کاهش فقر، معیشت‌های پایدارتر و رشد اقتصادی به سود تهی‌دستان می‌انجامد. یادآور می‌شویم که «برنامه محیط‌زیست ملل متحد» (UNEP) و برنامه توسعه ملل متحد با کاربست چنین رویکردی به مسئله فقر و پایداری منابع طبیعی با همکاری با یک‌دیگر برای مبارزه

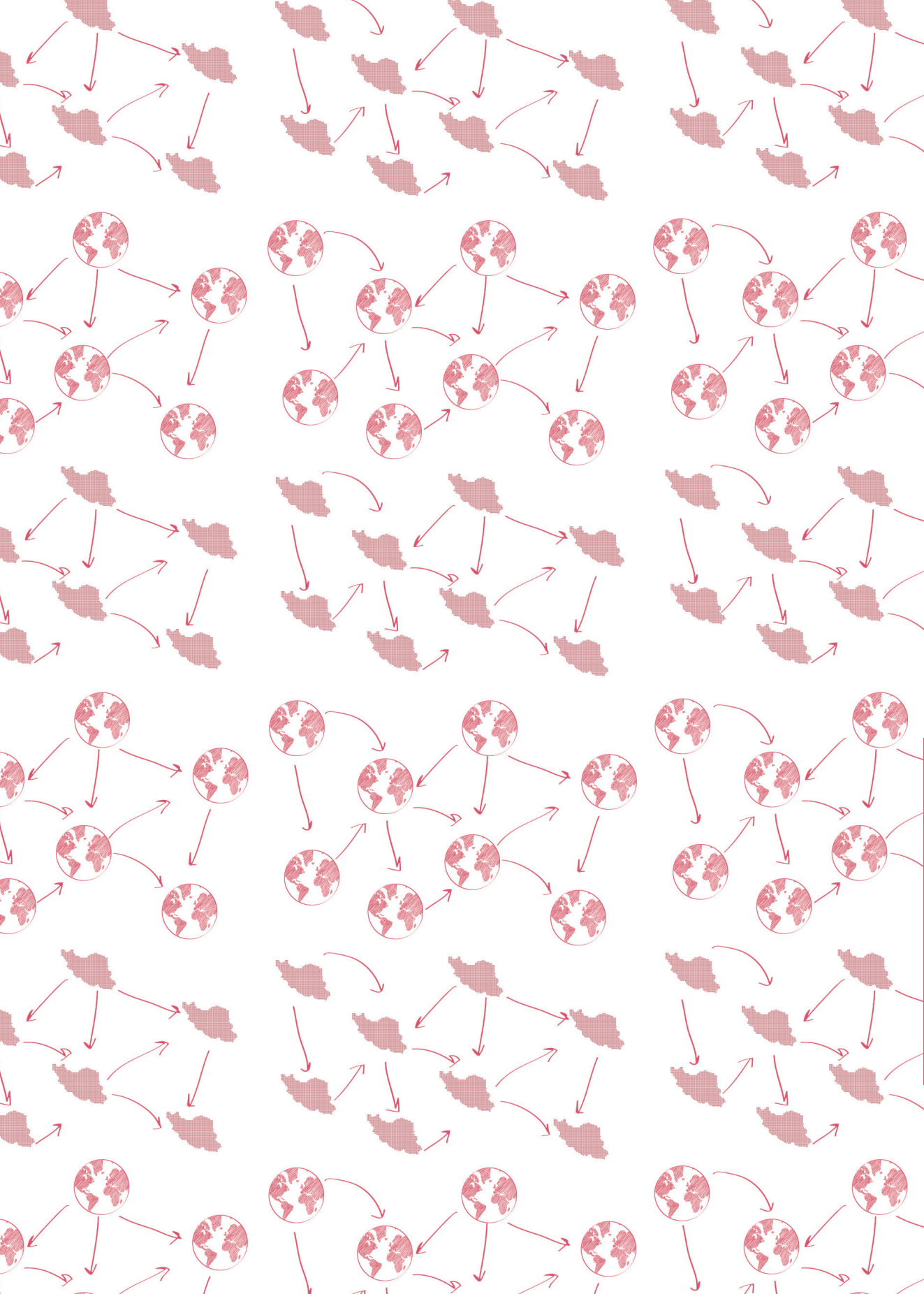
با فقر، تأمین امنیت و حفاظت از زیست‌بوم‌هایی که تهی‌دستان^{۲۴} برای گذران زندگی به آن اتکا دارند، دست به اقدام‌هایی زده‌اند که دو عنصر رشد اقتصادی به سود تهی‌دستان و پایداری زیست‌محیطی پایه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی، نظام‌های برنامه‌ریزی و نهادسازی کشورها قرار می‌گیرد. این اقدام‌ها زیر عنوان «برنامه فقر-محیط‌زیست» (PEI) هم اکنون در دست اجراست.^{۲۵}

در واقع، طرح‌های معیشت جایگزین در عرصه منابع طبیعی هدف‌های دو گانه اقتصادی-بوم‌شناختی را دنبال می‌کنند. شاخص موفقیت این طرح‌ها آن است که هم گروه‌های هدف خود را از چرخه فقر خارج می‌کند و همچنین بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی مورد استفاده گروه‌های هدف خود را تضمین می‌کند. به این اعتبار با صرف طرح‌های درآمدزایی یا کاهش فقر بسیار متفاوت هستند. البته فرآیند راه‌اندازی معیشت‌هایی که بتواند پاسخ‌گوی هر دو نیاز معیشتی و حفاظتی باشد ساده نیست و مستلزم شناسایی دقیق «بهره‌وری منطقه»ی مورد نظر، حدّ و اندازه «زبان‌های محتمل، امنیت و آموزش و نیز ماهیت تولید، بازاریا و تقاضای محلی» است.^{۲۶} اما کسب درآمد بیش‌تر و در پی آن، کاهش فقر خانوار جماعت‌های مورد نظر از راه عرضه راه‌های دیگری برای امرار معاش، به خودی خود و لزوماً منجر به کاهش فشار بر منابع طبیعی نشده است. نمونه‌هایی در دست است که به دست آوردن اندکی درآمد بیش‌تر عملاً سرمایه اولیه برای خرید ابزار و تهیه نیازمندی‌هایی را فراهم آورده است که فعالیت‌های اقتصادی زبان‌بار برای منابع طبیعی را افزایش داده است.^{۲۷}

۲-۴. راهبردهای معیشتی دیگر در روستاها

در خلال جست‌وجو برای به دست دادن تعریف‌های مرسوم از معیشت پایدار، جایگزین و مکمل با اصطلاحی دیگر نیز روبه‌رو هستیم که عمدتاً در عرصه توسعه روستایی و توسعه کشاورزی به کار می‌رود و به نام «فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی»^{۲۸} شهرت دارد. در سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ میلادی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفت که بر اهمیت درآمد حاصل از کار خانوارهای روستایی در خارج از روستا یا در روستا ولی بیرون از مزرعه، خواه در کشورهای صنعتی یا توسعه‌نیافته، تأکید می‌ورزید.^{۲۹} مراد از این پژوهش‌ها عمدتاً آن بود که سهم درآمد خانوار روستایی از فعالیت‌های اقتصادی گوناگون‌اش تعیین شود تا بسته به نتیجه‌های به دست آمده بتوان با سیاست‌گذاری‌های مناسب،

بیکاری در روستا را کاهش داد و زمینه‌های تقویت بنیه اقتصادی روستاییان را هر چه بیشتر فراهم کرد. نقطه مشترک این دست از پژوهش‌ها و اقدامات مبتنی بر آن با مباحث مربوط به الگوی معیشت جایگزین برای حفاظت از منابع طبیعی و تضمین تداوم تنوع‌زیستی در آن است که هر چه شناسایی از منبع درآمدهای خانوارهای روستایی دقیق‌تر صورت گیرد امکان معرفی الگوهای موفق جایگزین بیشتر می‌شود. از این رو، خط مشترکی، چنین پژوهش‌هایی را به هم پیوند می‌دهد. هم‌چنین بررسی الگوی رایج فعالیت‌های غیرکشاورزی در کنار فعالیت‌های کشاورزی در هر روستا سبب می‌شود که منبع درآمدهای هر خانواده روستایی شناسایی شود و نیز روندهای تصمیم‌گیری کشاورزان برای بهره‌گیری از منابع در دسترس روشن شود.^{۳۰}





۳. مورد پژوهی
راهبردهای معیشت جایگزین در
فرایندهای حفاظت از منابع طبیعی



با اندکی جست‌وجو می‌توان به شرح و توصیف نمونه‌هایی از اقدام‌هایی در عرصه منابع طبیعی دست یافت که در صدد حفاظت از این منابع به مدد اجرای راهبردهای معیشتی برای بهره‌برداران، به ویژه بهره‌برداران تهی‌دست این منابع، برآمده‌اند. یکی از ارزنده‌ترین منابع برای بررسی تعداد قابل توجهی از موردپژوهی‌ها که تحلیلی از دلایل‌های ناکامی و کامیابی طرح‌های اجرایی را نیز به دست می‌دهد، درس‌آموخته‌هایی است که IUCN از طرح‌های معیشت جایگزین در آفریقای مرکزی در سال ۲۰۱۵ به دست داده است. در این بررسی، مجموع ۱۳ طرح معیشتی مورد مطالعه قرار گرفته است که همگی می‌کوشیدند در برابر جماعت‌های روستایی منطقه‌های مدنظر گزینه‌های معیشتی سودآورتری نسبت به شکار جانوران جنگلی عرضه کنند که گاه درآمد حاصل از شکار به چهار برابر فعالیت‌های اقتصادی دیگر می‌رسید.

شماری از طرح‌های اجرایی هیچ شرطی برای **مشارکت جماعت‌های محلی** قائل نمی‌شدند ولی نمونه‌هایی در دست است که بهره‌مندی از امتیازهای طرح‌های اجرایی را مشروط به رعایت پاره‌ای از اصول می‌کند، از جمله: طرح پرورش دام در کشور کنگو از داوطلبانی پشتیبانی می‌کرد که به هنگام تشکیل گروه‌شان تعهد سپرده بودند که دست از شکار کردن می‌کشند و تفنگ‌ها و ابزار شکار خود را تحویل می‌دهند. این طرح که در زمان انجام دادن این مطالعات هم‌چنان ادامه داشت توانسته بود طی یک سال هر ۱۵ نفر عضو گروه را به تغییر الگوی معیشت خود تشویق کند.^{۳۱}



همان طور که در بخش پیشین آمد، برخی از فعالیت‌های که زیر عنوان «معیشت جایگزین» به اجرا در می‌آیند از زمره فعالیت‌های اقتصادی مردم منطقه مدنظر هستند ولی به لحاظ شیوه تولید، عرضه و فروش محصول چندان توسعه نیافته‌اند که تولیدکنندگان آن از درآمد کافی برخوردار شوند تا جایی که به فرض تنوع‌زیستی آن منطقه محفوظ بماند. پس اگر تولیدکنندگان این نوع فرآورده‌ها یاد بگیرند که از ظرفیت‌های محلی پیرامون‌شان استفاده بهتری کنند، چه بسا آن منبع زیستی در امان بماند. البته زمینه دیگر راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین تولید کالاها و خدماتی است که پیش از این در منطقه مدنظر رواج نداشته است. در بخش زیر به نمونه‌هایی از هر کدام اشاره شده است. نکته دیگر آن که از میان این خیل عظیم، نمونه‌هایی را برگزیدیم که عمدتاً احیا و حفاظت از منابع تالابی را نشانه رفته‌اند یا از نظر آب‌وهوایی، بوم‌شناختی و اجتماعی به وضعیت تالاب‌های ایران شباهت دارند.

۱-۳. تجربه های جهانی

۱-۱-۳. پرورش آبزیان در پارک ملی کومودو، اندونزی^{۳۲}

جماعت‌های محلی در منطقه‌ی کومودو با ماهی‌گیری روزگار می‌گذرانند. اگر از ماهی‌گیری در این منطقه جلوگیری می‌کردند امرار معاش برای ۲۰ هزار خانواده ساکن در آن جا به خطر می‌افتاد، زیرا گزینه دیگری نداشتند. از سوی دیگر، موقعیت این منطقه برای پرورش آبزیانی مانند جلبک‌ها و نوع خاصی از ماهیان که ارزش اقتصادی بالایی داشتند مناسب بود. به دلیل آن که پرورش آبزیان برای ساکنان منطقه ناشناخته بود، ضرورت داشت تا نهادها و سازمان‌های مرتبط آن‌ها را با شیوه کار آشنا سازند و از آن‌ها در جهت جایگزینی این پیشه با راه و رسم سنتی معیشتی‌شان پشتیبانی کنند. پرورش این آبزیان به روشی خاص صورت می‌گیرد، به این معنا که در محیط طبیعی خودشان زادآوری و رشد می‌کنند^{۳۲}. پس از آن که ماهیان و جلبک‌ها به اندازه کافی بزرگ شدند و رشد کردند برای فروش به هنگ‌کنگ صادر می‌شوند. درصدی از درآمد حاصل از فروش محصولات به روستاییان عاید روستاییان می‌شود ولی بخش باقی‌مانده برای گسترش و تداوم عملیات سرمایه‌گذاری می‌شود. هدف از ایجاد و گسترش این کسب‌وکار جلوگیری از ماهیگیری در آب‌سنگ‌های مرجانی و حمایت از بقای تنوع زیستی در این زیست‌بوم است. مسئولان و مجریان این طرح امیدوار هستند که

تنوع‌بخشی به فعالیت‌های معیشتی ساکنان پیرامون پارک ملی کومودو سبب شود تا آن‌ها از روش ناپایدار ماهیگیری سنتی دست بردارند و به کسب‌وکاری بپردازند که در عین حال سطح زندگی‌شان را نیز به شکلی فزاینده و پایدار ارتقا بخشد.

البته برای این جایگزینی روستاییان با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بودند. نخست آن که پرورش آبزیان مستلزم یافتن مهارت‌های فنی نوینی بود که به ویژه، هنگام تخم‌ریزی و زادآوری ماهیان می‌بایست به کار می‌بستند. از سوی دیگر، راه‌اندازی این کسب‌وکار مستلزم صرف هزینه بسیاری بود و از این رو تغییر معیشتی برای تنگ‌دست‌ترین ماهیگیران میسر نبود. با این همه، با به انجام رسیدن همه مرحله‌ها، انتظار می‌رود که بیش از ۲۰۰ خانواده در فرآیند پرورش آبزیان در منطقه شرکت داشته باشند. با تعمیم این طرح در طول ۹۵ هزار کیلومتری سواحل اندونزی، هدف جایگزینی معیشت‌هایی که به محیط‌زیست آسیب وارد می‌آورد با معیشت‌های پایدار پر رونق برای صدها خانواده محقق می‌گردد.

با در نظر گرفتن سرمایه‌های پنج‌گانه (نمودار ۱، ص ۲۳)، باید گفت که دسترسی به این سرمایه‌ها برای موفقیت طرح پرورش آبزیان بی‌اندازه اهمیت دارد. برای اجرای چنین طرحی باید از پیش اطمینان داشت که فرآیندهای مهارت‌آموزی به طور کامل در دسترس روستاییان قرار می‌گیرد (سرمایه انسانی). هم‌چنین می‌بایست امکان تأمین پشتیبانی‌های اولیه مالی را سنجید و سپس دست به کار شد (سرمایه مالی). آشکار است که وجود موقعیت طبیعی برای پرورش آبزیان در زیست‌گاه طبیعی‌شان نیز بسیار مهم است (سرمایه طبیعی). سرانجام آن که لازم است شرایط دسترسی به بازار را از همان اوان کار سنجید و مهیا ساخت (سرمایه فیزیکی). البته، به دلیل موقعیت جغرافیایی سواحل کشور اندونزی، تأثیرات منفی بروز بلاهای طبیعی مانند چرخنده‌ها و موج‌های کِشندی را نیز باید در نظر داشت.

نکته‌ای که باید از نظر حفاظتی مدنظر قرار داد آن است که پرورش آبزیان به شکلی که در منطقه پارک ملی کومودو در دست اجراست، بالقوه از فشار روی این زیست‌بوم می‌کاهد اما واقعیت پیچیده‌تر از این محاسبات تک‌خطی است، به این معنا که درست است که شمار معینی از ماهیگیران سنتی به این کسب و کار رو می‌آورند اما نمی‌توان از شمار کسانی که از این فرآیند باز می‌مانند، از جمله

ماهگیران تهی‌دست و از روند رشد جمعیتی آن‌ها و تأثیر این روند بر چنین طرحی همواره باخبر شد. به سخن دیگر، اگر چرخه فقر در چنین منطقه‌هایی از حرکت باز نایستد بعید است که روش‌های معیشتی جایگزین بتواند بر هدف‌های حفاظتی مورد نظر خود تأثیر بگذارد.

سازمان‌های مجری این طرح لازم می‌دانند که برای پایدارسازی فعالیت‌های و خروجی‌های کارشان به این موردها توجه کنند:

🌸 اقتصادی؛ هدف این طرح تولید پنج گونه آبی محلی است که در بازار بین‌المللی تقاضا برای آن بالاست؛

🌸 اجتماعی؛ هزینه‌های بالای راه‌اندازی این کسب‌وکار در برابر روستاییان راهی باز نمی‌گذارد تا آن‌ها از شیوه‌های مخرب معیشتی خود دست بردارند و به این فعالیت رو بیاورند؛

🌸 نهادی؛ مانند بسیاری از طرح‌های معیشت جایگزین، با آن که در کوتاه مدت توانسته است روستاییان را برانگیزد تا روش معیشتی مضر سنتی خود را کنار بگذارند ولی تضمینی نیست که در طولانی‌مدت (به ویژه با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت) این فرآیند اثرهای پایداری بر جا بگذارد. از این رو، نهادهای دیگری باید وارد کار شوند تا این شکاف را پر کنند؛

🌸 بوم‌شناختی؛ طرح‌های معیشت جایگزین فشارهای خاص خود را وارد می‌آورند. پرورش آبزیان در زیست‌گاه‌های طبیعی آن‌ها سبب پخش بیماری‌هایی می‌شود که برای مهار آن می‌بایست همواره کل فرآیند را پایش کرد.

۲-۱-۳. طرح حفاظت از تالاب‌های جلگه‌ای سانجیانگ، استان هیلونگ‌جیانگ، چین^{۳۴}

جلگه سانجیانگ در استان هیلونگ‌جیانگ، در شمال‌شرقی کشور چین، یکی از غنی‌ترین ذخیره‌گاه‌های زیستی جهان است. اما در پنجاه سال گذشته به دلیل رشد جمعیت، افزایش تولید و بهره‌کشی از منابع آبی و زیستی ذخیره‌های این زیست‌بوم به یک پنجم ظرفیت پیشین خود کاهش یافته است. در سال ۲۰۰۵، دولت چین با دریافت وامی از بانک توسعه آسیا (ADB) «طرح حفاظت از تالاب‌های جلگه‌ای سانجیانگ» (SPWPP) را به اجرا درآورد. این طرح که در سال ۲۰۱۲ پایان یافت دارای سه مؤلفه بدین شرح بود:

الف) آبخیزداری؛

ب) مدیریت ذخیره طبیعی تالاب؛

پ) برنامه‌های معیشت جایگزین.

در ادامه، بانک توسعه آسیا موافقت کرد تا از ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ از تعمیم دستاوردهای طرح به تالاب‌های دیگر کشور از راه ظرفیت‌سازی، ترویج الگوهای حفاظت از تالاب و پخش و انتشار دانش به دست آمده پشتیبانی کند. در این بخش از توضیح دو مؤلفه نخست می‌گذریم و تنها به ویژگی‌های برنامه‌های معیشت جایگزین آن به طور فشرده اشاره می‌کنیم.

هدف از اجرای برنامه‌های معیشت جایگزین آن بود که فعالیت‌هایی معیشتی را بیازماید که از فشار بر نظام‌های طبیعی می‌کاهند و امکان می‌دهند تا درصد معینی از تالاب به حالت طبیعی برگردد و از نو زنده شود. از سوی دیگر، این برنامه‌ها طوری طراحی شده بودند که روستاییان بتوانند از مقدار زمین کم‌تر درآمد بیش‌تری کسب کنند، به شرط آن که بگذارند بخشی از زمین کشاورزی‌شان در پهنه‌های مهم و اصلی زیست‌بوم‌های تالابی به حالت طبیعی خود برگردد. تا پایان طرح، در مجموع، ۳۴۴۱ هکتار از اراضی زیر کشت به تالاب و ۴۳۰۰ هکتار به جنگل افزوده و احیا شد. این خود دستاورد بزرگی بود که به بهبود وضعیت آبی و بوم‌شناختی منطقه انجامید. از سوی دیگر، روش‌هایی که برای امرار معاش پیش روی روستاییان گذاشته شد توانست در فاصله سال‌های میان ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به طور میانگین درآمد خالص سرانه سالانه کشاورزان زیر پوشش طرح را به اندازه ۲۰٪ افزایش دهد. برنامه‌های معیشت جایگزین در منطقه‌های جنگلی با منطقه‌های تالابی تا حدودی تفاوت داشت.

برای نمونه، روستاییان در ناحیه‌های جنگلی با روش‌های کاشت و برداشت محصولات غیر الواری/چوبی (NTFFPs) آشنا شدند. از نمونه‌های موفق این روش‌ها زنبورداری، گردآوری یا کشت گیاهان دارویی، کشت انگور در ناحیه‌های جنگل‌زدایی شده و مانند آن بود. در آن منطقه‌ها ایجاد تاکستان بسیار باصرفه بود؛ زیرا از زمین کم‌تر با صرف منابع اندک محصول گران‌قیمت‌تری به دست می‌آمد که در عین حال پوشش گیاهی منطقه‌های رها شده جنگلی را نیز تقویت می‌کرد. در پهنه‌های تالابی، در آن مدت، ۵۰ گلخانه در وسعتی به اندازه ۱۰ هکتار ایجاد و بهره‌برداری شد. هر گلخانه سالانه ۱۵ هزار کیلوگرم سبزیجات تولید و به بازار عرضه کرد. در این گلخانه‌ها به جای استفاده از کود شیمیایی و سم، کشاورزان یاد گرفتند تا چه گونه کودهای زیستی و آفت‌کش‌های طبیعی را به کار ببرند. در ازای بهره‌برداری از گلخانه‌ها، کشاورزان موظف بودند بخشی از زمین‌های خود را رها کنند تا به وسعت تالاب افزوده شود که به این ترتیب در برابر هر هکتار وسعت گلخانه، ۳۹ هکتار از زمین‌های کشاورزی به تالاب بازگردانده شد.

وجه مشترک برنامه‌های معیشت جایگزین در هر دو عرصه جنگلی و تالابی، راه‌اندازی بوم‌گردی و زنده کردن صنایع و فرهنگ سنتی به منظور نمایش و فروش محصول به بوم‌گردان بود. بوم‌گردان در این منطقه‌ها از امکانات پرندنگری، ماهی‌گیری، قایق‌رانی، پیاده‌روی، اردو زدن، اسکی و مانند آن برخوردار هستند و در کانون‌های آموزشی گوناگونی که به این منظور برپا شده است با بوم‌شناختی تالابی و کشاورزی سازگار با محیط‌زیست آشنا می‌شوند. در این سال‌ها تعداد بوم‌گردان و گردشگران از ۵۲۵ هزار به ۹۰۰ هزار افزایش یافته است. بیش از ۴۰۰ کشاورز شیوه معیشتی پیشین خود را ترک کرده‌اند و در صنعت بوم‌گردی به کار مشغول شده‌اند که در نتیجه آن ۵۲۵ هکتار از زمین‌های کشاورزی‌شان را رها ساخته‌اند تا ۴۲۷ هکتار آن به پهنه‌ی تالاب باز گردد.

۳-۱-۳. ظرفیت‌سازی تشکلهای محلی و معیشت جایگزین در تالاب نازوم، قزاقستان

در شمال کشور قزاقستان، در منطقه قوستانای، چندین دریاچه وجود دارد که در فصل‌هایی از سال زیست‌گاه درناهای سیبری است. این منطقه از توسعه نیافته‌ترین بخش‌های قزاقستان به شمار می‌آید؛ از لحاظ اقتصادی جزء محروم‌ترین و از نظر مشارکت اجتماعی و توان جامعه مدنی بسیار محدود بود. با اُفتِ فعالیت‌های کشاورزی بیکاری افزایش و وابستگی ساکنان پیرامون دریاچه‌ها به منابع تالابی افزایش یافته بود. در سال ۲۰۰۵ طرحی شکل گرفت و به اجرا درآمد که مؤلفه‌های آن عبارت بود از راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین، ایجاد تشکلهای محلی و فراهم آوردن زمینه‌ای برای مردم تا درآمدی اضافی به دست آورند. این طرح پنج ساله با عنوان «طرح تالابی درناى سفید» توانست تا سال ۲۰۰۸ فعالیت‌های اقتصادی ساکنان ناحیه نازوم را تا سه برابر افزایش دهد، شبکه سازمان‌های غیر دولتی جوانان را ایجاد کند، چند مرکز اطلاع‌رسانی محلی به وجود آورد و با پشتیبانی از شماری از طرح‌های معیشتی (مانند ایجاد یک نانوایی و پنج مهمان‌سرا) خود را به عنوان نمونه مطلوبی از توسعه و حفاظت در میان طرح و برنامه‌های GEF بگنجانده^{۳۰}.



۴-۱-۳. احیای جنگل‌های مانگرو در سنگال

کشور سنگال دارای ۱۸۵۰۰۰ هکتار جنگل‌های مانگرو است ولی از دهه ۱۹۷۰ میلادی تا کنون ۴۵۰۰۰ هکتار از این پوشش جنگلی را از دست داده است. برای احیای این جنگل‌ها «صندوق دانون برای طبیعت» و «صندوق معیشت‌های کربن» از سازمان غیر دولتی «اُسیونوم» در این کشور پشتیبانی کردند تا توانست ۷۹ میلیون نشاء را در ۱۰۰۰۰ هکتار بنشانند و از این راه شالیزارهایی را که بر اثر افزایش سطح نمک آب محصول خوبی نمی‌دادند نجات دهد. از کامیابی‌های دیگر طرح بسیج ۳۵۰ روستا با جمعیتی حدود ۲۰۰۰۰۰ تن بود که از راه پرورش ۱۸۰۰۰ تن موجودات آبی سطح معیشت خود را ارتقا دهند و با دیدن مزیت‌های این طرح خود حافظ جنگل‌های مانگرو گردند.^{۳۶} پایگاه اطلاع‌رسانی «پیمان‌نامه رامسر» این طرح معیشتی را از آن رو پایدار می‌شمارد که: **(الف)** رویکردی مردم‌مدار دارد، بدین معنا که میزان آسیب‌پذیری مردم را نسبت به فشارها و تنگناهای ناگهانی و نیز بلاهای طبیعی ارزیابی و برای کاهش اثرهای آن‌ها تمهیدی اختیار کرده است. هم‌چنین از اهمیت نوسان فصلی قیمت‌ها و فرصت‌های شغلی پیش روی روستاییان آگاهی دارد و از منابع بالقوه برای رویارویی با این مسائل فهرستی تهیه کرده است تا در موقع مقتضی از آن منابع بهره بگیرد؛ **(ب)** انواع «سرمایه»های موجود را دسترس‌پذیر می‌سازد؛ **(پ)** با شناسایی و درگیر کردن آن نهادها و دستگاه‌هایی که می‌توانند آن «سرمایه»ها را فراهم آورند سبب شده است وضعیت مردم و نیز تنوع زیستی بهبود یابد.^{۳۷}



۳-۲. تجربه‌های ایرانی

۳-۲-۱. فعالیت‌های معیشتی طرح‌های بین‌المللی دیگر

از میان آن دسته از طرح‌های مشترک میان دولت ایران و برنامه عمران ملل متحد به دو نمونه اشاره می‌شود؛ یکی طرح «تقویت و انسجام سازمانی در راستای مدیریت یک‌پارچه منابع طبیعی» (منارید) و دیگری طرح «مدیریت مشارکتی منابع طبیعی و توسعه روستایی» (ترسیب کربن). هر دو طرح، با وجود تفاوت‌هایی در هدف‌ها، روش‌ها و وظیفه‌هایی که بر عهده دارند از بابت رویکردشان به موضوع معیشت گروه‌های ذی‌نفع دارای شباهت‌هایی اساسی‌اند^{۲۸}. نخست، اطلاعات کلی هر طرح را در حوزه معیشت به اختصار می‌آوریم:

طرح ترسیب کربن

طرح ترسیب کربن با همکاری سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، برنامه توسعه ملل متحد و سازمان تسهیلات جهانی در سال ۱۳۸۲ در سطح ۱۴ هزار هکتار از اراضی خراسان جنوبی آغاز شد و به دلیل دستاوردها و نتیجه‌های مطلوبی که به دست آورد، در مرحله دوم، به استان‌های تهران، کرمان، سمنان، مرکزی، بوشهر، آذربایجان غربی، فارس، گلستان، ایلام، اصفهان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، قم، سیستان و بلوچستان، و یزد گسترش یافت. این مرحله از سال ۱۳۸۸ در وسعتی حدود ۱۲۳۲۰۰۰ هکتار، دربرگیرنده ۴۳۵ روستا با ۴۴۲۷۲ تن از ساکنان آن تا دی ماه ۱۳۹۵ ادامه یافت. متولیان و برنامه‌ریزان این طرح بر این باور هستند که ایجاد شرایط مناسب برای بهبود وضعیت معیشتی در منطقه‌های روستایی و محروم، در حفظ و احیای منابع طبیعی تأثیر به‌سزایی دارد. از این رو، در این فاصله طرح ترسیب کربن کوشیده است همراه با فرهنگ‌سازی و آموزش جماعت‌های روستاهای مدنظر با تأمین نیازهای اولیه آن‌ها در حفاظت از منابع طبیعی هدف‌های خود را پیش ببرد.

گزارش‌هایی که تاکنون منتشر شده است، نشان می‌دهند که یک رشته مشاغل درآمدا با هدف افزایش درآمد سالانه و بهبود وضعیت معیشتی مردم و (در نتیجه) کاهش فشار دام بر مراتع به وجود آمده‌اند. برای نمونه گفته می‌شود که در خراسان جنوبی، ۵۵۰ شغل دائمی ایجاد شده است، از جمله از عروسک‌سازی و تقطیر گیاهان دارویی نام برده می‌شود. تا مرداد ۱۳۹۱، طرح ترسیب توانسته بود

«گروه توسعه روستایی» ایجاد کند که صندوق خُرد اعتباری وابسته به این گروه‌ها توانسته بود از محل پس‌اندازهای درون گروهی به ۹۵۴ نفر بابت اشتغال‌زایی وام بدهد. تعداد این تشکل‌ها سپس به ۶۶ عدد با ۴۰۵۵ عضو رسید که بیش از ۲۴۰۰ وام را پخش و بیش از ۱۵ هزار از اراضی را احیا کرده بودند. این طرح ترسیب توانسته است تا اوایل ۱۳۹۵، در روستاهای تعمیمی، شمار این تشکل‌های نوپای روستایی را به ۷۰۷ عدد و تعداد صندوق‌ها را به ۸۲ برساند. دست‌اندرکاران طرح وسعت اراضی احیا شده از سوی گروه‌های توسعه روستایی را نیز در منطقه‌های جدید ۱۵۳۰ هکتار برآورد کرده‌اند. از میان مشاغلی که در سال اخیر ایجاد یا احیای شده‌اند می‌توان به قالیچه بافی، هنرهای دستی، قلاب بافی و چرم دوزی در خراسان رضوی و کاشت زعفران، فرآوری و بسته‌بندی محصولات، کیف‌دوزی با چرم، فرآوری گیاهان دارویی، پرورش مرغ بومی، قالی‌بافی و نهال‌کاری در استان قم اشاره کرد.

طرح منارید

طرح منارید در سال ۱۳۹۰ با مشارکت سازمان تسهیلات جهانی محیط‌زیست، برنامه توسعه ملل متحد و سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور آغاز شد و هم‌اکنون در استان‌های کرمانشاه، یزد، سیستان و بلوچستان، تهران و سمنان (در قالب تداوم طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوضه آبریز حبله‌رود تا دی ماه ۱۳۹۵) و خراسان شمالی و نیز در حوضه آبریز کارون بزرگ در دست اجراست. این طرح تا دی ماه ۱۳۹۶ ادامه داشت.

هدف نهایی طرح منارید، توسعه مدیریت یک‌پارچه منابع طبیعی تجدید شونده با توجه به سازگاری با شرایط اقلیمی و منافع محیط‌زیست جهانی است. این طرح، هم‌چنین در پی آن است که از ظرفیت زیست‌بوم‌ها در جهت تأمین معاش مردم محلی حفاظت کند. از این بابت، طرح منارید توانسته است تاکنون چندین واحد معیشتی را در روستاهای زیر پوشش خود راه‌اندازی کند. راه‌اندازی این واحدها عموماً در ۹ مرحله انجام می‌گیرد؛ بدین معنا که نخست، روستاییان عضو صندوق‌های اعتبارات خُرد (که با تسهیل‌گری طرح منارید شکل گرفته‌اند) فکرهای خود را در زیر گروه‌ها به سرگروه‌های خود ارائه می‌دهند و هنگامی که این فکر پخته‌تر شد، سرگروه‌ها پیشنهادها و درخواست‌ها را با اعضای هیأت‌مدیره «صندوق برنامه‌ریزی و توسعه محلی» روستا در میان می‌گذارند.

اعضای هیأت‌مدیره از میان سرگروه‌ها انتخاب می‌شود. آن‌ها مسئولیت دارند تا بار دیگر جوانب

آن فکر معیشتی را بسنجند و- در صورت پذیرش- آن را در چند صفحه در قالب طرحی اولیه بنویسند و در اختیار کارشناس استانی طرح منارید بگذارند. بررسی، تأیید، توجیه اقتصادی و تطبیق آن با اصول حفاظت از منابع طبیعی و تصویب آن در شکل طرحی اجرایی مرحله‌هایی است که پشت سر هم با همکاری کارشناسان منارید و کمیته‌های فنی استانی و ملی به اجرا در می‌آید. اعتبار مورد نیاز طرح‌های معیشتی از موجودی صندوق برنامه‌ریزی و توسعه محلی روستا تأمین می‌گردد، اما طرح منارید در ادامه کار، از طرح معیشتی مورد نظر در مرحله‌های اجرایی و بازاریابی نیز پشتیبانی می‌کند و وظیفه پایش و ارزش‌یابی هر یک از این واحدهای معیشتی را از نظر شاخص‌هایی که در سند طرح آمده است، پی می‌گیرد.

بنا بر گزارش‌های موجود در ماه‌های اولیه سال جاری، ۸۲ معیشت ایجاد شده است که سبب اشتغال بیش از ۵۰۰ نفر از ساکنان روستاهای زیر پوشش طرح منارید شده است. از میان معیشت‌هایی که به این ترتیب راه‌اندازی شدند می‌توان به کارگاه‌ها چهل‌تکه‌دوزی، قالی‌بافی و گیوه‌بافی و نیز نهال‌کاری زنان در کرمانشاه و کشت مرزنگوش و زعفران و نیز عرق‌گیری و بسته‌بندی گیاهان دارویی در یزد نام برد. بنابر همین گزارش، در مجموع، ۵۲ گروه از زنان و مردان روستاهای زیر پوشش طرح منارید شکل گرفته است که اعضای آن به نوعی در مدیریت یک‌پارچه‌ی منابع طبیعی در منطقه‌های مورد نظر شرکت یافته‌اند. هم‌چنین گزارش شده است که ۲۱ گروه که اعضا و مدیریت آن با زنان روستایی است توانسته‌اند کسب‌وکارهایی راه بیندازند که در حکم معیشت‌های جایگزین برای روستاییان به شمار آمده است.

تأکید می‌شود که هر دو طرح ترسیب کربن و منارید، روند فعالیت خود را با بسیج اجتماعی، آموزش و فرهنگ‌سازی در میان روستاییان آغاز کرده و می‌کنند و همراه با این فعالیت‌ها پیرامون انگیزه‌های اقتصادی روستاییان برای بهبود وضعیت معیشتی خود امر تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد را تسهیل می‌کنند و سپس از این صندوق‌ها برای افزایش موجودی آن تا مدتی پشتیبانی می‌کنند. هم‌چنین در هر دو طرح به اهمیت درگیر کردن زنان روستایی در فرآیند توسعه سازگار با حفاظت از منابع طبیعی تأکید رفته است و عضویت زنان در صندوق‌های خرد را از دستاوردهای خود می‌شمارند.

در عین حال، هر دو طرح بر این باور هستند که ایجاد تشکلی پیرامون این صندوق‌هاست که زمینه توسعه روستایی را هم‌زمان با رعایت اصول حفاظت از منابع طبیعی در هر روستا پدید می‌آورد، بنابراین می‌کوشند تا هنگامی که طرح پابرجاست ضمن کمک به اعضای صندوق‌ها برای آن که آن‌ها از میان خود برای گرداندن امور مالی، گردآوری پس‌اندازها و بازپراخت وام‌ها و مانند آن افرادی را برگزینند، میان این تشکل‌ها با نهادها و دستگاه‌های متولی در سطح شهرستان مناسباتی برقرار کنند تا تداوم فعالیت صندوق‌ها از باب تأمین منابع مالی مورد نیاز و گسترش آن صندوق‌ها تضمین شود. پس ظرفیت‌سازی این تشکل امر مهم مشترکی میان این دو طرح است. یکی از کارکردهای این تشکل‌ها تصمیم‌گیری درباره وامی است که اعضای صندوق درخواست می‌کنند. تطبیق درخواست وام گیرنده با مقتضیات حفاظت از منابع طبیعی به عهده هیأت مدیره این تشکل‌ها خواهد بود. به این ترتیب، اثرگذاری و پایداری نتایج‌های طرح از جهت معیشتی وابسته به قوام این تشکل‌هاست. در گزارش‌ها و اسناد هر دو طرح بیش از آن که از عبارت «معیشت جایگزین» استفاده شده باشد به ایجاد «معیشت پایدار» اشاره شده است. به این معنا، تحقق هدف‌های هر دو طرح را در گرو بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی روستاییان می‌دانند اما رشد معیشت‌های محلی را با در نظر گرفتن ظرفیت زیست‌بومی منطقه مجاز می‌شمارند.

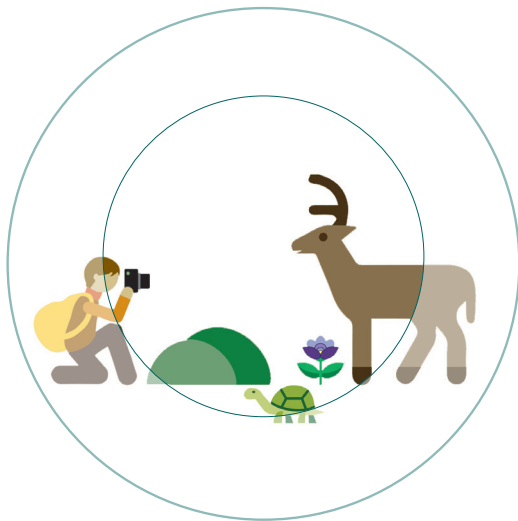


عکس ۱. توانمندسازی جوامع محلی در روستای فروان (استان سمنان) در راستای کاهش فشار بهره‌برداری از منابع طبیعی توسط پروژه حبله‌رود

۲-۳. طرح درآمد جایگزین و پایدار برای مردم محلی منطقه‌ی خارتوران

در سال ۱۳۸۶، سازمان غیردولتی «طرح سرزمین» در روستای قلعه بالا از توابع شهرستان بیارجمند در ۱۷۲ کیلومتری شهرستان شاهرود طرحی را به اجرا درآورد که هدف از آن توانمندسازی مردم محلی در ایجاد معیشتی پایدار بر پایه طبیعت-گردی است. قلعه بالا نزدیک‌ترین روستا به پارک ملی توران است که معیشت مردم آن سخت به دام‌داری وابسته است.

برخی از اهالی روستا در محدوده منطقه توران صاحب آغل هستند. این سازمان حضور دام در منطقه توران را یکی از اصلی‌ترین تهدیدات تنوع‌زیستی می‌داند. در نتیجه بر این باور است که درآمدزایی از روستاییان از راه‌های دیگر می‌تواند راه‌کاری مناسب برای حفاظت از این منطقه باشد. از این رو، نخست اجرای فعالیت‌هایی از قبیل شناسایی صنایع‌دستی روستا، ترویج فکر درآمدزایی از راه گسترش طبیعت‌گردی در این منطقه، برگزاری دوره‌های راهنمایان محلی و آگاه‌سازی درباره اهمیت نزدیکی روستا به پارک ملی توران را در پیش گرفت و توانست از وضعیت این روستا اطلاعات پایه را گردآوری کند، مسئله‌ها و مشکل‌های روستاییان را شناسایی کند، کمک کند تا یک صندوق اعتبارات خرد تشکیل شود و با اعلام آمادگی ۲۰ نفر از زنان و مردان روستایی از اهالی این روستا و روستاهای اطراف، از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و آشنا ساختن بلد‌های محلی با مفهوم طبیعت‌گردی و بوم‌گردی اقدام به آوردن تورهای آزمایشی کند تا این داوطلبان با خدمات‌رسانی مناسب کم‌وکیف کار را فرابگیرند.



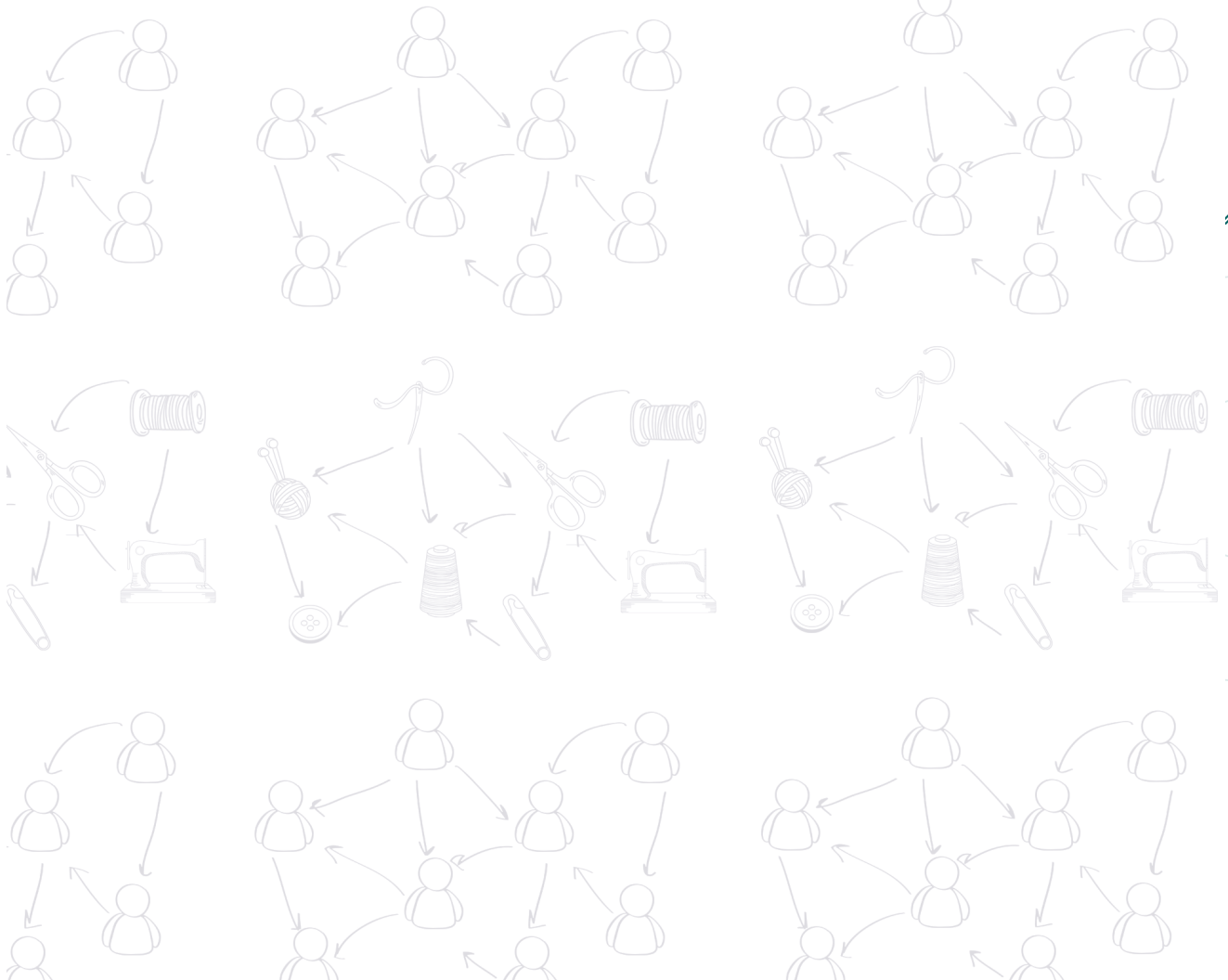
هم‌چنین توانست «تانه‌بافی» (نوعی پارچه‌بافی سنتی) را پس از سی سال از نو زنده کند و از راه تولید این محصول و صنایع دستی دیگر زمینه افزایش درآمد را برای خانواده‌های روستایی فراهم آورد. از آن جا که این طرح با پشتیبانی مالی «برنامه کمک‌های خُرد بلاعوض» (SGP) سازمان تسهیلات جهانی محیط‌زیست انجام می‌شد، این سازمان متعهد بود تا اهالی روستا را نسبت به ارزش یوزپلنگ آسیایی نیز حساس کند.

سازمان مردم‌نهاد «طرح سرزمین» در ادامه فعالیت‌های خود تا سال ۱۳۹۱، زمینه را برای ایجاد و فعالیت تشکلی روستایی زیر عنوان «صندوق معیشت و حفاظت» هموار ساخت و از این صندوق برای ایجاد معیشت‌های پایدار برای روستاییان هم‌جوار در منطقه‌های حفاظت شده پشتیبانی می‌کرد؛ بدین ترتیب که با آموزش روستاییان در زمینه‌هایی مانند تولید، بسته‌بندی و عرضه محصولات با ویژگی‌های طبیعی خاص (مانند فرآورده‌های خوراکی سالم) امکان دسترسی آن‌ها را به بازارهای هر چند محدود ولی معین و نسبتاً همیشگی در شهرهای بزرگ فراهم می‌آورد. لازم به یادآوری است که «صندوق معیشت و حفاظت» بخشی از فرآورده‌های حاصل از اجرای طرح‌های مشترک سازمان‌های غیردولتی دیگر با نهادهای بین‌المللی مانند UNDP، GEF، SGP و FAO را نیز بسته‌بندی و همراه با نشان خود عرضه می‌کند و به فروش می‌رساند.^{۳۹}

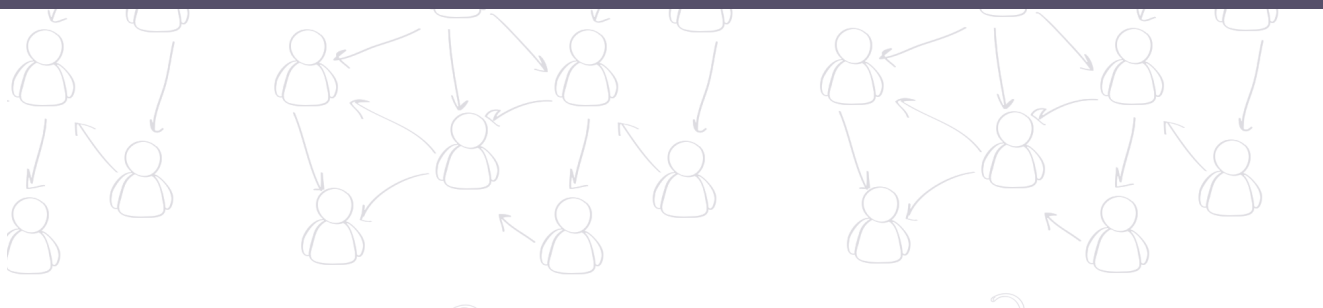
۳-۲-۳. طرح ارتقای بوم‌گردی جزیره قشم، روستای شیب دراز

«موسسه آوای طبیعت پایدار» مجموعه‌ای است که موضوع اصلی فعالیت آن آموزش، فرهنگ‌سازی و انجام دادن طرح‌هایی از جمله در زمینه بوم‌گردی است. طرح ارتقای بوم‌گردی در روستای شیب دراز در سال ۱۳۸۴ با پشتیبانی مالی SGP به اجرا درآمد. ضرورت اجرای این طرح در خطر انقراض قرار گرفتن لاک‌پشت‌های پوزه عقابی بود که هر ساله برای تخم‌گذاری به جزیره قشم و به ویژه به ساحل روستای شیب دراز می‌آمدند. مردم جزیره قشم از گذشته تخم این لاک‌پشت را به عنوان ماده غذایی مصرف می‌کردند. مسئله دیگری که زندگی این آبزیان را به خطر انداخته بود شمار روزافزون گردشگرانی بود که برای بازدید به جزیره قشم می‌آمدند. این سازمان نخست با هدف کاهش اثرات منفی حضور گردشگر و نیز ترویج بوم‌گردی آگاهانه برنامه‌های آموزشی تدارک دید و کوشید تا

راه‌هایی بیابد که درآمد حاصل از ورود گردشگر به روستا در جهت حفاظت از این لاک‌پشت استفاده گردد. در گام بعدی با ترویج بوم‌گردی و جلب مشارکت جامعه محلی و نیز با انجام دادن فعالیت‌هایی در جهت توانمندسازی روستایی تولیدات صنایع دستی بومی آن‌ها به شکل نوینی عرضه شود. به این ترتیب به گروهی از زنان روستایی یاری رساند تا برای زنده کردن صنایع دستی بومی خود گرد هم آیند و از راه هنرهای دستی خود گامی برای حفاظت از این گونه جانوری بردارند. این مؤسسه بر این باور است که هر سه مرحله، یعنی حفاظت، بوم‌گردی و احیا و عرضه صنایع دستی پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند و کامیابی یا ناکامی یکی بر دیگری اثر می‌گذارد. به دلیل آن که هر سه فعالیت بر پایه جذابیت تخم‌گذاری لاک‌پشت پوزه عقابی شکل گرفته است، آن را نمونه بارزی از پیوند میان حفاظت و توسعه می‌شمارند.^{۴۰}



۴. اقدام‌های مربوط به معیشت جایگزین در طرح حفاظت از تالاب‌های ایران



طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در زمینه معیشت جایگزین در دو عرصه وارد عمل شد. یکی آن که از هر موقعیتی بهره برد تا موضوع جایگزینی الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست را با دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان بخش دولتی مطرح کند و سازوکارهایی برای ترویج آن در شیوه مدیریت جامع تالاب‌ها تدارک ببیند و پیشنهاد دهد. نمونه‌هایی از این اقدام‌ها به شرح زیر (در بخش ۱-۴) آمده است. از سوی دیگر، با آن که برای اجرای مستقیم طرح و برنامه‌های معیشتی در روستاهای پیرامون تالاب‌های زیر پوشش خود منابع محدودی داشت، اما کوشید تا نمونه‌هایی به دست دهد تا بتواند ویژگی‌های مطلوب و چالش‌های راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین را دریابد و از یافته‌ها و آموخته‌های خود در پروراندن الگوی بومی مدیریت پیشنهادی خود بهره بگیرد. نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها را در بخش بعدی (بخش ۲-۴) آورده‌ایم.

۴-۱. اقدام‌های ساختاری

۴-۱-۱. تشکیل کارگروه مرتبط با معیشت در ساختار کمیته‌های مدیریت محلی

از بدو امر تاکنون، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در تهیه و تدوین برنامه مدیریت جامع ۱۸ تالاب در سراسر کشور نقش داشته است.^{۴۱} روند تهیه و تدوین این برنامه‌ها چون بر پایه رویکرد زیست‌بومی طی شده است کم‌وبیش مشابه است و در نتیجه برون‌دادهای مشترکی داشته است. برای نمونه، در تمام برنامه‌های مدیریت جامع موضوع جلب و تقویت مشارکت ساکنان پیرامون تالاب‌ها به نوعی برجسته شمرده می‌شود. به همین ترتیب، معیشت جماعت‌های محلی نیز مورد توجه قرار دارد و هر سند برنامه، حاوی بخش‌هایی است درباره چگونگی بهره‌برداری بهینه منابع تالابی از سوی این ذی‌نفعان. هم‌چنین سازوکارهای نسبتاً مشابهی برای مدیریت این بخش از برنامه‌ها در نظر گرفته شده است. گاه این سازوکارها، بسته به اهمیت موضوع از دیدگاه نهادها و دستگاه‌های درگیر در تهیه و تدوین برنامه، به طور مشخص برای پرداختن به موضوع معیشت جامعه‌های محلی تعریف و تعیین شده است و گاه ساختاری در نظر گرفته شده است که مسئولیت برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت چندین موضوع را در کنار مسئله معیشت روستاییان پیرامون تالاب‌ها بر عهده گرفته است. در این جا

چندوچون شماری از این سازوکارها را مرور می‌کنیم:

حوضه آبریز ارومیه

برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه دارای چندین هدف است که هدف شماره ۱ آن بر افزایش آگاهی‌ها در مورد ارزش‌های دریاچه و تالاب‌های اقماری آن و تقویت مشارکت‌های مردمی در مدیریت آن‌ها تکیه دارد. به استناد این برنامه، می‌بایست تمهیداتی به کار برد تا آگاهی‌های عمومی و نیز تخصصی از ارزش‌های تالاب افزون‌تر گردد و نیز همگان از فعالیت‌هایی که بر کارکردهای گوناگون تأثیر منفی دارد باخبر شوند و از هر تهدیدی که پایداری آن کارکردها را به خطر می‌اندازد جلوگیری کنند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای تالاب‌های اقماری دریاچه‌ی ارومیه فراهم آوردن زمینه‌ی امرار معاش کشاورزان و باغداران منطقه است. در واقع این تالاب‌ها منبع مهم، و گاه تنها منبع فعالیت تولیدی ساکنان روستاهاست^{۴۲}. از این رو، چگونگی مدیریت و تصمیم‌گیری درباره‌ی پایدارسازی منابع تالابی بدون جلب مشارکت و توافق جماعت‌های محلی راه به جایی نمی‌برد. با نگاهی به جدول ۱ درمی‌یابیم که برنامه‌ریزان برای پایدارسازی منابع تالاب‌های اقماری دریاچه‌ی ارومیه قصد دارند از دو راه (با هدف دراز مدت و هدف‌های کوتاه‌مدت) وارد عمل شوند: یکی آن که روش‌های معیشتی کنونی را با مقتضیات زیست‌محیطی سازگار کنند، و دوم آن که با معرفی و اجرای آن دسته از گزینه‌های معیشتی که به منابع تالابی اتکا ندارند، زمینه‌ی حفاظت و احیای تالاب‌های اقماری را فراهم آورند.

جدول ۱. بخشی از هدف شماره ۱ برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه

موارد اولویت‌دار	ارتقای معیشت جوامع متکی به تالاب
هدف‌ها	<p>دراز مدت (۲۵ ساله)</p> <ul style="list-style-type: none"> * اجرای استراتژی‌های معیشت جوامع محلی و طرح‌های مدیریت زیست‌محیطی در کلیه روستاهای مرتبط با تالاب. <p>کوتاه مدت (۵ ساله)</p> <ul style="list-style-type: none"> * اجرای استراتژی‌های معیشت جوامع محلی و طرح‌های مدیریت زیست محیطی در ۴ روستا؛ * ایجاد حداقل یک ساختار نمونه برای معیشت جایگزین.
اقدام‌های مهم	<ul style="list-style-type: none"> * انجام مطالعات ارزیابی مشارکتی روستایی در سایت‌های نمونه؛ * تدوین استراتژی معیشت جوامع محلی متکی به تالاب برای روستاهای منتخب و راهکارهایی برای تأسیس تعاونی‌ها؛ * تدوین طرح‌های مدیریت زیست‌محیطی برای روستاهای منتخب؛ * یافتن و ایجاد راهکارهای ارتقای معیشت جایگزین برای روستاهای مرتبط با تالاب‌ها.
نهاد مسئول	استانداري‌ها و فرمانداري‌ها
نهاد همکار	<ul style="list-style-type: none"> * شرکت‌های آب منطقه‌ای؛ * سازمان‌های جهادکشاورزی؛ * اداره‌های کل حفاظت محیط زیست؛ * رهبران جوامع محلی؛ * سازمان‌های مردم‌نهاد.

منبع: برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه

آشکار است که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و پایش فعالیت‌های نام‌برده ایجاد می‌کرد تا ساختاری ایجاد شود. این ساختار «کارگروه مشارکت مردمی و آگاهی‌رسانی» نام گرفت که در چارچوب یکی از چهار گروه کاری استانی موظف شده است به امور مربوط به هدف اجرایی ۱ بپردازد. این کارگروه، در ساختار تعریف شده، مسئولیت راهبری فرآیندهای مرتبط با معیشت ساکنان پیرامون تالاب‌های اقماری را نیز بر عهده دارد. از جمله آن که با پیروی از مفاد جدول ۲ بر اجرای برنامه در راستای تعبیری که از «معاش پایدار» دارد، نظارت کند.

جدول ۲. بخشی از برنامه پایش اقتصادی-اجتماعی مدیریت جامع دریاچه ارومیه

معاش پایدار	ویژگی اجتماعی اقتصادی	
نرخ بیکاری	پارامترها	
در سطح حوضه آبریز	نقاط نمونه برداری	
سالانه	زمان نمونه برداری	
نرخ بیکاری	نهاد هدایت‌کننده پایش	
در سطح حوضه آبریز	مسئول گزارش‌دهی	
سالانه	زمان گزارش‌دهی	
سالانه	ذخیره داده‌ها	
-	بخش دولتی	بودجه مورد نیاز سالانه کل
-	طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	

منبع: ضمیمه ۲ برنامه مدیریت جامع دریاچه ارومیه

تالاب پریشان

از نظر ترتیب تاریخی، دومین برنامه مدیریت جامعی که با تسهیل‌گری طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تهیه و تدوین شد به تالاب پریشان تعلق دارد. لازم به یادآوری است، هنگامی که فرآیند تدوین برنامه مدیریت جامع طی می‌شد، تالاب پریشان همچنان سرزنده بود. هر چند، به فاصله کوتاهی رو به خشکی گذاشت^{۴۲}. با این همه، در آن زمان این تصور قوی وجود داشت که (همان‌طور در جدول ۳ نشان می‌دهد) با برنامه‌ریزی و اجرای فعالیتهایی در عرصه معیشت جایگزین، به ویژه در معرفی روش‌های درآمدزایی پیرامون گردشگری یا طبیعت‌گردی، کشاورزان ساکن پیرامون تالاب پریشان بر منابع آبی فشار کم‌تری وارد می‌آورند. برنامه مدیریت جامع تالاب دارای چندین هدف راهبردی است که یکی از آن‌ها به طور ویژه زیر عنوان «ارتقای منابع معیشت روستائیان و پشتیبانی از بهره‌برداری خردمندان از تالاب پریشان» به موضوع معیشت روستائیان مربوط می‌شود که با در نظر گرفتن هدف‌های دراز مدت و کوتاه مدت انجام دادن اقدام‌هایی را به شرح اولویت داده است^{۴۳}.



جدول ۳. بخشی از هدف راهبردی ۴ برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان

اقدام‌های اصلی	۵. معیشت جایگزین
هدف‌ها	<p>دراز مدت (۲۵ ساله)</p> <p>* (۲۵ ساله) ۵ درصد خانه‌ها در ۱۰ روستای محلی آمادگی پذیرش گردشگر دارند.</p> <p>کوتاه مدت (۵ ساله)</p> <p>* پیشنهاد معیشتی جایگزین به مردم روستایی معرفی شده است.</p>
اقدامات اولویت‌دار	<p>۱-۵. پشتیبانی و توسعه صنعت گردشگری؛</p> <p>۲-۵. آموزش جوانان روستایی به عنوان راهنمای طبیعت گردی؛</p> <p>۳-۵. اخذ مجوز برای استقرار صنعت گردشگری و طبیعت گردی؛</p> <p>۴-۵. ارتقای راه‌های دسترسی به روستاها برای طبیعت گردی؛</p> <p>۵-۵. تجهیز خانه‌های روستایی برای جذب گردشگران؛</p> <p>۶-۵. ایجاد امکانات برای پارک کردن اتومبیل گردشگران؛</p> <p>۷-۵. شناسایی ۵ گزینه معیشتی برای معرفی به مردم محلی.</p>
نهاد مسئول	<p>* فرمانداری کازرون؛</p> <p>* اداره کل صنایع و معادن فارس؛</p> <p>* کمیته‌های محلی.</p>
نهاد همکار	<p>* اداره محیط زیست کازرون؛</p> <p>* اداره کل شیلات فارس؛</p> <p>* اداره منابع طبیعی کازرون؛</p> <p>* اداره جهاد کشاورزی کازرون؛</p> <p>* اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری فارس؛</p> <p>* جوامع محلی (ماهگیان، نی چینان و شکارچیان)؛</p> <p>* سازمان‌های مردم نهاد؛</p> <p>* دانشگاه‌ها؛</p> <p>* شورای اسلامی روستایی؛</p> <p>* اداره کل تعاون فارس؛</p> <p>* اداره تعاون روستایی؛</p> <p>* بانک عامل.</p>

منبع: برنامه‌ی مدیریت جامع تالاب پریشان

برای آن که کمیته مدیریت محلی بتواند هدف راهبردی ۴ خود را به اجرا برساند و پایش کند، ساختاری را زیر عنوان «گروه کاری آگاهی‌رسانی، مشارکت مردمی و معیشت» تشکیل داد. این گروه کاری- که اعضای آن از نمایندگان نهادهای دست‌اندرکار و ذی‌نفع شهرستان کازرون و استان فارس بود- نشست‌های متعددی را برای پیش بردن هدف‌های معیشتی برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان برگزار کرد تا سرانجام توانست در سال ۱۳۹۰ بر سر مفاد شرح خدماتی برای بررسی معیشت‌های جایگزین در روستاهای پیرامون تالاب پریشان به توافق برسد و با موافقت فرمانداری کازرون برای اجرای آن **فراخوان** دهد. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تسهیل‌گری این مرحله‌ها را نیز انجام داد.

جدول ۴ بخشی از «پروتکل‌های پایش» برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان را نشان می‌دهد. بار دیگر تأکید می‌شود که چون در آن زمان گزینه درآمدزایی دیگری متفاوت با روش‌های معیشتی مرسوم اهالی مانند (کشاورزی، دام‌داری و ماهیگیری) به جز گسترش گردشگری/طبیعت‌گردی در نظر گرفته نشده بود، برنامه پایش معیشت جایگزین به شکلی تنظیم شده است که مؤلفه‌های جامع‌تر، امرار معاش از راه‌های دیگر غیرکشاورزی را در بر نمی‌گیرد.



جدول ۴. بخشی از برنامه پایش اقتصادی- اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان

تعداد، تنوع و کیفیت برگزارکنندگان محلی تورها	پارامترها	
تمامی ۱۸ روستا	نقاط نمونه برداری	
فصلی	زمان نمونه برداری	
* اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری فارس؛ * سازمان های غیردولتی و تشکل های جامعه محور (NGO ها و CBO ها)	نهاد مسئول (پایش + گزارش)	
سالانه	زمان گزارش دهی	
* اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری * فرمانداری	ذخیره داده ها	
-	بخش دولتی	بودجه مورد نیاز سالانه کل
-	طرح حفاظت از تالاب های ایران	

منبع: ضمیمه ۱ برنامه‌ی جامع مدیریت تالاب پریشان

تالاب شادگان

برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹) نیز به طور مشخص به موضوع معیشت جماعت‌های محلی پیرامون تالاب می‌پردازد و در چارچوب هدف راهبردی ۴ خود زیر عنوان «ارتقای معیشت جوامع بومی» در صدد است معیشت روستاییان را افزایش دهد؛ زیرا بر این باور است که مردمانی که در شرایط دشوار اقتصادی زندگی می‌کنند و به منابع درآمدی محدودی دسترسی دارند، ناگزیر با استفاده از منابع تالابی پایداری آن را به مخاطره می‌اندازند. از این رو هر چه گذران زندگی برایشان سخت‌تر می‌شود، تخریب تالاب روند سریع‌تری می‌یابد. به این ترتیب، پایه هدف اجرایی ۴

خود را بر پایدارسازی همه بهره‌بردارهای ممکن از تالاب شادگان- یعنی پایدارسازی ماهیگیری، شکار، چرای دام و نی‌بری- استوار می‌کند و می‌خواهد با ایجاد فرصت‌های تازه زمینه افزایش اشتغال و منابع تأمین درآمد را از راه‌هایی مانند گسترش گردشگری و صنعت‌های خرد وابسته به تولیدات تالابی را نیز هموار سازد. جدول ۵ اولویت‌بندی این هدف اجرایی را نشان می‌دهد.^{۴۵}

جدول ۵. بخشی از هدف اجرایی ۴ برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان

اولویت مسائل	توسعه اکوتوریسم	سایر ابتکارات توسعه سبز
هدف‌ها	<p>دراز مدت (۲۵ ساله)</p> <p>استفاده از همه ظرفیت‌های شناخته شده اکوتوریستی تالاب</p> <p>کوتاه مدت (۵ ساله)</p> <p>اجرای شدن اولین برنامه اکوتوریسم</p>	<p>دراز مدت (۲۵ ساله)</p> <p>استفاده از امکانات به عنوان منبع مؤثر اقتصاد خانوارهای روستایی</p> <p>کوتاه مدت (۵ ساله)</p> <p>ایجاد کردن اولین تشکل تولیدکنندگان صنایع دستی</p>
اقدامات اولویت دار	<p>۷-۴. شناسایی ظرفیت‌های موجود و توانایی‌های سنتی و تهیه طرح‌های مناسب برای توسعه اکوتوریسم (قایقرانی، پرندنگری و طبیعت‌گردی)؛</p> <p>۸-۴. شناسایی ظرفیت‌ها و تشویق و حمایت از جوامع محلی برای مشارکت در توسعه اکوتوریسم</p>	<p>۹-۴. شناسایی ظرفیت‌ها برای توسعه صنایع دستی محلی؛</p> <p>۱۰-۴. شناسایی ظرفیت‌ها و تشویق و حمایت از جوامع محلی برای اشتغال در صنایع دستی؛</p> <p>۱۱-۴. شناسایی و حمایت از ایجاد و توسعه صنایع وابسته به نی</p>
نهاد مسئول	اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان	
نهاد همکار	<p>اداره کل گردشگری و میراث فرهنگی؛</p> <p>اداره کل تعاون استان خوزستان.</p>	

منبع: برنامه‌ی مدیریت تالاب شادگان

در این جا نیز برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹) تشکیل ساختاری را برای پی‌گیری موضوع معیشت، اجرا و پایش این بخش از اقدام‌ها را زیر عنوان «کارگروه آگاهی‌رسانی، مشارکت و معیشت پایدار» پیش‌بینی کرد و ویژگی‌های پایش این امور را به شرح زیر تنظیم کرد.

جدول ۶. بخشی از برنامه پایش اقتصادی- اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان

اثر بخشی طرح‌های اجرایی بر افزایش معیشت روستاییان ضمن حفاظت و پایدارسازی منابع	پارامترها	
سطوح محلی و استانی	نقاط نمونه برداری	
<ul style="list-style-type: none"> * سه ماهه: در روستاهای اصلی؛ * شش ماهه: در شهرها و سایر روستاها 	زمان نمونه برداری	
<ul style="list-style-type: none"> * اداره کل سازمان حفاظت محیط زیست خوزستان؛ * اداره محیط زیست شادگان؛ * اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خوزستان 	نهاد مسئول (پایش + گزارش)	
<ul style="list-style-type: none"> * شش ماهه: به «کارگروه آگاهی‌سانی، مشارکت و معیشت پایدار تالاب شادگان»؛ * سالانه: به «کمیته مدیریت استانی و محلی تالاب شادگان» 	زمان گزارش دهی	
<ul style="list-style-type: none"> * اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان؛ * بانک اطلاعاتی تالاب‌های کشور. 	ذخیره داده‌ها	
-	بخش دولتی	بودجه مورد نیاز سالانه کل
-	طرح حفاظت از تالاب‌های ایران	

منبع: برنامه‌ی جامع مدیریت تالاب شادگان

تالاب قره‌قشلاق

«برنامه مدیریت جامع حوضه آبریز منطقه شکار ممنوع تالاب قره‌قشلاق» با تسهیل‌گری «انجمن جوانان حافظ زمین (دامون)» به پشتیبانی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در مهر ماه ۱۳۹۱ به انجام رسید. هدف راهبردی ۴ این برنامه زیر عنوان «افزایش آگاهی در محدوده تالاب قره‌قشلاق و پایدارسازی معیشت جوامع محلی (ایجاد یا توسعه منابع معیشت سازگار با تالاب)» پرداختن به مسئله معیشت روستاییان ساکن پیرامون این تالاب را در دستور کار خود قرار می‌دهد. هنگام نشست‌های گروهی متعدد برای تدوین برنامه مدیریت جامع این تالاب، سازمان‌ها و دستگاه‌های



ذی‌نفع دلیل ترویج «معیشت‌های سازگار با تالاب» در میان جماعت‌های محلی را آن دانسته‌اند که این امر پایداری و سلامت این زیست‌بوم را تضمین خواهد کرد. در این برنامه، اقدام‌های اولویت‌دار برای کاستن از معیشت‌های فشارآور بر منابع تالابی، به شرح زیر (جدول ۷)، آورده شده است.^۶

جدول ۷. پایدار سازی معیشت جوامع محلی در محدوده تالاب قره قشلاق

موضوع اصلی	معیشت پر فشار و بهبود سبک زندگی
هدف برنامه	<p>هدف ۲۵ ساله</p> <ul style="list-style-type: none"> * دستیابی به توسعه پایدار در منطقه و بهبود معیشت مردم محلی <p>هدف ۵ ساله</p> <ul style="list-style-type: none"> * حمایت از نمونه‌های معیشت پایدار در روستاهای منطقه
اقدام اولویت‌دار	<ul style="list-style-type: none"> * حرفه آموزی در روستاهای پیرامون تالاب (شناسایی استعداد های فنی حرفه‌ای برای ترویج در منطقه با توجه به بازارهای موجود در منطقه)؛ * حمایت از مشاغل خانگی سازگار با تالاب (توانمندسازی جوامع روستایی)؛ * حمایت از صنایع دستی بانوان؛ * ایجاد صندوق‌های روستایی و حمایت از زنان سرپرست خانوار و گروه‌های خودیار؛ * پشتیبانی از تسهیلات ترویج و اعطای وام به روستاییان؛ * توسعه صنایع روستایی غیر کشاورزی (امکان‌سنجی مشاغل غیر کشاورزی)؛ * بیمه محصولات کشاورزی؛ * بررسی امکانات واقعی و تدوین برنامه‌های معیشت جایگزین * تشکیل سازمان‌های غیر دولتی در منطقه
مسئول اجرایی	<ul style="list-style-type: none"> * اداره کار؛ * اداره تعاون؛ * جهاد کشاورزی؛ * سازمان بهزیستی؛ * مدیر کل امور روستاها؛ * میراث فرهنگی و گردشگری؛ * آموزش و پرورش؛ * وزارت بهداشت؛ * جامعه محلی (شوراهای روستایی).

منبع: برنامه‌ی جامع مدیریت تالاب قره قشلاق

پی‌گیری امور مربوط به پایدارسازی معیشت روستاییان این منطقه به عهده «کارگروه اطلاع‌رسانی و معیشت پایدار»، یکی از چهار کارگروه کمیته محلی مدیریت تالاب قره‌قشلاق، است. جدول ۸ ویژگی‌های برنامه‌پایش را از این جنبه نشان می‌دهد.

جدول ۸. بخشی از برنامه‌پایش اقتصادی- اجتماعی برنامه مدیریت جامع تالاب قره‌قشلاق

میزان مشاغل ایجاد شده سازگار با محیط زیست	شاخص
پایش تعداد مشاغل ایجاد شده و تعداد نفرات مشغول شده به کار	اقدامات پایشی
سالانه	زمان پایش
فرمانداری	نهاد مسئول
<ul style="list-style-type: none"> * اداره تعاون و کار و امور اجتماعی؛ * اداره میراث فرهنگی؛ * اداره بهزیستی. 	نهاد همکار
<ul style="list-style-type: none"> * اداره میراث فرهنگی و گردشگری؛ * اداره کل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی 	ذخیره داده
سالانه	زمان گزارش دهی

منبع. جدول شماره ۱۳ برنامه مدیریت جامع تالاب قره‌قشلاق

۴-۱-۴. تهیه و تدوین راهبرد طبیعت‌گردی برای تالاب پریشان

«طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» کوشید در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست فارس و مشاوران ملی و بین‌المللی خود نشست‌های گوناگونی با هدف تدوین برنامه مدیریت یک‌پارچه تالاب پریشان برگزار کند. در پایان این نشست‌ها، با شرکت نمایندگان نهادهای مربوط دولتی و غیر دولتی و نیز شماری از روستاییان طی فرآیندی برنامه مدیریت جامع دریاچه پریشان به تصویب رسید. به علاوه، طرح پهنه‌بندی تالاب پریشان نیز تهیه شد که در برگیرنده کاربری‌های مجاز و ضوابط اجرایی آن‌هاست. هنگام تدوین برنامه مدیریت، بر طبیعت‌گردی به مثابه یکی از کاربری‌های پایدار همواره تأکید می‌شد. مراد از این کاربری نوعی از گردشگری است که در آن بی آن که به محیط‌زیست لطمه‌ای وارد شود، روستاییان و گردشگران، هریک به نوبه خود به شکلی، سود می‌برند. پیش‌بینی می‌شد که به سبب چشم‌انداز زیبای تالاب پریشان و تنوع زیستی چشم‌گیر

آن در زمانی که تالاب احیا گردد، راه‌اندازی طبیعت‌گردی می‌تواند متضمن مزیت‌های اقتصادی بالقوه برای جامعه محلی باشد. از این رو، نخستین گام آن بود که ضمن برگزاری کارگاهی مشورتی در سال ۱۳۸۸، با استفاده از تجربیات بین‌المللی، قوانین مربوط به ایجاد و توسعه طبیعت‌گردی در منطقه‌های حفاظت شده ارائه گردد. هم‌چنین با مشارکت همگانی فرصت‌های بالقوه طبیعت‌گردی در پیرامون تالاب پریشان شناسایی و تحلیل شود. یکی دیگر از هدف‌های این کارگاه آشنا ساختن شرکت‌کنندگان با مفهوم و اصول طبیعت‌گردی مردم‌محور و نمونه‌های موفق آن از جمله در مناطق جنگلی تالامانکا در کاستاریکا و در تالاب مانیاس در ترکیه بود.

در همان نشست، اصول زیر مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و بر رعایت آن‌ها تاکید شد:

🌸 به حداقل رساندن اثرات منفی بر طبیعت و فرهنگ؛

🌸 تلاش برای به حداکثر رساندن منافع اقتصادی برای جوامع روستایی و صاحبان حرفه‌های محلی؛

🌸 کسب اطمینان از این امر که جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داده می‌شوند و زمینه برای بهره‌گیری از ابتکار عمل‌ها آن‌ها فراهم می‌آید؛

🌸 آموزش گردشگران و نیز دیگران نسبت به اهمیت منطقه؛

🌸 انجام مطالعات پایه محیط زیستی و اجتماعی و پایش به منظور ارزیابی اثرات؛

🌸 هدایت اعتبارهای مالی به سوی مدیریت مناطق حفاظت شده؛

🌸 حصول اطمینان از این که صاحبان مشاغل، برای برآورده کردن نیازهای جامعه‌های محلی و توزیع منافع حاصل از منطقه‌های حفاظت شده در شراکت با مقامات و مردم محلی وارد کار شوند؛

🌸 ترغیب توسعه زیرساخت‌ها در هماهنگی با محیط زیست؛

🌸 حصول اطمینان از اینکه توسعه طبیعت‌گردی از محدوده تغییرات قابل قبول زیست محیطی و اجتماعی تجاوز نمی‌کند.

یکی از مصوبه‌های کارگاه مشورتی طبیعت‌گردی تشکیل گروهی تخصصی از میان اعضای کمیته مدیریت محلی تالاب پریشان بود تا پس از بررسی زمینه‌های توسعه طبیعت‌گردی سند راهبردی آن

فرآیند را تدوین کند. راهنمای عمل این گروه برگرفته از «رویکرد مدیریت زیست‌بومی» بود، به این معنا که:

🌸 مردم جزء اصلی زیست بوم‌ها هستند؛

🌸 جوامع محلی دارای بیش‌ترین انگیزه برای مدیریت پایدار زیست‌بوم خود هستند. تداوم

زندگی هیچ کس بیش از آن‌ها در معرض تهدیدهای زیست‌محیطی نیست؛

🌸 جوامع محلی به سبب نزدیکی با آن زیست بوم دارای دانش و معلوماتی ویژه‌اند که با ترکیب

با دانش علمی روز می‌تواند به مدیریت متوازن و پایدار زیست بوم بینجامد.

🌸 موفقیت در پایداری منابع و حفظ تنوع زیستی را در گرو اعمال شیوه مدیریت جامع و

همکاری همه دست‌اندرکاران می‌داند.

پس از گذشت چند ماه، گروهی به عنوان «زیرکمیته طبیعت‌گردی» به ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کازرون و با شرکت نمایندگان اداره منابع طبیعی و آبخیزداری کازرون، اداره محیط‌زیست کازرون، «موسسه ۱۳ فروردین»، «تشکل طبیعت و سلامت»، دوره دیدگان راهنمای گردشگری و کارشناسان «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» شکل گرفت که طی چندین نشست، به مدد ابزاری مشارکتی، سرانجام سندی را تنظیم و عرضه کردند که در برگرنده بخش‌های گوناگونی بود از جمله مفهوم طبیعت‌گردی، ویژگی‌های تالاب پریشان، چشم انداز و راهبردهای توسعه طبیعت‌گردی در پیرامون تالاب، برنامه اقدام و مسئولیت‌های اجرایی. در بخش دیگری از آن سند به معیارهای سنجش طرح‌های طبیعت‌گردی، نقش دست‌اندرکاران و نیز مسئولیت ایشان اشاره شده است.

۳-۱-۴. تهیه و تدوین راهبرد ماهی‌گیری پایدار برای تالاب شادگان

یکی دیگر از کوشش‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، پس از تصویب سند برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان، آن بود که به ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران تالاب شادگان در تدوین راهبردی برای پایداری ماهی‌گیری در این تالاب یاری برساند و از گنجاندن موازین زیست‌بومی در این راهبرد اطمینان حاصل کند. برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹) دارای چهار هدف اجرایی است که شماری از مسائل و اقدام‌های اولویت‌دار مطرح شده در دو هدف آن، یعنی «حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار از منابع تالاب» و «ارتقای معیشت جوامع بومی»، به طور

مستقیم به سیاست‌های راهبردی ماهی‌گیری مربوط می‌شود. برای تعیین و تدوین این سیاست‌ها فرآیندی مشارکتی طی شد تا سرانجام در سال ۱۳۹۱ مجموعه‌ای از خط‌مشی و اقدام‌های اصلی برای پایدارسازی ماهی‌گیری در تالاب شادگان در راستای هدف اجرایی ۴ برنامه مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹)، یعنی «ارتقای معیشت جوامع بومی»، عرضه شد.^{۴۷}

در ضمن بحث و گفت‌وگو میان نمایندگان گروه‌های ذی‌نفع بر نبودِ شغل، افزایش جمعیت جویای کار و محدودیت گزینه‌های اشتغال به عنوان عامل‌های تهدیدکننده تنوع‌زیستی و برهم زدن پایداری منابع تالابی تأکید شد. برای برداشتن فشار از روی منابع تالابی راه‌کارهایی نیز در این نوشته پیشنهاد شد. این راه‌کارها، به ویژه، بر افزایش درآمد ماهی‌گیران از راه توسعه صنایع جانبی و پشتیبان مانند زدن کارگاه‌های توربافی و کارخانه‌های یخ تکیه می‌کردند. به سخن دیگر، حتی اگر لازم نمی‌بود که در جاهایی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به طور مستقیم به موضوع معیشت جایگزین بپردازد، به ضرورت فعالیت در هر عرصه‌ای از معیشت به امکان‌سنجی و مطرح ساختن موضوع معیشت جایگزین می‌انجامد.

جدول ۹. ارتقای معیشت جوامع بومی از راه پایدارسازی ماهیگیری در تالاب شادگان

اولویت مسائل	پایدارسازی ماهیگیری
هدف‌ها	پایدارسازی ماهیگیری در تالاب و در ساحل با توجه به تنوع گونه‌ها که به وسیله شیلات و محیط‌زیست مشخص خواهد شد. در باز مدت (۲۵ ساله) کوتاه مدت (۵ ساله) * دستیابی به بیش‌ترین ظرفیت‌های ماهیگیری در تالاب و در ساحل با توجه به تنوع اکولوژیک و تنوع گونه‌ها که به وسیله شیلات و محیط‌زیست مشخص خواهد شد.
اقدامات اولویت دار	* تعیین ظرفیت‌های ماهیگیری در تالاب و نیز در ساحل با توجه به تنوع اکولوژیک و تنوع گونه‌ها که به وسیله شیلات و محیط‌زیست مشخص خواهد شد. ۱-۴. ارزیابی ذخایر قابل استحصال آبزیان تالاب؛ ۲-۴. مشخص کردن زون‌های مناسب و مجاز برای ماهیگیری؛ ۳-۴. تکثیر مصنوعی گونه‌های بومی برای رها سازی در تالاب؛ ۴-۴. سامان‌دهی تشکلهای ماهیگیری در تالاب و نیز در منطقه ساحلی
نهاد مسئول	* اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان؛ * شیلات خوزستان.
نهاد همکار	* پژوهشکده آبی‌پروری جنوب کشور؛ * اداره کل تعاون استان خوزستان.

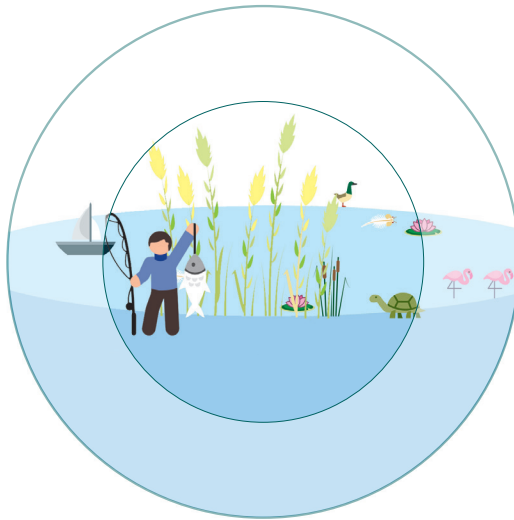
منبع. برنامه‌ی مدیریت جامع تالاب شادگان (مصوب سال ۱۳۸۹)

۴-۱-۴. مشارکت در «کارگروه معیشت» در «دبیرخانه مشترک طرح‌های بین‌المللی»

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران پس از شرکت در نخستین نشست مشورتی مشترک میان طرح‌های بین‌المللی در حوزه مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۹۲ کوشید به نوبه خود برای همکاری با دیگر طرح‌ها در زمینه‌های مشترک گام بردارد. یکی از این گام‌ها میزبانی کارگاهی درباره معیشت بود که در دومین نشست پیشنهاد و در سومین نشست مصوب شده بود^{۴۸}. برای بحث و گفت‌وگو جهت برگزاری این کارگاه، نخست «کارگروه معیشت» شکل گرفت و سپس نشست‌های یک روزه در ۱۸ اسفند ۱۳۹۲ با همکاری طرح منارید و شرکت مدیران و کارشناسان طرح‌های مشترک برنامه توسعه ملل متحد، از جمله نمایندگان بانک‌داری سبز، طرح حبله‌رود، طرح زاگرس، طرح حفاظت از یوزپلنگ آسیایی برگزار شد. در این کارگاه، کارشناسان ارشد برنامه توسعه ملل متحد نیز شرکت داشتند. گفت‌وگوها پیرامون ویژگی‌های طرح‌های معیشتی، ارتباط الگوهای

معیشتی با کاهش فشار بر منابع طبیعی و نیز شاخص‌های موفقیت الگوهای معیشتی برای کاستن از فشار بر منابع طبیعی صورت پذیرفت^۹.

کار گروه معیشت در ادامه کار خود، با دعوت طرح منارید بازدیدی یک روزه را نیز برگزار کرد تا شرکت‌کنندگان در کارگاه به طور عینی نیز درباره مسئله‌هایی که عنوان کردند با هم تبادل نظر کنند و از نزدیک با شماری از چالش‌ها و موفقیت‌های الگوهای معیشتی آشنا شوند و مباحث خود را پی بگیرند. در ادامه، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران درخواست کرد تا تسهیل‌گری دور بعدی گفت‌وگوها را کارشناسان طرح بین‌المللی دیگری بر عهده بگیرد که مشغله‌ها و اولویت‌های دیگران اجازه این کار را به ایشان نداد و تبادل نظر درباره معیشت جایگزین متوقف ماند.



۴-۲. فعالیت‌های اجرایی در روستاها

۴-۲-۱. گروه زنان تسهیل‌گر روستایی پیرامون تالاب پریشان

یکی از هدف‌های راهبردی برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان عبارت است از: «ارتقای منابع و نیز ترویج شیوه‌های صحیح بهره‌برداری از منابع دریاچه برای بهبود وضع زندگی روستاییان». در سال ۱۳۸۹، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران بر پایه شیوه فعالیت‌های اجرایی خود، یعنی جلب همکاری نهادهای مسئول در چارچوب مصوبه‌های برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان، توانست با کسب موافقت‌های اولیه در سطح ملی موافقت‌نامه‌ای را با دفتر امور زنان روستایی و عشایری وزارت جهاد کشاورزی به امضا برساند و قراردادی ببندد که بر پایه آن مسئولان استانی این دفتر متعهد شدند تا خدمات خود را تا روستاهای پیرامون تالاب پریشان بگسترانند. در این طرح، دفتر استانی امور زنان روستایی و عشایری با اجرای همان الگوی مرسوم خود، ۱۰ زن روستایی را آموزش داد تا آن‌ها بتوانند اندک اندک با گردآوری پس‌اندازهایشان صندوق اعتبارات خردشان را راه بیندازند.

یکی دیگر از فعالیت‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، زمینه‌چینی برای نقش‌آفرینی تشکل‌های روستایی در کمیته‌های مدیریت محلی تالاب‌هاست. در طرح یاد شده، این انتظار می‌رفت که این گروه چندان قوام یابد که بتواند از این موقعیت برای درگیر شدن در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کمیته‌ی محلی مدیریت جامع تالاب پریشان بهره بگیرد. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، در این راستا، برنامه‌هایی آموزشی برای گروه زنان روستایی پریشان ترتیب داد. در مجموع، برای پایش موفقیت این طرح سه شاخص را به شرح زیر در نظر داشت:

🌸 توان‌مندی اقتصادی زنان روستایی تا به یمن آن افزایش درآمد خانواده‌های روستایی ساکن در پیرامون تالاب افزایش یابد؛

🌸 احیا و محافظت از تالاب پریشان، از راه کاربست شیوه‌های کشاورزی پایدار و نیز رو آوردن به معیشت‌های جایگزین؛

🌸 درگیر ساختن گروه تسهیل‌گران زنان روستایی در مدیریت جامع تالاب پریشان، با چشم‌انداز عضویت آنان در کمیته مدیریت محلی در مقام یکی از تشکل‌های روستایی پیرامون تالاب پریشان.

یکی از دستاوردهای این فعالیت آن است که این گروه از زنان روستایی توانستند، مانند تشکل‌های دیگر تسهیل‌گران زنان روستایی منطقه، از پشتیبانی فنی واحد ترویج در اداره جهاد کشاورزی کازرون برخوردار بشوند و در صورت گسترش و قوامی که می‌یافتند برای تأمین منابع مالی مورد نیاز اعضا به مجموعه بزرگ‌تری در سطح صندوق‌های شهرستان یا استان بپیوندند. البته بررسی‌های اولیه از نخستین فعالیت‌های اعضای صندوق نشان داد که اگر توان‌مندسازی اقتصادی کشاورزان با فعالیت‌های جدی آگاهی‌سازی درباره ضرورت و چگونگی استفاده خردمندان از منابع تالابی همراه نباشد لزوماً بهبود شرایط معیشتی خانواده‌های روستایی به حفاظت از منابع تالابی نمی‌انجامد.^۴



عکس ۴. کارگاه توانمندسازی زنان روستایی حاشیه تالاب پریشان

۲-۲-۴. ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و متمدیان تالاب برای اتخاذ الگوهای معیشتی

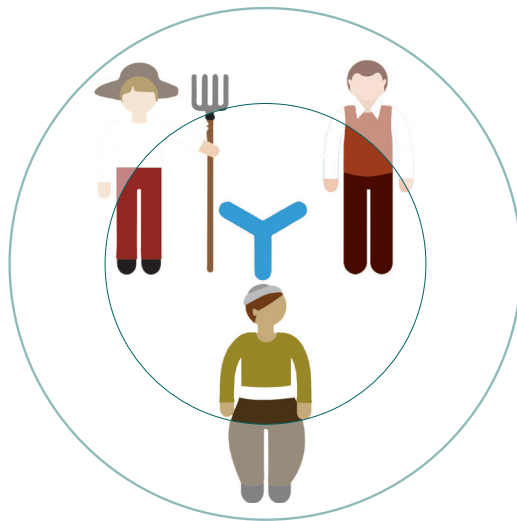
سازگار با محیط‌زیست

در پی تدوین برنامه مدیریت جامع تالاب قره‌قشلاق، طرح «ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و متمدیان تالاب برای اتخاذ الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست در روستاهای بهره‌بردار از تالاب قره‌قشلاق» از سوی انجمن جوانان حافظ زمین (دامون) در سال ۱۳۹۳ با پشتیبانی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و سازمان حفاظت محیط‌زیست به اجرا درآمد. هدف اصلی این طرح، آن بود که ضمن فعال‌سازی «کارگروه اطلاع‌رسانی و معیشت پایدار» در کمیته مدیریت تالاب قره‌قشلاق، به الگویی از معیشت سازگار با طبیعت دست یابد تا بتوان بر پایه این تجربه طرح‌های مشابهی را در زمینه معیشت پایدار در حوضه آبریز دریاچه ارومیه به اجرا درآورد. هدف‌های عملیاتی این طرح، یکی شناخت تکمیلی ظرفیت‌های منطقه در خصوص معیشت‌های سازگار با محیط‌زیست و دیگری ایجاد انگیزه در دستگاه‌های ذی‌نفع و هم‌سوسازی آن‌ها بود برای پشتیبانی از اجرای برنامه‌های معیشتی در روستاهای پیرامون تالاب قره‌قشلاق. از سوی دیگر، فعالیت‌هایی نیز برای روستاییان با هدف افزایش آگاهی و زمینه‌چینی برای جلب پشتیبانی آن‌ها در خصوص به کارگیری شیوه‌های معیشتی سازگار با محیط‌زیست در نظر گرفته شده بود.



عکس ۳. نشست مشورتی با گروه بانوان روستای قره قزلو و چپقلو

در این طرح سه روستای قره‌قزلو، چپقلو و مجیدآباد، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و با برنامه‌ریزی، پس از طی چندین مرحله گوناگون و با گفت‌و شنود با روستاییان فهرستی از کسب‌کارهایی که توانایی نسبی راه‌اندازی آن در منطقه وجود داشت تهیه شد. در ادامه، مهم آن بود که معلوم شود چه کسانی مایل به آزمودن آن فعالیت‌های اقتصادی‌اند، به شکلی که عده‌ای هم از تأمین معاش زندگی خود برآیند و هم ملاحظاتی زیست‌محیطی در نظر گرفته شود و فشار بر منابع تالابی کاهش یابد. ویژگی برجسته این طرح آن بود که در دو سطح فنی و مردمی توانست تمامی شیوه‌های معیشتی جاری و نیز مشاغل جدید پیشنهادی روستاییان را به شکلی مشارکتی از جنبه‌های تأثیرات زیست‌محیطی و نیز اجتماعی-اقتصادی ارزیابی کند و نتیجه‌های حاصل را در یک مقایسه تطبیقی گنجانده و سرانجام مشخص شد که زمینه معیشت‌هایی مانند الف) تهیه محصولات غذایی و فرآوری آن‌ها؛ ب) پرورش دام و طیور بومی و پ) صنایع دستی، فرش‌بافی و خیاطی در سطح خرد نه تنها بیش از دیگر کارها میسر است بلکه کم‌ترین فشار را بر منابع تالابی می‌آورد. در این مرحله، انجمن دامون در صدد برآمد که دریابد کدام یک از نهادها و دستگاه‌های دست‌اندرکار از کدام کسب‌وکار پشتیبانی‌های لازم را به عمل می‌آورد. هم‌چنین هم‌زمان در روستاهای مدنظر برای انجام فعالیت‌های معیشتی یاد شده اقدام



به گروه‌سازی و ظرفیت‌سازی کرد. در این مرحله با چالش‌هایی روبه‌رو بود که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌نگذاشتن مردان روستایی برای آزمون شغل‌های پیشنهادی بود؛ زیرا به دلیل تنگناهای اقتصادی و عدم اطمینان به شرایط موجود توان تاب‌آوری در برابر زیان احتمالی کسب‌وکار تازه را در خود به شکل انفرادی یا حتی گروهی نمی‌دیدند. اما استقبال زنان روستایی اجرای طرح را به پیش‌راند؛ در قره‌قزلو «گروه بانوان زرینه» و در چپقلو «گروه چیچست» پا گرفتند و با گذراندن مرحله‌هایی به کار تولیدی پرداختند. در مجموع ۴۰ نفر با روی هم گذاشتن پس‌اندازهای اندک خود سرمایه‌خردی را برای ایجاد و راه‌اندازی کارگاه خیاطی فراهم آوردند. در این میان، حضور و تعامل مؤثر و مستمر انجمن دامون برای انسجام‌بخشی گروه‌ها و نیز کوشش برای یافتن پشتیبان برای دریافت سفارش کار، بازاریابی و تأمین منابع مالی برای گسترش فعالیت تولیدی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد. در این فرآیند بر پیوند میان فعالیت این دو گروه با احیای دریاچه ارومیه به شکل‌های گوناگون تأکید می‌شد به طوری که «گروه بانوان زرینه»، به اتکای درآمدی که از راه فروش فرآورده‌های خود به دست آورده بودند، توانستند حتی در یک دوره کشت همسران خود را مجاب کنند که از کشت گوجه‌فرنگی و هندوانه، به عنوان دو محصول کشاورزی پُرآب‌خواه، خودداری کنند^{۵۱}. (برای آگاهی از جزئیات بیشتر درباره روند اجرایی، دستاوردها و چالش‌ها پیوست ۱-۶ را ببینید.)



عکس ۴. تولیدات گروه‌های محلی در روستاهای منتخب اطراف تالاب قره‌قشلاق، شهرستان بناب

۳-۲-۴. ایجاد معیشت جایگزین در روستاهای شیشوان و لالکو

در سال ۱۳۹۴، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در راستای افزایش مشارکت روستاییان در فرآیند احیای دریاچه ارومیه در دو روستای دیگر از استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در جهت معرفی گزینه‌های دیگری به جز کشاورزی برای امرار معاش اقدام‌هایی انجام داد که فشرده آن‌ها در این جا ذکر می‌شود. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران اهمیت اجرای این کار را در آن می‌داند که احیای دریاچه ارومیه با مشارکت جماعت‌های روستایی پیرامون دریاچه میسر است. پس هر چه قدر شمار فعالیت‌هایی که با آگاهی‌رسانی و عرضه راه‌های عملی برای کاستن از فشار بر منابع آبی در صدد جلب مشارکت مردم در مدیریت این منابع برآید. هدف اصلی، یعنی احیای دریاچه ارومیه، محقق خواهد شد. لازم به یادآوری است که سازمان‌های مجری در اجرای این دو طرح در تعامل با انجمن جوانان حافظ زمین (دامون) از دستاوردها و چالش‌های آن انجمن آگاهی یافتند. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، ضمن احترام به شیوه‌هایی که سازمان‌های مجری برای معرفی و آزمودن فعالیت‌های مرتبط با «معیشت جایگزین» در پیش گرفته بودند، امیدوار بود که از راه زمینه‌سازی برای کنش دوسویه میان سازمان‌های مجری بتواند الگوی راه‌اندازی معیشت جایگزین به مثابه ابزاری برای حفاظت از منابع تالابی در کشور را تکمیل کند.

روستای شیشوان در عجب‌شیر (آذربایجان شرقی) و روستای لالکو در میاندوآب (آذربایجان غربی) برای اجرای فعالیت‌های مورد نظر انتخاب شدند. «شرکت پیشرو زمان» که مسئولیت روستای شیشوان را به عهده گرفته بود، علت‌های انتخاب این روستا را چنین برمی‌شمارد:

- 🌸 هم‌جواری روستا با پیکره دریاچه ارومیه و تأثیرپذیری مستقیم از بحران دریاچه؛
- 🌸 شور شدن چاه‌های محلی و کاهش منابع درآمدی کشاورزان روستا؛
- 🌸 بالا بودن سطح مشارکت محلی در خصوص موضوع‌های اجتماعی و اقتصادی؛
- 🌸 پذیرش محلی در خصوص برنامه‌های احیای دریاچه ارومیه^{۵۲}.

سازمان مجری از همان آغاز کار فعالیت‌های خود را زیر عنوان «شناسایی و حمایت از الگوهای معیشتی مکمل سازگار با محیط‌زیست» تعریف می‌کند و با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی و اقتصادی روستا اقدام به بسیج روستاییان و ترویج برنامه خود می‌کند، به این ترتیب که نخست به مدد روستاییانی که در نشست‌های عمومی شرکت کرده بودند نقشه روستا را تهیه و محله‌های ۱۱ گانه آن را شناسایی می‌کند و اطمینان می‌یابد که نمایندگانی از هر محله در نشست‌های عمومی شرکت داشته باشند. سپس معیشت‌های مورد نظر روستاییان را شناسایی و آن‌گاه معیشت‌هایی را که راهاندازی آن‌ها را ممکن می‌شمارد اولویت‌گذاری می‌کند. در مرحله بعدی، افراد داوطلب برای آزمودن شیوه‌های معیشتی برگزیده را در سه گروه دسته‌بندی می‌کند. روستاییان، از میان شش پیشنهادی که اولویت‌بندی شده بود، به شکل نهایی دست به انتخاب زدند و سرانجام راه‌اندازی کسب‌وکاری را زیر عنوان «بسته‌بندی خشکبار و میوه‌های خشک» اولویت نخست خود برگزیدند. در همین نشست روستاییان اعلام آمادگی کردند که در صورت پا گرفتن کسب‌وکارهای پیشنهادی ۵۰۰ لیتر از حق‌آبه سد قلعه چای را آزاد می‌کنند و به این ترتیب سهم خود را در احیای دریاچه ارومیه ادا می‌کنند. در ادامه، سازمان مجری از یک سو با برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط و زمینه‌چینی برای ایجاد تشکلی در قالب شرکت تعاونی پی‌گیری‌های لازم را به عمل آورد و از سوی دیگر توانست به مدد ارتباط‌های گسترده خود با دست‌اندرکاران اصلی در این عرصه، از جمله ستاد احیای دریاچه ارومیه، دانشگاه تبریز و صندوق کارآفرینی امید، برای معیشت‌های پیشنهادی دیگر روستاییان نیز حامیانی فراهم آورد.^۴

فعالیت‌ها در روستای للکلو با همکاری چهار سازمان غیردولتی- انجمن‌های حمایت از حیات‌وحش کانی‌برازان، کانون سبز گردشگری کانی‌برازان و حمایت از کودکان روستایی امید و تشکل زیست‌محیطی و کشاورزی درنا- در قالبی واحد با هدف کلی کاهش اتکای روستاییان به منابع آب و خاک در راستای احیای دریاچه ارومیه به انجام رسید. یکی از هدف‌های اجرایی مجریان برنامه، ایجاد کارگروه‌های محلی برای هر گزینه معیشتی مدنظر بود. دلیل انتخاب للکلو آن بود که این روستا یکی از روستاهای برگزیده برای اجرای مرحله ۱ طرح «همکاری در احیای دریاچه ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی» در سال ۱۳۹۳ بود و از این رو اهالی روستا با روش‌ها و مضامینی که ابراز می‌شد آشنایی پیشین داشتند؛ هم‌چنین از چندی

پیش‌سازمانی محلی از زنان روستایی در آن‌جا شکل گرفته بود. از دیدگاه مجریان، این دو ویژگی سبب می‌شد تا بتوان اهالی را با هدف از ورود دوباره به روستا آسان‌تر آشنا ساخت، از اطلاعات اولیه که در دست بود استفاده کرد و نیز در فاصله زمانی کوتاه‌تری گام‌های اجرایی مورد نظر را به اجرا گذاشت. پس از برگزاری نشست‌های اولیه با روستاییان، مشخص شد که در وهله نخست گروه هدف عملاً اعضای همان سازمان محلی زنان روستایی خواهند بود. اما به مرور با تشریح هر چه دقیق‌تر شرایط و ضرورت‌های موجود و برگزاری نشست‌های توجیهی متعدد و جلب مشارکت دست‌اندرکاران دیگر سازمان‌های مجری توانستند روستاییان علاقه‌مند را در گروه‌هایی از جمله کارگروه پرورش قارچ خوراکی، صنایع دستی، تولید و بسته‌بندی خشکبار و پرورش مرغ بومی گرد هم بیاورند. در این میان شماری از زنان روستایی نیز به درآمدزایی از راه خیاطی اشتیاق نشان دادند. در هر صورت، با همکاری اداره فنی و حرفه‌ای شهرستان میاندوآب و دستگاه‌های مرتبط دیگر دوره‌های آموزشی برگزار شد و شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها موفق به دریافت گواهی‌نامه شدند. دوره‌های و نشست‌های تخصصی لازم دیگر نیز تدارک دیده شد. روستاییان و سازمان‌های مجری در حین بحث و گفت‌وگوی بسیار، با در نظر گرفتن وجود پیشینه پرورش مرغ بومی در روستا و این واقعیت که چنین حرفه‌ای نیاز چندانی به منابع آبی ندارد، موافقت کردند که از میان گزینه‌های گوناگون معیشت غیرکشاورزی گسترش و ترویج آن حرفه را در دستور کار خود قرار دهند. نخست ۱۲ نفر (از جمله ۵ زن روستایی) دست به کار شدند و توانستند با پشتیبانی فنی سازمان‌های مجری و حمایت مالی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران با پرورش مرغ بومی درآمدی کسب کنند. امیدواری به رونق این کار سبب شد تا در مجموع ۱۶ نفر داوطلب برای ادامه و گسترش فعالیت خود خواهان ایجاد تعاونی تولید و پرورش مرغ بومی شوند. دو گروه دیگر از روستاییان نیز خواهان تشکیل تعاونی هستند: یک گروه ۱۱ نفره در صدد بر پا کردن تعاونی تولید و بسته‌بندی خشکبار و یک گروه ۲۰ نفره در پی تشکیل تعاونی تولید و بسته‌بندی لبنیات بر آمده‌اند. سازمان‌های مجری در آخرین مرحله‌های کار خود فرآیند تشکیل و ثبت این تعاونی‌ها را در اداره تعاون شهرستان تسهیل کنند. از سوی دیگر، با تماس‌های مستمر خود کوشیدند توانایی‌های اقتصادی و مدیریتی روستا را به دست‌اندرکاران دیگر (از جمله صندوق کارآفرینی امید) بشناسانند و پشتیبانی آتی آن‌ها را به سود فعالیت‌های معیشتی روستاییان لکلو جلب کنند.

۴-۲-۴. استقرار الگوی بوم‌گردی پایدار، برای بهبود معیشت جوامع محلی در راستای

حفاظت از تالاب میقان

در سال ۱۳۹۵، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از اقدام دیگری مرتبط با ترویج معیشت‌های جایگزین پشتیبانی کرد. «مرکز حفظ و توسعه زیست‌بوم‌های پایدار» با همکاری «شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد استان مرکزی» و اداره کل سازمان حفاظت محیط زیست استان مرکزی فعالیت‌هایی را تعیین کرد و به دست اجرا سپرد که حاصل آن‌ها می‌بایست الگویی از بوم‌گردی به دست دهد که گذشته از پایداری، معیشت افراد محلی را بهبود ببخشد و متضمن حفاظت از تالاب میقان باشد. یکی از هدف‌های اجرایی این برنامه بهبود روش‌های معیشت پایدار جامعه محلی حاشیه تالاب میقان اعلام شده است. دو روستای راهزان در بخش غربی و ده نمک در شرق تالاب و در دو نقطه جغرافیایی متفاوت برای ادامه کار انتخاب شدند. در هر روستا علاقه‌مندان شناسایی شدند و در زمینه‌های گوناگون به ویژه در خصوص خدمات‌رسانی به گردشگران طبیعت، بوم‌گردان یا گروه‌های بوم‌گردی آموزش دیدند. برای آن که این روستاییان بتوانند از راه عرضه خدمات خود ارتزاق کنند؛ لازم آمد که این خدمات متنوع و فراگیر باشد. برای نمونه به جز اسکان دادن مسافران موضوع تأمین غذای گردشگران نیز مطرح شد. پس شناسایی غذاهای محلی و آماده‌سازی آن‌ها به شکلی که از جذابیت‌های فرهنگی منطقه به شمار آید و نیز تولید صنایع دستی برای فروش به مسافران از جمله آموزش‌هایی بود که در دستور کار قرار گرفت.



عکس ۵. کارگاه آموزشی و توانمندسازی جامعه محلی روستاهای حاشیه تالاب میقان

هم‌چنین تشکلی استانی مورد تقویت و پشتیبانی قرار گرفت تا هدایت آتی امور را به دست بگیرد و به این ترتیب بتوان از تداوم کار اطمینان یافت. این تشکل استانی، «ارمغان روح بخش سبز»، در فرآیند انتخاب روستاها نیز نقش داشت. از جمله وظیفه‌هایی که این تشکل بر عهده گرفت، انتخاب یک زن و یک مرد در هر روستا به عنوان رابط روستایی و حفظ و گسترش ارتباط با آن‌هاست. راه‌اندازی چنین سازوکاری امکان می‌داد تا نه تنها روستاییان به شکل گسترده‌تر و دقیق‌تری از کل برنامه آگاه شوند بلکه تشویق می‌شدند پا پیش بگذارند و با توجه به علاقه‌مندی‌ها، توانایی‌ها و امکاناتشان در اجرای طرح درگیر شوند. پس از زمینه‌چینی‌های لازم، نخستین گروه گردشگران به طور آزمایشی از منطقه دیدن کرد. برای بهبود کیفیت خدمات، نظرها و پیشنهادهای این گردشگران گردآوری و بررسی شد تا از درس‌آموخته‌های آن در تدارک و اجرای برنامه‌های گردشگری بعدی استفاده گردد.



عکس ۶. نمایندگان روستای دهنمک در پروژه استقرار بوم‌گردی پایدار، استان مرکزی

۵-۲-۴. طراحی و اجرای الگوی زودباز ده شیوه معیشت سازگار با طبیعت در راستای

حفاظت از تالاب حرای رود شور، شیرین و میناب

در سال ۱۳۹۵، موافقتنامه همکاری سه جانبه میان طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان هرمزگان و تشکل جوانان حافظ زمین (دامون) به امضا رسید و دامون - که پیش از این در قره‌قشلاق روند شناسایی و عرضه معیشت‌های جایگزین را آزموده بود - متعهد شد که در عرض پنج ماه در فاصله مرداد تا آذر همان سال با ورود به روستاهای تیاب، کلاهی و کرگان و با

اعتمادسازی و بسیج اجتماعی گروهی از روستاییان علاقه‌مند را برای تدوین مشارکتی برنامه عملی برای راه‌اندازی کسب‌وکاری زودبازده و نیز سازگار با محیط‌زیست گرد هم بیاورد و بکوشد راه‌هایی برای تأمین مالی کسب‌وکار(های) مفروض و مدیریت بهینه آن بیابد.

پیش از این، برنامه مدیریت جامع تالاب حرای رود شور، شیرین و میناب با همکاری اداره کل حفاظت محیط‌زیست شهرستان میناب، دست اندرکاران دولتی، ذی‌نفعان و جامعه محلی و با تسهیل‌گری طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تدوین شده بود. این برنامه به لزوم تدوین برنامه‌های معیشت پایدار و نیز جایگزین در این منطقه، در چارچوب یکی از هدف‌های اجرایی خود زیر عنوان «بهبود وضعیت معیشت جوامع محلی و پیوند دادن بهره‌برداری از تالاب با مدیریت و حفاظت تالاب» اشاره دارد. یکی از ویژگی‌های این فرآیند شناسایی توانایی‌های محلی و استانی برای راهبری آتی الگویی بود که می‌بایست در پایان کار انجمن دامون به آن دست می‌یافت. در طی این مدت انجمن دامون با گروه «نگاهبانان جلگه میناب (نجم)» آشنا شد و دریافت که نجم، که از دو سال پیش در میناب پا گرفته بود، توانسته است با گسترش ارتباط‌های خود با معتمدان محلی از یک سو، و با جلب پشتیبانی افراد نیکوکار و مسئولان دولتی از سوی دیگر خود را بشناساند. امید آن می‌رود که این گروه بتواند فعالیت‌های انجمن دامون را در ادامه کار پی بگیرد. برای کسب اطمینان از پی‌گیری امور این دو گروه با یک‌دیگر موافقت‌نامه‌ای را نیز به امضا رساندند.

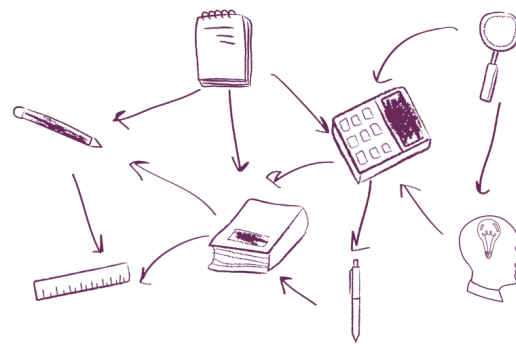
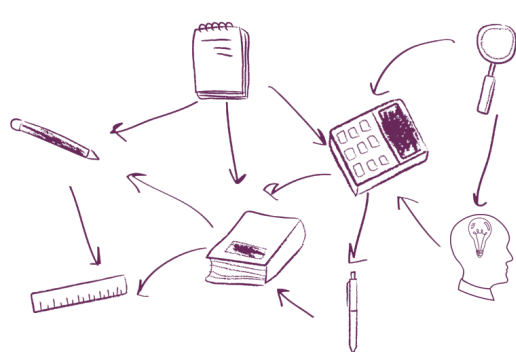
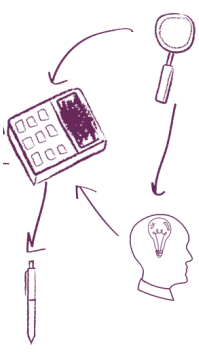
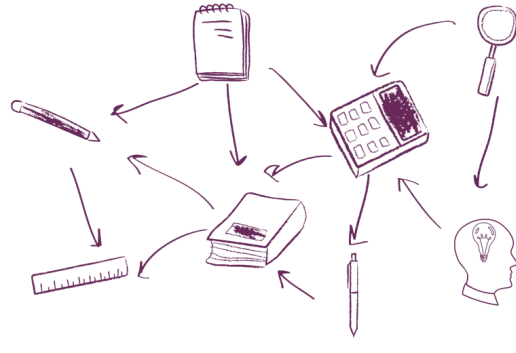
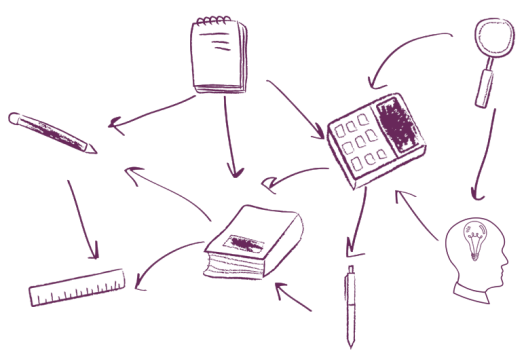
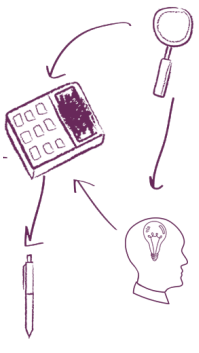
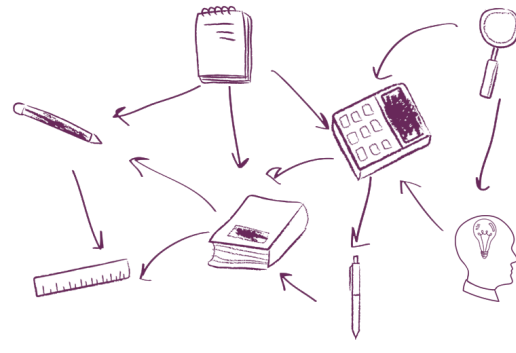
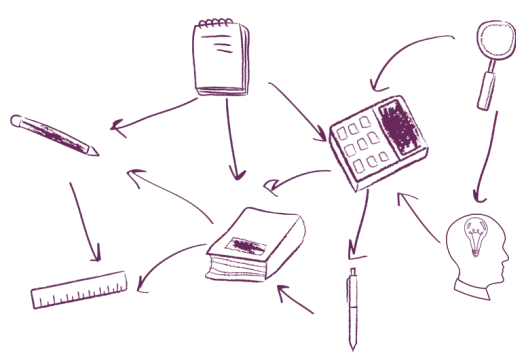
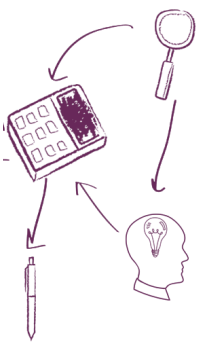
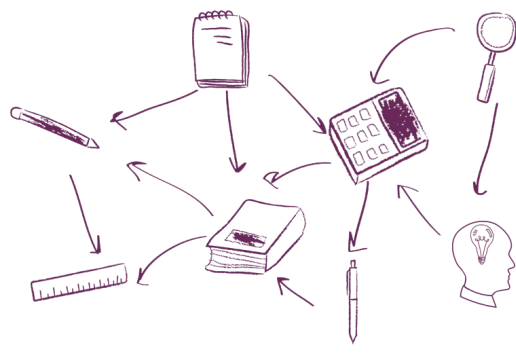
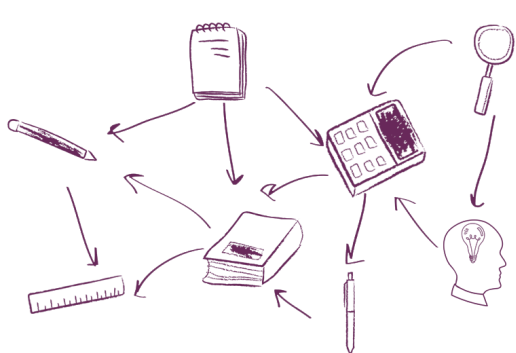
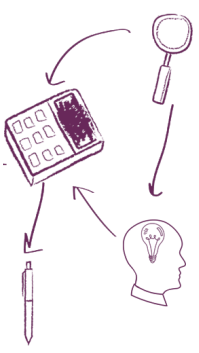
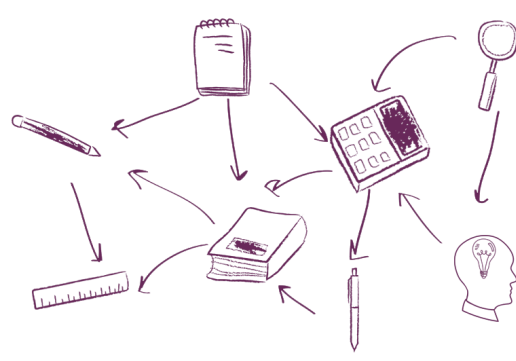
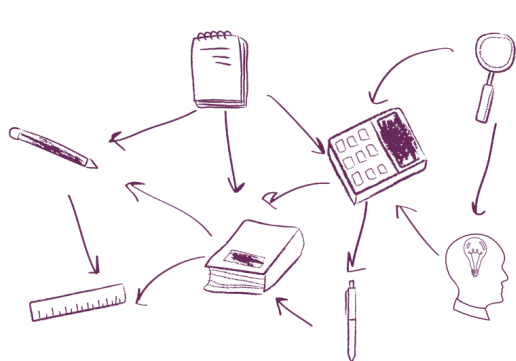
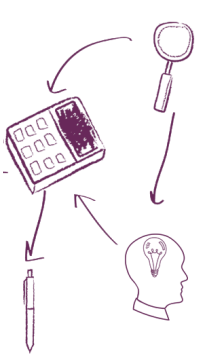


عکس ۷. بازدید راهنمایان گردشگری از ظرفیت‌های بوم‌گردی تالاب حرای رودشور، شیرین و میناب

در آخرین مرحله، اقدام‌ها و فعالیت‌های معیشتی که ویژگی‌ها و شرایطشان ضمن نشست‌های متعدد با اهالی روستا و بخش‌های مرتبط دولتی و غیردولتی مشخص شد زیر سه سرفصل تنظیم و عرضه شد: الف) جنگل‌کاری مشارکتی (کاشت حرا)، ب) تولید و فروش صنایع دستی، پ) بوم‌گردی. برای انجام دادن هر یک از این سه گزینه، راه‌اندازی تشکلی ضرورت دارد که گام‌های آغازین آن برداشته شد. هر چند استمرار و پایداری آن‌ها تا بتوانند برای روستاییان سودآور باشند و با گزینه‌های معیشتی دیگری، خواه رسمی خواه غیر رسمی، خواه قانونی خواه غیرقانونی، رقابت کنند به پشتیبانی و ظرفیت‌سازی جدی از سوی دست‌اندرکاران دیگر بستگی دارد.

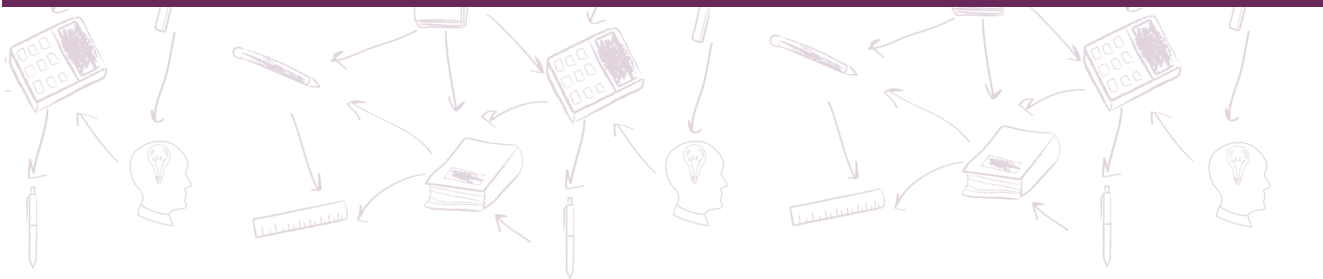


عکس ۸. جنگل‌کاری مشارکتی جوامع محلی در روستای کرگان شهرستان میناب





۵. پی گفتار



تاکنون شماری از فعالیت‌های طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در باب معیشت جایگزین به ثمر رسیده‌اند، شماری در نیمه راه هستند و برخی در انتظار از سرگیری دوباره فعالیت‌ها در چرخه دیگری از این فرآیند به سر می‌برند. اما طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از سال ۱۳۸۶، به شرحی که در بخش‌های پیشین آمد، تجربه‌های بسیاری اندوخته است و چالش‌های معینی را پشت سر گذاشته است. چکیده‌ای از نتیجه‌گیری‌ها در این زمینه را در بخش حاضر می‌آوریم، با این امیدواری که در اختیار گذاشتن این نکته‌ها بتواند راه را برای مطرح ساختن مبحث‌های ضروری در میان دست‌اندرکاران دیگر، متولیان امور و مجریان بگشاید و مسیر راه‌اندازی «معیشت‌های جایگزین» را به مثابه ابزاری برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از زیست‌بوم‌های تالابی هموار سازد. لازم به یادآوری است که برای مستند کردن درس‌های آموخته و پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت کار، گذشته از نظرخواهی از سازمان‌های مجری فعالیت‌های معیشتی طرف قرارداد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، نشست‌های متعددی برای بحث و گفت‌وگو درباره موضوع‌های یاد شده با مدیر ملی و کارشناسان طرح برگزار شد. (پیوست ۳-۶ پرسش‌هایی را در بردارد که با مدیران و کارشناسان سازمان‌های مجری مطرح شد.) پیش از این نیز به هنگام تهیه «بسته ابزاری به کارگیری رویکرد زیست بومی در مدیریت جامع تالاب، بهره‌برداری خردمندانه و معیشت جایگزین» در سال ۱۳۹۲، روش‌ها، تجربه‌ها، درس‌آموخته‌ها و چالش‌های مربوط به «معیشت جایگزین» استخراج شده بود^{۵۴}. اما از آن زمان به بعد به دلیل افزوده شدن بر تجربه‌های عملی و گسترده شدن طیف همکاران و مجریان برنامه‌های معیشتی، طرح حفاظت از تالاب‌های ایران لازم دید تا عمده سرفصل‌های یاد شده را با جمع‌بندی نقطه نظرهای مشترک، به شکل زیر عرضه کند:

۱-۵. درس آموخته‌ها

با مرور فشرده تاریخچه فعالیت‌های معیشتی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در می‌یابیم که هم اکنون، در دو عرصه جداگانه ولی مرتبط به هم، مجموعه‌ای از تجربه‌هایی به دست آمده است که می‌تواند در معرفی و راه‌اندازی معیشت‌هایی که با حفاظت از محیط سازگار هستند، به کار آید. مهم‌ترین نکته‌هایی که می‌توان درباره تجربه ساختارسازی برای پی‌گیری امور مربوط به معیشت

ساکنان پیرامون تالاب‌های دارای برنامه مدیریت جامع گفت عبارت‌اند از:

🌸 همه دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان تالاب، خواه آنان که در تدوین برنامه مدیریت جامع تالاب‌ها شرکت داشتند یا بعدها در مقام اعضای کمیته‌های محلی مدیریت جامع تالاب‌ها اداره و نظارت امور را به دست گرفتند، به معیشت اهمیت می‌دهند اما لزوماً دیدگاه‌ها و برداشت‌های یک‌سانی درباره چه‌گونگی پرداختن به این موضوع ندارند و در پیش بردن هدف‌های معیشتی برنامه‌های مدیریت نیز معیارهای استنادی را تعریف نکرده‌اند که در عمل، میان توسعه و حفاظت پیوند برقرار سازد. از این‌رو، در هدف‌های اجرایی هم راهبردهای معیشت پایدار، هم معیشت جایگزین و هم فقرزدایی را گنجانده‌اند و پی گرفته‌اند.

🌸 هنگامی که حوضه آبریز تالابی گسترده است یا از نظر جغرافیایی میان استان‌های متعددی قرار گرفته است (مانند دریاچه ارومیه)، در تخصیص نیروی انسانی کارآمد (یا بودجه اولیه کافی) به همه عرصه‌های لازم، محدودیت‌هایی به وجود می‌آید که امکان پرداختن به تمامی موضوع‌ها را به طور هم‌زمان در کل منطقه سلب می‌کند و این امر سبب می‌شود تا اقدامات اولویت‌دار پیش‌بینی شده در مناطق مختلف به طور هم‌زمان پیش نرود و همپوشانی لازم را برای نتیجه‌گیری مؤثر نداشته باشند.

اما در عرصه اقدام‌های میدانی، نکته‌های دیگری در کار است. پیش از هر توضیح دیگر یادآور می‌شویم که رویکرد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای پشتیبانی از معیشت‌های روستایی بعد از همکاری مشترک با سازمان جهاد کشاورزی استان فارس برای ایجاد تشکل زنان تسهیل‌گر روستایی روستاهای پیرامون پریشان تغییر یافت و مسیر دیگری را دنبال کرد. بدین معنا که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در تجربه‌های بعدی خود، به مدد بخش‌های غیردولتی و خصوصی (مانند انجمن‌ها و شرکت‌های مشاوره کشاورزی نام‌برده)، کل روستاییان (و نه تنها زنان کشاورز) را گروه هدف خود قرار داد و کوشید با آگاهی‌رسانی و ترویج موضوع احیا یا حفاظت تالاب‌ها گزینه‌های دیگری را برای امرار معاش به کشاورزان، باغ‌داران و ماهی‌گیران عرضه کند. در این فرآیند، اصل کار را بر پایه بسیج گروه هدف به سود استفاده بهینه از منابع گذاشت و در این زمینه ظرفیت‌سازی کرد. از سوی دیگر، اقدام‌هایی برای شناساندن نیازها و توانایی‌های جماعت‌های محلی به دست‌اندرکاران استانی انجام داد

و تلاش کرد میان آن‌ها با یکدیگر ارتباط‌های مؤثری برقرار سازد. هم‌چنین در این مدت لازم دید که هم از راه تقویت تشکلهای محلی موجود و هم از راه ایجاد تشکلهای تازه استمرار فعالیت‌های معیشتی نوپا را تضمین کند. در اجرای همه این امور، بی‌آن که قصد داشته باشد اهمیت دستاوردهای کمی را نادیده بگیرد، بر دستاوردهایی تکیه کرد که می‌توانند به شکل کیفی اجزای الگوی معیشت جایگزین را به مثابه ابزاری برای حفاظت و بهره‌برداری خردمندانه از زیست‌بوم‌های تالابی در کشور شکل دهند. از این رو، پیش از برشمردن چالش‌ها، به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که بالقوه می‌تواند در پیش‌برد مؤثرتر این نوع اقدام‌ها مدد رسان باشد. البته ناگفته پیداست که جمع بودن همه این شرایط در یک روستا یا در میان یک جامعه هدف چندان میسر نیست اما لازم است بدانیم کمبود یا نبود هر یک از این خصوصیت‌ها، به ویژه اصلی‌ترین‌شان، می‌تواند به ناکامی بیانجامد و گذشته از دل‌سرد کردن همه ذی‌نفعان، همین منابع موجود را نیز هدر دهد. پس ارزیابی و شناخت پایه‌ای از شرایط مساعد و نامساعد برای راه‌اندازی معیشت‌های واقعاً جایگزین ضروری است. نمودار ۲ روند مطلوب را نشان می‌دهد. هر چند، در همه موردها این مسیر، به شکل کاملاً یک‌سان و برابر، پیموده نشده است.

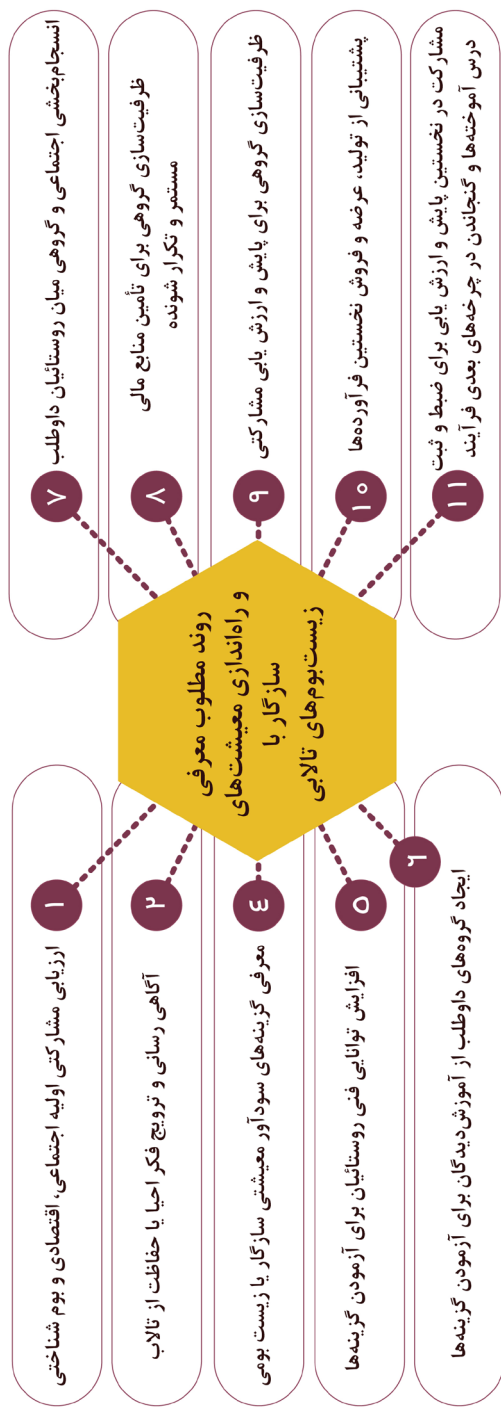


۱-۵. ویژگی‌های موثرترین شیوه‌ها برای راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با

زیست‌بوم‌های تالابی

ارزیابی مشارکتی اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی از وضعیت موجود

بی‌شک هر اقدام آگاهانه و اثرگذاری می‌بایست بر پایه شناختی باشد که مجریان از وضعیت موجود جماعت‌های محلی به دست می‌آورند. در تجربه‌هایی که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تاکنون از سر گذرانده است هر جا که این فرآیند با صرف زمان طولانی‌تری و به شیوه‌ای مشارکتی‌تر طی شده است، جلب مشارکت ساکنان پیرامون تالاب‌ها برای نقش‌آفرینی میسرتر بوده است. از این رو، صرف انجام دادن مطالعات پایه برای به دست آوردن اطلاعات مورد نظر تکافو نمی‌کند. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران ضمن آن که گردآوری داده‌های اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی را به شکل تخصصی/ علمی لازم می‌داند، اما ارزیابی مشارکتی را نیز ضروری می‌داند؛ زیرا در این فرآیند فرصت بی‌همتایی به دست می‌آید که دیدگاه‌های خود مردم، به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر زیست‌بوم‌های تالابی، در زمینه‌های مرتبط با زندگی روزمره‌شان شناسایی شود و شیوه‌های امرار معاش جاری‌شان مورد سنجش و تحلیل همگانی قرار گیرد. در واقع، این مرحله خود بخش مهمی از بسیج اجتماعی به سود آزمون روش‌های معیشتی دیگر به شمار می‌آید. تقریباً تمام سازمان‌های غیر دولتی و شرکت‌های مشاوره‌ای خدمات فنی و مهندسی طرف قرارداد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران از روش‌های کیفی و مشارکتی برای ورود به روستاها و مطرح ساختن مأموریت خود بهره بردند.



جذب پشتیبانی دست‌اندرکاران محلی، استانی و ملی برای راه‌اندازی معیشت‌های مورد نظر و کمک به برقراری ارتباط و کنش دوسویه میان جمعیت‌های محلی با سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان از واجبات است

نمودار ۲. روند مطلوب معرفی و راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی

آگاهی رسانی و ترویج فکرِ احیا یا حفاظت از تالاب

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران سیاست و خط‌مشی خاص خود را برای آگاهی‌رسانی همگانی، با اتکا به دستورعمل «ارتباطات، آموزش، مشارکت و آگاهی‌افزایی» (CEPA) به پیش می‌برد^{۵۵}. اما برای افزایش آگاهی روستاییان ساکن در پیرامون تالاب‌ها درباره موضوع مشخص «معیشت‌های جایگزین» و ترویج فکرِ احیا یا حفاظت از تالاب‌ها از این راه به قوه ابتکار عمل و سلیقه سازمان‌های طرف قرارداد خود متکی بوده است. از این‌رو، گروه‌های ذی‌نفع به روش‌های نسبتاً متفاوتی با این مسئله آشنایی یافتند. در نمونه‌هایی که روند آگاهی‌سازی پیوسته و مکرر صورت گرفت یا از شیوه‌های آگاهی‌رسانی مؤثرتر استفاده شد، تأثیر این فرآیند در میان اهالی مشهودتر بود. دو نمونه بارز آن را می‌توان یکی در تصمیم اهالی روستای شیشوان دید که متعهد شدند که با اجرای برنامه‌های «معیشت جایگزین» بخشی از حق‌آبه روستا را به نشانه ادای سهم به فرآیند احیای دریاچه ارومیه آزاد سازند و دیگری در کوشش زنان روستای قره‌قوزلو که تولیدات خود را به تصویرها و پیام‌هایی جهت احیای دریاچه ارومیه آراسته‌اند.

معرفی گزینه‌های سودآور معیشتی سازگار با زیست بوم

انجام دادن این مرحله از کار بسیار مهم است و ضرورت دارد که بیش‌ترین توجه بدان معطوف شود. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، مانند طرح‌های مشابه، سیاست و خط‌مشی را پی می‌گیرد که بر پایه آن می‌کوشد شیوه‌های معیشتی موجود اهالی روستا را (از جمله کشاورزی، دام‌داری، باغداری و ماهی‌گیری) با مقتضیات زیست‌محیطی سازگار کند و با ظرفیت‌سازی در این زمینه‌ها سبب بهره‌برداری پایدار از منابع مورد نیاز باشد. اما آن چه به تجربه معرفی و راه‌اندازی «معیشت جایگزین» مربوط می‌شود، همانا فراهم آوردن زمینه امرار معاش روستاییان از راه‌هایی است که هر چند به زیست‌بوم‌های تالابی مرتبط است اما در عین حال روستاییان آن شیوه‌های معیشتی را نو می‌دانند و چه بسا نیازموده باشند، مانند گسترش طبیعت‌گردی که در کنار خود زمینه احیای صناعت‌های خُرد دستی را نیز فراهم می‌آورد و نیز کاشت و برداشت گونه‌هایی که ضمن درآمدزایی به احیای زیست‌بوم‌های تالابی یاری می‌رساند (مانند جنگل‌کاری مشارکتی حرا). هر چه شناسایی مزیت‌های اقتصادی این موردها دقیق‌تر باشد و عملی و زودبازده بودن آن‌ها مشخص‌تر باشد، جامعه محلی به

آزمودن این روش‌های متفاوت امرار معاش رغبت بیش‌تری به خرج می‌دهد. در حال حاضر، گستردگی این گزینه‌ها چندان زیاد نیست که به لحاظ اقتصادی با روش‌های معیشت فعلی رقابت کند. به همین دلیل، در تجربه اجرایی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، شناسایی، معرفی، ظرفیت‌سازی و پشتیبانی از اجرای یک رشته روش‌های معیشتی سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی به مراتب کارسازتر بوده است تا پافشاری بر آزمودن نمونه‌ای منفرد گزینه‌های معیشتی متفاوت یا نو. لازم به یادآوری است که همین تجربه به مرور به شکل‌های دیگری نیز کامل شد؛ از جمله آن که صرف انتخاب یک یا چند معیشت دیگر از میان فهرستی از مشاغل از سوی کشاورزان داوطلب همکاری مقصود اصلی طرح حفاظت از تالاب‌های ایران را عملی نمی‌کرد بلکه، در عمل، لازم می‌آمد که مشاغل پیشنهادی از هر لحاظ با معیارها و مقتضیات اقتصاد محلی، شرایط اجتماعی روستا و وضعیت بوم‌شناختی سنجیده شود. این ارزیابی را یا خود سازمان‌های مجری انجام می‌دادند (نمونه بررسی انجمن دامون با تنظیم جدول‌های چندگانه) یا از محافل دانشگاهی مدد می‌گرفتند (نمونه همکاری مشترک شرکت پیشرو زمان با «کمیته فنی معیشت جایگزین مستقر در دانشگاه تبریز»).

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که معیشتی که صرفاً سودآور است نمی‌تواند سازگار با زیست‌بوم تالاب باشد. به عبارت دیگر پس از ارزیابی فنی و اقتصادی، ارزیابی محیط‌زیستی بسیار مهم و ضروری است تا نشان دهد معیشتی که قرار است اجرا شود مستقیم یا غیرمستقیم زیست‌بوم تالاب یا خدمات و کارکردهای آن را به چالش نمی‌کشد. شاید مهم‌ترین نکته در این مرحله توجه به این موضوع هست که معیشت جدید چقدر به صرفه‌جویی و کاهش مصرف آب در حوضه تالاب کمک می‌کند. در واقع آن معیشت‌هایی در ارزیابی محیط‌زیستی اولویت دارند که نه تنها باعث افزایش مصرف آب (مستقیم و غیرمستقیم) نمی‌شوند بلکه در صورت جایگزینی با سایر معیشت‌های آب‌بر، باعث کاهش مستقیم مصرف آب خواهند شد.

افزایش توانایی فنی روستاییان برای آزمون گزینه‌ها

کم‌وبیش در تمام روستاهای زیر پوشش برنامه «معیشت جایگزین» روند توان‌افزایی روستاییان علاقه‌مند به شرکت در دوره‌های آموزشی به آسانی پیش رفته است. استقبال کل روستا، و نه لزوماً ذی‌نفعان بالقوه برنامه، از فعالیت‌های آموزشی چه بسا به دلیل آن باشد که بسیاری از دوره‌ها به طور

رایگان از سوی اداره سازمان فنی و حرفه‌ای کشور یا اداره جهادکشاورزی برگزار می‌شد و نیز آن که گواهی‌نامه‌های صادرشده امتیازهایی برای شرکت‌کنندگان در بر دارد. در اصل، سازمان‌های مجری از این ترفند به عنوان انگیزشی برای جلب همکاری روستاییان نیز بهره گرفتند. در خلال شرکت در همین دوره‌های آموزشی است که کشاورزانی توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان را برای همکاری‌های بعدی ابراز می‌کردند.

البته برگزاری دوره‌های آموزشی تنها به حرفه‌آموزی محدود نمی‌ماند. هر جا که دایره موضوع‌های مورد آموزش گسترده‌تر و مرتبط‌تر با محیط‌زیست یا مدیریت کسب‌وکار بود یا در هر روستایی که طیف متفاوتی از روستاییان در دوره‌های آموزشی شرکت کردند، زمینه جلب مشارکت روستاییان برای انجام دادن مرحله‌های بعدی مهیاتر شد. در برخی موارد، سازمان‌های مجری از پیش، هدف‌گذاری کرده بودند تا زمینه را برای شرکت نمایندگان گروه‌های اجتماعی روستا (و به طور مشخص زنان) در اقدام‌ها و فعالیت‌های آموزشی فراهم آورند.^{۵۶}

ایجاد گروه‌های داوطلب از آموزش‌دیدگان برای آزمودن گزینه‌ها و انسجام‌بخشی میان

کشاورزان داوطلب

گروه‌سازی و انسجام‌بخشی گروه نوپا از ویژگی‌هایی است که در اجرای موفق هر برنامه و فعالیت جمعی نقش پراهمیتی بازی می‌کند. هر چه انگیزه‌های گروهی قوی‌تر باشد امکان ادامه‌کاری و تاب‌آوری در برابر دشواری‌ها بیشتر است، به ویژه هنگامی که اعضای گروه برای تداوم فعالیت‌های جمعی به یکدیگر اتکا داشته باشند و بیش از آن که به انتظار حمایت‌های بیرون از خود بنشینند به یمن توانایی‌های خود پیش بروند. بنا به تجربه طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در منطقه‌های زیر پوشش خود، شکل‌گیری چنین گروه‌هایی در چند مورد آغاز شد. گفتنی است که هسته نخستین بسیاری از این گروه‌ها- مانند گروه زنان زرینه‌رود، گروه چیچست و شرکت خشکبار شیشوان (به ترتیب در روستاهای قره‌قوزلو، چیقلو و شیشوان)- زنان کشاورزند. این نکته تأمل‌انگیز است که آیا استقبال زنان از **گروه‌سازی** به دلیل نوع تعاملی است که سازمان‌های مجری با روستاییان ایجاد کرده‌اند یا آن که مسئولیت عرفی و شناخته‌مردان در مقام نان‌آوران خانه ایجاب می‌کند که مردان کشاورز، در وهله نخست تا از ثمربخشی برنامه و اقدام‌های مربوط به راه‌اندازی معیشت‌های نامرسوم اطمینان حاصل

نکرده‌اند، احتیاط کنند و پا پیش نگذارند که مبدا از عهده جبران زیان‌های احتمالی آن فعالیت‌ها بر نیایند یا آن که به چشم دیده‌اند که درآمد حاصل از این فعالیت‌ها تاکنون تکافوی کلّ هزینه‌های خانواده را نمی‌کند ولی آن اندازه چشم‌گیر است که زنان و دختران خود را تشویق به کسب این درآمد اضافی کنند و خود در انتظار موقعیت‌های بعدی بمانند. به هر رو، کمک به ایجاد گروه تا مراقبت و پشتیبانی از انسجام آن دو امر جداگانه، هر چند مرتبط به هم است که تداوم و پایداری فعالیت‌های معیشتی را تضمین می‌کند، به ویژه هنگامی که این فعالیت‌ها پیرامون ایجاد صندوق‌های اعتبارات شکل گرفته باشند. در دو تجربه متأخرتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، یکی در روستاهای پیرامون تالاب میقان و دیگری در روستاهای پیرامون تالاب حرای رود شور، شیرین و میناب سازمان‌های مجری، به درستی، برای پی‌گیری فعالیت‌های معیشتی پیشنهادی تمهید دیگری را اختیار کردند؛ بدین معنا که از میانه کار با شناسایی ظرفیت‌های منطقه دو تشکل محلی (به ترتیب، تشکل ارمغان روح‌بخش سبز و گروه نجم) را درگیر کردند تا بلکه پایداری فعالیت‌های گروهی روستاییان برای امرار معاش از راه‌های دیگری به جز آن چه مرسوم است، تضمین گردد.



پشتیبانی از تولید، عرضه و فروش نخستین فرآورده‌ها

هر یک از سازمان‌های مجری برای امکان‌سنجی یا راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی تا هنگامی که قرارداد همکاری‌شان با طرح حفاظت از تالاب‌های ایران به سر نیامده بود از گروه‌های معیشتی نوپای روستاهای زیر نظر خود پشتیبانی می‌کردند. برای نمونه، تعاونی خشکبار شیشوان، حتی پیش از آغاز فعالیت رسمی خود، دارای دفتر فروش شد. در این میان استثنا وجود دارد؛ و آن انجمن دامون بود که از گروه‌های زنان روستایی پس از انقضای قرارداد خود نیز حمایت کرد و توانست برای راه‌اندازی فعالیت اقتصادی گروه‌ها در یک اقدام مبتکرانه (راه‌اندازی «کمپین چرخ خیاطی») پشتیبانی افراد و سازمان مردم‌نهادی را برای عرضه و فروش فرآورده‌های گروه‌های زنان قره‌قشلاق جلب کند و بدین وسیله تداوم کار را تضمین کند.

جلب پشتیبانی دست‌اندرکاران محلی و استانی

بی‌شک معرفی و راه‌اندازی معیشت‌هایی که با زیست‌بوم‌های تالابی سازگار باشد نیاز به پشتیبانی همه دست‌اندرکاران و ذی‌نفعانی دارد که هم اکنون از کارکردهای گوناگون تالاب‌های ایران منتفع می‌شوند یا به حفاظت، احیا و پایدارسازی این زیست‌بوم‌ها توجه ویژه دارند. سازمان‌های مجری طرف قرارداد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در هر سطح ممکن از ظرفیت‌های نهادی و فردی اعضای خود بهره‌گرفتند تا بتوانند نظر مساعد نهادها و دستگاه‌های بخش دولتی و نیز خصوصی را به سود فعالیت‌های اقتصادی نوپا جلب کنند. گاه این کوشش‌ها سرانجام می‌یافت و موافقت حامیان قدرت‌مندی مانند ستاد احیای دریاچه ارومیه را برای پشتیبانی از فعالیت اقتصادی غیرکشاورزی (مانند تولید و بسته‌بندی نان سبوس‌دار در روستای شیشوان) جلب می‌کرد یا سبب می‌شد روند ثبت تشکیل چندین شرکت تعاونی تولید (در زمینه‌هایی از جمله پرورش مرغ بومی، تولید و بسته‌بندی خشک‌بار و فرآوری و بسته‌بندی مواد لبنی در روستای لالکو) آغاز شود.

۲-۱-۵. چالش‌های راه‌اندازی معیشت جایگزین

در این بخش، به چالش‌های عمده‌ای اشاره می‌شود که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و سازمان‌های همکاری‌شان در حین کار با آن روبه‌رو شده‌اند. بخشی از این دشواری‌ها حل‌وفصل شد و در روند فعالیت‌های بعدی اصلاح شد اما شماری از آن‌ها همچنان باقی است؛ زیرا پاسخ‌گویی به آن از

عده طرح به تنهایی بر نمی‌آید یا زمان‌بر است. به هر رو، تجربه جهانی نیز گواه آن است که موضوع راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین به مثابه ابزاری برای حفاظت از منابع طبیعی هم اکنون با چالش‌های جدی روبه‌روست. بدین معنا، شماری از طرح‌هایی که بهبود وضعیت معیشت جامعه‌های محلی را نشانه می‌گیرند تا از تخریب منابع طبیعی از سوی اهالی برای امرار معاش جلوگیری کنند، به این باور رسیده‌اند که روش‌های بدیل یا جایگزین معیشتی «چه بسا بهترین راه‌حل» برای پایان بخشیدن به استفاده ناپایدار از منابع طبیعی نباشد. برای آن که چنین روشی کارساز باشد می‌بایست گزینه‌های معیشتی بیش از این‌ها از لحاظ اقتصادی سودآور باشد. «هر چند پژوهش‌ها نشان داده است که سودآوری تنها عامل نیست. طرز نگرش به احتمال زیان مالی، دسترسی به دارایی‌ها، آسیب‌پذیری و اثرگذاری‌های نهادی جملگی بر تصمیم‌گیری مردم تأثیر می‌گذارند... هدف از راه‌اندازی معیشت‌های جایگزین آن است که بتوان راه‌حلی یافت که با راهبردهای جاری معیشتی مردم سازگار باشد و بر وضعیت معیشتی آن‌ها و نیز کاربرد منابع طبیعی تأثیر مثبت بگذارد». با این برداشت، رفته‌رفته، در چشم سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان جنبه پایداری بر «جایگزینی» یک معیشت برتری یافته است تا جایی که عبارت «معیشت پایدار جایگزین» نیز وارد نوشتار تخصصی شد.^{۵۷}

نبود انسجام فکری و برداشت مشترک از «معیشت جایگزین»

در واقع، با مقدمه‌ای که در بالا گفته شد، انسجام فکری و برداشت یکسان از «معیشت جایگزین» در میان سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان به سادگی به دست نمی‌آید. اشاره شد که در ساختارهای نوپای مدیریت جامع تالاب‌ها رسیدگی به امور معیشتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما میزان این اهمیت یا چه‌گونگی پرداختن به آن نزد همه متولیان یکسان نیست. به این معنا، گاه صرف موضوع اشتغال برجستگی می‌یابد و هر پیشنهاد اجرایی از دید افزایش فرصت‌های شغلی ارزیابی می‌شود، گاه پشتیبانی از طرح‌های درآمدزایی، به طور کلی، مد نظر قرار می‌گیرد بی‌آن که ارتباط آن‌ها با حفاظت از منابع تالابی چندان روشن باشد و از این رو هر حرکتی در این زمینه در حکم گسترش فعالیت‌های اقتصادی مکمل کشاورزی شمرده می‌شود. گاه در راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با معیارهای اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی زمینه‌سازی‌های لازم در سطح روستا انجام می‌شود، اما چون اهمیت این نوع پایدارسازی گزینه‌های معیشتی برای تصمیم‌گیرندگان منطقه‌ای یا استانی

شناخته نیست، در عمل، جلب پشتیبانی نمایندگان دستگاه‌های اداری ذی‌نفع، چالش بزرگی از آب در می‌آید. پس یافتن درک مشترک از اهمیت، ضرورت و چه‌گونه‌ی راه‌اندازی گزینه‌های معیشتی سودآور سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی شرط لازم برای کارآیی مدیریت جامع تالاب‌ها از لحاظ موضوع معیشت است. هرگاه در میان متولیان درباره «مکمل»، «جایگزین» یا «پایدار» بودن روش‌های امرار معاش جماعت‌های روستایی اتفاق نظر نباشد، سردرگمی مفهومی/نظری، ولو به فرض مطلوب بودن همه جنبه مداخله‌های جامعه‌محور، به پراکنده‌کاری و بی‌حاصلی می‌انجامد.

یادآور می‌شویم که برداشت‌های متفاوت در میان بسیاری از مدیران و کارشناسان درباره مفهوم‌های معیشت مکمل، معیشت پایدار و معیشت جایگزین عمومیت دارد، چندان که سازمان‌های مجری فعالیت‌های معیشتی طرف قرارداد نیز با این چالش روبه‌رو بودند. گاه این سایه و روشن مفهومی پی‌آمدهایی را نیز در بر دارد. برای نمونه، آن دسته از سازمان‌های مجری که در صدد بودند هم‌مانند ساختارهای مدیریت جامع با مفهوم ترویج «معاش پایدار»^۸ برنامه اجرایی خود را در روستاها پیش ببرند، در عمل دریافتند که دشوار بتوان کشاورزان را بدون پشتیبانی و در اختیار گذاشتن مشوق‌های تکرار شونده مجاب کرد که شیوه‌های معیشتی دیگری را بیامایند و اگر هم دست به این کار زدند تا چرخه سودآوری آن معیشت کامل و آشکار نشود کشاورزان دیگر را برنخواهد انگیخت که فعالیت مشابهی را به انجام برسانند. از این رو، اندک اندک راهبردهای معیشت مکمل را به کار گرفتند؛ زیرا که منطقی‌تر می‌نمود که در بازه یک ساله (و بلکه کم‌تر) قرارداد خود با طرح حفاظت از تالاب‌های ایران تعهدی برای پایدارسازی معیشت‌های پیشنهادی ندهند. پس، درهم‌آمیختگی میان راهبردهای معیشت مکمل، معیشت پایدار و معیشت جایگزین به اضافه محدودیت زمانی برای تضمین پایداری معیشت‌های نوپا از جمله چالش‌هایی است که از بدو امر خود را نمایند و هر سازمان مجری به ابتکار خود کوشیده است تا بخشی از دشواری‌های حاصل از این ابهام را حل و فصل کند. برای نمونه، سازمان‌های مجری در روستای للکلو در اطلاعاتیه‌ای که روستاییان را برای شرکت در نشست‌های مربوط شکل‌گیری گروه‌های معیشتی فرا می‌خواند هدف از اجرای فعالیت‌های خود را چنین اعلام کردند: «ترویج و ایجاد زمینه مناسب برای مشاغل جانبی است که نیاز آبی پایین‌تری دارند» (پیوست ۲-۶). بدین معنا، سازمان‌های مجری از همان ابتدا، بیش از تکیه بر جنبه‌ی معیشت جایگزین کشاورزی،

روش‌های درآمدزایی مکمل (یا جانبی) معیشت‌های کشاورزی را عرضه می‌کردند و شاخص‌های موفقیت برنامه‌های خود را نیز بر این پایه استوار کردند.

جنسیت و «معیشت جایگزین»

در چند دهه گذشته، در عرصه جهانی، موضوع جنسیت و منابع طبیعی توجه بسیاری از سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه و حفاظت را به خود جلب کرده است. درباره راه‌اندازی «معیشت‌های جایگزین» و ارتباط آن با نقش‌ها و مسئولیت‌های مردان و زنان روستایی پژوهش‌هایی انجام گرفته است و از نتیجه‌های آن در طراحی برنامه‌ها استفاده شده است، به این معنا که شناخت تقسیم کار جنسیتی در میان جماعت‌های محلی مورد نظر این امکان را فراهم آورده است که کدام فعالیت‌های اقتصادی «جایگزین» با استقبال کدام گروه‌های اجتماعی بیش‌تر روبه‌رو خواهد شد یا به چه دلیل‌هایی اجتماعی-اقتصادی ممکن است معرفی و کوشش در راه‌اندازی موفق آن‌ها چالش‌برانگیز باشد.^۹

پیش از این گفتیم که طرح حفاظت از تالاب‌های ایران در نخستین اقدام عملی خود برای مداخله جامعه‌محور در حوزه معیشت، زنان روستایی پیرامون تالاب پریشان را نشانه گرفت. به دلیل محدودیت‌های آن تجربه آن چنان که باید و شاید، پیشاپیش، در نیافت که اگر این بار کل جماعت‌های روستایی را هدف ترویج «معیشت‌های جایگزین» قرار دهد با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد. هنگامی این دشواری به طور مشخص خود را نمایاند که دریافت مشاغل خرد سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی چندان مورد استقبال مردان روستاهای زیر پوشش طرح قرار نمی‌گیرد یا مردان کشاورز به مراتب دیرتر یا کم‌تر به تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد، به مثابه منبعی برای تأمین مالی جهت تنوع‌بخشی به معیشت‌های خود، رغبت نشان می‌دهند و انگیزه ضعیفی برای مشارکت در فرآیند تشکیل صندوق بروز می‌دهند. آشکار است که گنجاندن ارزیابی و تحلیل جنسیتی در دستور کار مطالعات پایه می‌توانست تا اندازه زیادی پویایی و ویژگی‌های تقسیم کار جنسیتی را در هر روستا روشن سازد تا بتوان از سطح همان پویایی و ویژگی آغاز به کار کرد.

به هر رو، آن چه از شواهد برمی‌آید آن است که مردان به دلیل آن که اصلی‌ترین نان‌آور خانواده روستایی شناخته می‌شوند از بابت این که اگر به معیشت تازه نیازموده‌ای رو بیاورند دچار زیان‌های

احتمالی می‌شوند، و چه بسا نگران هستند که نتوانند آن زیان احتمالی را جبران کنند، خود را عقب می‌کشند^{۲۰}. هر چند، همسران خود را تشویق به مشارکت در این فرآیند می‌کردند. لازم به یادآوری است که عموماً فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی، ولو فعالیت‌های جانبی کشاورزی یا غیرکشاورزی داخل روستا، مستلزم صرف هزینه گزاف‌تر یا تخصیص سرمایه ثابت یا متغیر بیش‌تری نسبت به فعالیت‌هایی است که زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد می‌توانند به اتکای پس‌اندازهاشان راه‌اندازی کنند. با در نظر گرفتن این که زنان روستایی غالباً در تولید کشاورزی نقشی برجسته دارند ولی چون مزدبگیر نیستند و در چشم دیگران درآمدی ندارند، در عمل، در تنگناهای اقتصادی، هر نوع فعالیت درآمدزایی آن‌ها- به شرط آن که منافاتی با انجام دادن نقش‌ها و مسئولیت‌های جنسیتی‌شان نباشد- در وهله نخست با مانعی روبه‌رو نشد و در نمونه‌هایی که این برنامه‌های معیشتی توفیق یافت، در حکم منبعی برای افزایش درآمد خانواده تلقی شد.

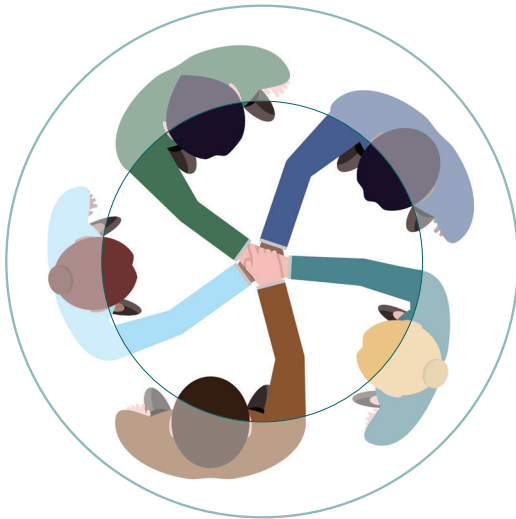
اما سخن اصلی در این جا آن است که طرحی مانند طرح حفاظت از تالاب‌های ایران یا برنامه مدیریت جامع تالاب‌ها تنها در صدد توان‌افزایی مالی خانواده‌های روستایی نیستند، بلکه در صدد هستند آن دسته از راهبردهای معیشتی را معرفی و در صورت امکان راه‌اندازی کنند که درآمد حاصل از آن با دیگر روش‌های امرار معاش رسمی یا غیررسمی زیان‌بار به حال زیست‌بوم‌های تالابی اگر بیش‌تر نباشد، کم‌تر هم نباشد تا فرآیند جایگزینی آن برای خانواده‌های روستایی به هر مقیاسی میسر باشد. برای مردان کشاورز، در مقام تصمیم‌گیرنده اصلی خانواده برای ایجاد تغییر در روش‌های امرار معاش، این رقابت‌پذیری مهم است. تجربه طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، تاکنون، گواه آن است که برای جلب مردان روستایی که عموماً خواهان به مخاطره انداختن وضعیت اقتصادی خانواده تحت تکفل‌شان نیستند، چالش‌های جدی وجود دارد.

کمبود هماهنگی میان بخشی و فرابخشی

سازمان‌های مجری برنامه‌های معیشتی، به تفاریق، نسبت به هم‌سو بودن یا نبودن دستگاه‌های ذی‌نفع برای حمایت از راه‌اندازی آن برنامه‌ها در سطح روستاهای برگزیده اظهار نظر کرده‌اند و نبود کمبود هم‌سویی میان این نهادها را برای اجرای برنامه‌های معیشتی خود چالش‌انگیز توصیف کرده‌اند. در جاهایی که هماهنگی و هم‌سویی میان بخشی و فرابخشی وجود داشته است، جلب پشتیبانی برای

برنامه‌های معیشتی به آسانی پیش رفته است، اما در موردهایی که سازمان‌های مجری نتوانستند از هیچ سازوکاری برای گرفتن حمایت ساختاری نهادی و مالی به سود روستاییان بهره ببرند (یا اگر هم بهره برده‌اند، تضمینی نیست که با خروج سازمان مجری و طرح حفاظت از تالاب‌های ایران پشتیبانی‌های یاد شده ادامه یابد) اثربخشی برنامه‌های معیشتی مورد تردید قرار گرفته است.

این مسئله، به ویژه، هنگامی به چالش مهمی بدل می‌شود که دسترسی به منابع مالی برای ادامه کار صندوق‌های اعتبارات خرد یا تزریق سرمایه مالی برای کسب و کارهای راه‌اندازی ضرورت می‌یابد اما میان نهادها و دستگاه‌های اداری و مالی و قانونی برای پشتیبانی‌های لازم هماهنگی مناسبی وجود ندارد. کمبود هماهنگی‌های قانونی در موردهایی ضرورت می‌یابد که کشاورزان برای آزمودن معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی به منابع مالی نیاز دارند.



یکی از شرط‌های مؤسسه‌های اعتباری سپردن وثیقه مالی و معرفی ضامن معتبر از سوی درخواست‌کنندگان است. بسیاری از روستاییان زیر پوشش طرح حفاظت از تالاب‌های ایران برای برآوردن این شرط‌ها با دشواری روبه‌رو هستند که در نتیجه ایجاد هر نوع هماهنگی میان دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط می‌تواند مدد رسان باشد.

زمان و جلب مشارکت مردمی

طرح حفاظت از تالاب‌های ایران دریافته است که ترویج بهره‌برداری خردمندانه از تالاب‌ها به مدد راه‌اندازی روش‌های معیشتی مناسب با توان بوم‌شناختی منطقه مورد نظر نیازمند ارتباط‌گیری قوی با دست‌اندرکاران و جامعه‌های محلی است تا بتوان هم مردم را به تغییر الگوهای معمول زیان‌بار به حال زیست‌بوم‌های تالابی تشویق کرد و هم زمینه ایجاد این تغییر را، ولو در مقیاس‌های خرد، به وجود آورد. به همین دلیل اجرای هر روندی که بخواهد در این زمینه تغییری ایجاد کند و بر وضعیت

معیشت ساکنان روستاهای پیرامون تالاب‌ها اثر مستقیم بگذارد هم زمان‌بر است و هم هزینه‌بر. بدین معنا اگر زمان یا منابع انسانی و مالی مورد نیاز به اندازه‌ای فراهم نباشد، چالش‌های بسیاری بر سر راه سازمان‌های مجری به پیش خواهد آمد. این چالش‌ها برای سازمان‌های مجری که برای ورود به روستا، جلب اعتماد روستاییان، آشناسازی اساسی کشاورزان با رویکرد معیشت‌های دیگر و آماده‌سازی آن‌ها برای آزمون روش‌های پیشنهادی و همراهی مؤثر با روستاییانی که داوطلب آزمون روش‌های پیشنهادی می‌شوند می‌بایست زمان بیشتری از یک سال بازه قراردادهای خود با طرح حفاظت از تالاب‌های ایران باشد، معضل بزرگی است و اثربخشی پایدار برنامه‌های معیشتی سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی را به مخاطره می‌اندازد.

با در نظر گرفتن این مطلب که می‌بایست زمان معینی را هم اختصاص داد به این که سازمان‌های مجری و نیز دست‌اندرکار محلی درباره رویکرد و مفهوم معیشت‌های جایگزین، پایدار و مکمل به درک مشترکی برسند و راهبرد معیشتی سازگار با زیست‌بوم تالابی را از همان اوان کار پیاده کنند، بازنگری در زمان‌بندی و بودجه‌بندی می‌تواند تا اندازه زیادی از مشکل جلب مشارکت مردمی بکاهد. البته یک سازوکار مؤثر دیگر برای جبران این دشواری محلی بودن سازمان‌های مجری است که در این صورت ظرفیت‌سازی مفید و نظام‌مند برای آن‌ها، خواه برای سازمان‌های محلی طرف قرارداد خواه آن‌ها، تشکل‌های محلی که از سوی سازمان‌های مجری برای تداوم کار شناسایی می‌شوند، می‌بایستی در دستور کار قرار گیرد.

سوددهی کسب‌وکارهای تازه و «معیشت جایگزین»

یکی از عامل‌هایی که موفقیت طرح‌های معیشتی را تضمین می‌کند آن است که سازمان‌های مجری و به تبع آن‌ها، دستگاه‌های ذی‌نفع از سوددهی گزینه‌های معیشتی پیشنهادی اطمینان داشته باشند و نیز از توان پذیرش ضرر و زیان احتمالی کشاورزان برای آزمون آن گزینه‌ها ارزیابی دقیق داشته باشند. آگاهی از هر دو مسئله یادشده مستلزم انجام دادن پژوهش‌های اجتماعی اقتصادی پایه‌ای و روزآمد کردن آن اطلاعات در حین کار است. در موردهایی که این اطلاعات، به ویژه در خصوص بازدهی اقتصادی معیشت‌های نوپا، تکافو نمی‌کرده است دشواری‌هایی نیز به وجود آمده است. برای نمونه، گاه لازم می‌آید که هزینه ایجاد شغل‌های معین در یک منطقه را هم‌زمان با معرفی گزینه‌های

معیشتی برآورد کرد تا بتوان دریافت که چه میزان سرمایه لازم است. البته رقم‌هایی که تخمین زده می‌شود، مورد به مورد تفاوت دارد^{۱۱}. با این همه، گردآوری هر نوع داده‌ای در این زمینه می‌تواند گستره فعالیت را روشن‌تر نشان دهد و برنامه‌ریزی بهتری را سبب گردد.

۲-۵ پیشنهادها

در بخش پایانی، برای راه‌اندازی مؤثرتر معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی به کار بردن روش‌های زیر توصیه می‌شود:

🌸 یک دست کردن برداشتی که نسبت به راهبردهای معیشتی - از جمله معیشت جایگزین - در میان طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، سازمان‌های مجری طرف قرارداد، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان وجود دارد، گام نخست است. پیشنهاد می‌شود که برای ابهام‌زدایی از موضوع مورد نظر عبارت «معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی» را به کار گرفت. بدین معنا، اذعان می‌شود که پایداری و به چالش نکشیدن حیات تالاب توسط معیشت‌های پیشنهادی دو مؤلفه مهم هستند، اما این شرطها لازم‌اند. آن چه کفایت آن‌ها را تضمین می‌کند سودآوری و سازگاری گزینه‌های معیشتی با شرایط اجتماعی اقتصادی هر جامعه محلی منفرد است این امر مستلزم صرف زمان و بودجه و همکاری مستمر دست‌اندرکاران مدیریت تالاب‌های مورد نظر است.

🌸 گنجاندن یک بخش درباره موضوع معیشت و پیوند میان حفاظت از منابع طبیعی با فقر، توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و... در برنامه کارگاه‌های آغازین تدوین برنامه مدیریت جامع تالاب‌ها تا میان اعضای احتمالی کمیته‌های مدیریت جامع هر تالاب هماهنگی و درک مشترکی نسبت به راهبردهای معیشتی به دست آید. هم‌چنان که این امر می‌تواند برای چه‌گونه‌گی جلب مشارکت روستاییان پیرامون آن تالاب زمینه‌چینی مناسبی شمرده شود.

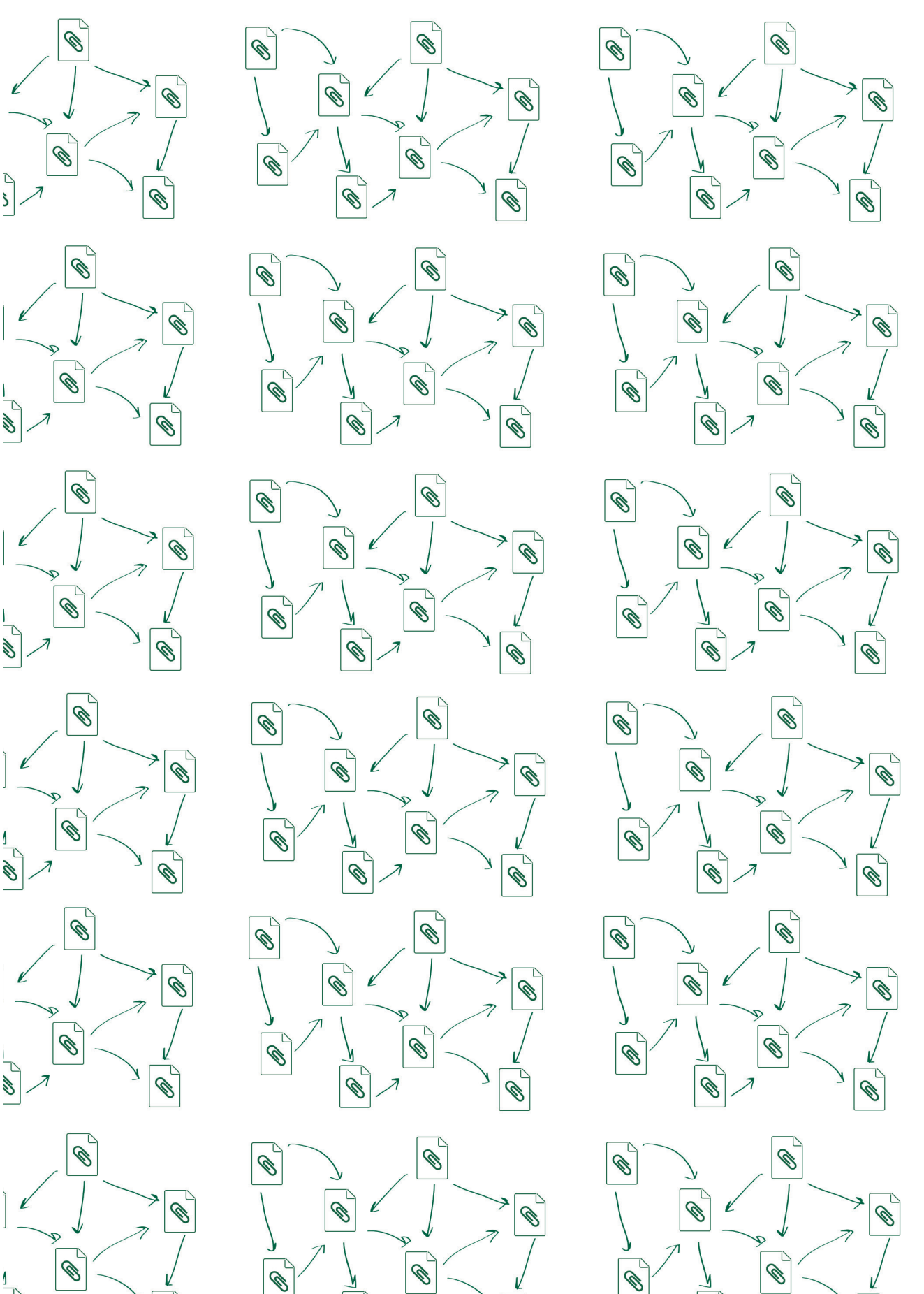
🌸 یکی از موضوعات مهم بهره‌برداری خردمندانه و معیشت جایگزین، کاربری اراضی تالاب است که باید با برنامه‌ریزی مدیریت شود، چرا که اکثر مشکلات از کاربری‌های غیر مجاز و مخرب محیط‌زیست به وجود می‌آیند. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیریت کاربری اراضی در هر تالاب پیش از بهره‌برداری خردمندانه از آن و راه‌اندازی معیشت جایگزین مورد توجه جدی قرار گیرد.

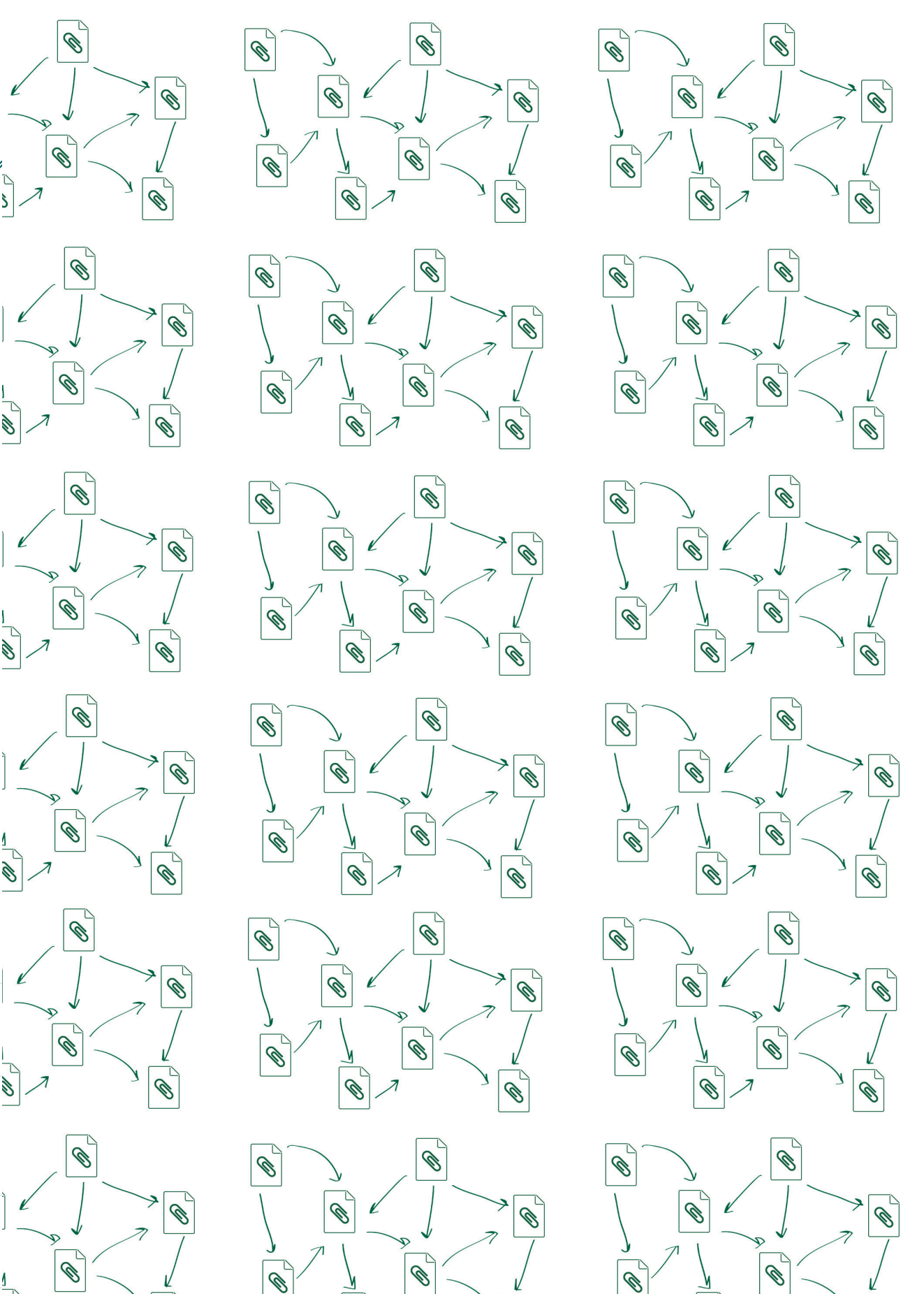
🌸 با توجه به این که بسیج اجتماعی و آزمون عملی الگوهای معیشتی غیرکشاورزی سازگار با محیط‌زیست مستلزم صرف زمان و نیروی انسانی چشم‌گیری است که عموماً خارج از محدوده وظایف دستگاه‌ها و ارگان‌های اجرایی قرار دارد، استفاده از ظرفیت‌های بخش غیردولتی در این فرآیند می‌تواند به ترویج معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی در میان روستاییان کمک به سزایی کند.

🌸 پشتیبانی مستمر و مکرر از برنامه‌های معیشتی تا همه مؤلفه‌های نمودار ۲ اجرا شود. بدین معنا، لازم است در زمان‌بندی و بودجه‌بندی این برنامه‌ها بازنگری شود و در صورت امکان با دسته‌بندی و مرحله‌بندی اقدام‌های یادشده امکان گروه‌سازی و توان‌افزایی گروهی کشاورزان را برای تأمین منابع مالی مستمر و اعمال مدیریت مشارکتی کسب و کارهای برگزیده‌شان فراهم آورد و نیز پس از ظرفیت‌سازی برای پایش و ارزش‌یابی مشارکتی، در نخستین پایش و ارزش‌یابی برای ضبط و ثبت درس آموخته‌ها و گنجاندن در چرخه‌های بعدی فرآیند مشارکت داشت. این همراهی در چندین برنامه سبب می‌شود تا طرح حفاظت از تالاب‌های ایران بتواند برای راه‌اندازی معیشت‌های سازگار با زیست‌بوم‌های تالابی کتابچه راهنمای کارآمدی را تنظیم و تدوین کند.

🌸 ضروری است که گزینه‌های معیشتی پیشنهادی به روستاییان از هر لحاظ با الگوی رایج امرار معاش در هر منطقه قابلیت رقابت داشته باشند. می‌دانیم که روستاهای مورد نظر عموماً سرمایه‌پذیر نبوده‌اند، یعنی الگوی تأسیس کارگاه و کارخانه‌های کوچکی با سرمایه‌ای بیرون از روستا، یا حتی به شکل شراکتی، نه پاسخ‌گوی حل مشکل بی‌کاری جوانان روستایی بوده است و نه احتمال جلب روستاییان به اشتغال در چنین مراکزهای خرد صنعتی می‌رود تا درآمدی داشته باشند که به فرض از کار کشاورزی یا دام‌داری یا ماهی‌گیری یا شکار یا باغ‌داری زیان‌بار به حال منابع طبیعی برای امرار معاش دست بر دارند. پس بار دیگر، تأکید می‌شود که وجود آموزش‌هایی که راه‌اندازی کسب‌وکارهای خرد را به روستاییان پیرامون تالاب‌های می‌شناساند واجب است. برای راه‌اندازی معیشت‌های نوپا می‌بایست نقشه کاملی را طراحی کرد که به مدد انجام دادن پژوهش پایه ارزیابی می‌کند که ایجاد کدام کسب‌وکارها میسر است و پیش‌بینی می‌کند که

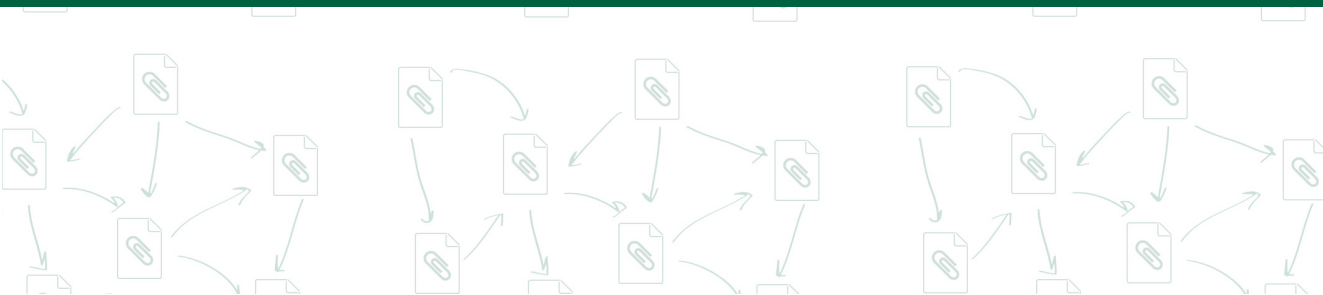
نخستین فرآورده‌های این نوع کسب‌وکار به کدام بازار محلی یا استانی راه می‌یابند و برای عملی شدن این نقشه چه هماهنگی‌هایی لازم است و از چه کسانی باید یاری گرفت. در این راه، گاه می‌بایست با جریان‌های نوینی، مانند مشاغل سبز یا بانک‌داری سبز یا انرژی‌های نوین، ارتباط برقرار کرد و نیز سازمان‌ها و نهادهای آموزش‌گری را درگیر کرد که بتوانند روش‌های به جای تکیه صرف بر رویکردهای مرسوم توان‌افزایی فنی/حرفه‌ای شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی کسب‌وکارهای درآمدزا را آموزش دهند.







۶. پیوست



۱-۲. چکیده گزارش نهایی انجمن جوانان حافظ زمین (دامون)

● پیش‌گفتار

در پی تدوین برنامه مدیریت تالاب قره‌قشلاق به‌عنوان بزرگترین تالاب اقماری حوضه دریاچه ارومیه، طرح «ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران تالاب برای الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست»، با هدف فعال‌سازی کارگروه معیشت پایدار در کمیته مدیریت تالاب قره‌قشلاق تعریف شد، تا پس از دستیابی به الگویی از معیشت سازگار با طبیعت، آغازی بر اجرای رویکرد طرح‌های معیشت پایدار در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در مقیاسی وسیع‌تر باشد. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران جهت طراحی و تدوین راهبرد معیشت سازگار با طبیعت، بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از روستاهای محدوده پابلوت، با استفاده از چارچوب مفهومی معیشت پایدار «صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی» (ایفاد) مدلی را اقتباس کرد. در این چارچوب، راهبرد معیشت پایدار مبتنی بر تحلیل وضعیت موجود دارایی‌ها (و محرومیت‌ها)، بررسی زمینه‌های خطرات، تحلیل سیاست‌ها، نهادها و ذی‌نفعان، طراحی شد. این برنامه کوشید تا با به‌کارگیری اقدامات مؤثر حاصل از فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی و هم‌سوسازی نهادهای دولتی و جوامع محلی ذی‌نفع از حفاظت از دریاچه ارومیه و تالاب قره قشلاق، نمونه‌هایی از معیشت پایدار در روستاهای پابلوت شناسایی و تقویت نماید، تا الگویی برای تنوع‌بخشی به مشاغل جوامع روستایی پیرامون تالاب شکارممنوع قره قشلاق به‌عنوان بخشی از حوضه آبریز دریاچه ارومیه به دست آید.

● هدف از اجرای طرح

این طرح هدف اصلی خود را چنین تعریف کرد: ظرفیت‌سازی در ارگان‌های دست‌اندرکار و بهره‌برداران تالاب در راستای به‌کارگیری الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست و در نتیجه کاهش فشار بر منابع آبی حوضه آبریز تالاب قره قشلاق.

از سوی دیگر برای اجرا کردن طرح سه هدف عملیاتی به شرح زیر تعیین شد:

🌸 تکمیل شناخت پتانسیل‌های معیشتی سازگار با محیط‌زیست؛

🌸 ارتقاء آگاهی و زمینه‌سازی در جامعه محلی برای به کارگیری شیوه‌های مختلف بالقوه معیشتی سازگار با محیط‌زیست؛
 🌸 ایجاد انگیزه در ارگان‌های دست‌اندرکار و ذی‌ربط به تالاب و هم‌سوسازی آن‌ها برای برنامه‌های معیشتی جامعه محلی و در نهایت حفاظت از منابع تنوع زیستی تالاب.

● روستاهای زیر پوشش طرح

در این طرح سه روستای قره‌قزلو، چپقلو و مجیدآباد، به‌عنوان نمونه انتخاب و برنامه‌ریزی اجرای طرح در آن‌ها انجام شد. این روستاها در مجموع جزء روستاهای متوسط و بزرگ منطقه هستند و از نظر قومیتی ترک‌نشین و شیعه‌مذهب هستند. این انتخاب با توجه به مطالعات پیشین وضعیت اجتماعی-اقتصادی روستاهای منطقه و توجه به چند عامل تعیین‌کننده به شرح زیر انجام گرفت:

🌸 انتخاب یک روستا از هر یک از سه شهرستان محدوده تالاب قره قشلاق که در محدوده مدیریت آن هستند، یعنی از میاندوآب، ملکان و بناب. این کار به‌منظور ایجاد الگویی موفق در هر شهرستان انجام شد تا قابلیت تعمیم نتایج به روستاهای مجاور شهرستان، مطابق الگوی به‌دست‌آمده و بسترسازی و ظرفیت ایجاد شده، به ویژه در میان دست‌اندرکاران اداری را داشته باشد.

🌸 انتخاب روستاها با وضعیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت به‌منظور ایجاد قابلیت مقایسه و تهیه الگویی فراگیر.

🌸 انتخاب روستاهایی با شرایط متفاوت از بهره‌برداری منابع آب

روستای قره قزلو: از توابع شهرستان میاندوآب، در حاشیه شاخه نئور (چرچر) از زرينه‌رود، دارای آب مناسب و زمین‌های گسترده حاصلخیز، که ساکنان آن اغلب کشاورز بوده و اغلب از نظر توان اقتصادی در وضعیت خوبی به سر می‌برند. از این رو رغبت چندانی نیز به مشارکت در فعالیت‌های تنوع‌بخشی به مشاغل نشان نمی‌دهند. تمایل به همراهی و فعالیت در زمینه مشاغل جایگزین در میان گروه‌های زنان روستا با توجه به فقدان فعالیت‌های درآمدزای فردی بیشتر است. بسیاری از جوانان قره قزلو به سرمایه‌گذاری در شهرهای مجاور پرداخته و یا برای کارگری به شهر می‌روند. جوانان قره‌قزلو

امید چندانی به آینده روستا و توسعه آن ندارند، خصوصاً کسانی که زمین‌های کمتری دارند. **روستای چپقلو:** از توابع شهرستان بناب، آب روستا در گذشته از مردق‌چای تأمین می‌شد، امروزه فاقد کمترین میزان آب برای کشاورزی، دارای زمین‌های گسترده که اغلب در پی کاهش آب به صورت دیم استفاده می‌شوند. پتانسیل و شیوه معیشتی قالی‌بافی که در روستا وجود دارد، تدریجاً روبه‌زوال است. ساکنان این روستای پرجمعیت از شیوه‌های مختلف نظیر دامداری محدود، کارگری، قالی‌بافی و تجارت غیررسمی پارچه در گذران زندگی خود استفاده می‌کنند. آب کشاورزی روستا عمدتاً از طریق مردق‌چای و زرینه‌رود تأمین می‌شده، همچنین بارش جوی از جمله منابع آب کشاورزی روستا است. مشکل اساسی آب کشاورزی روستا، ممانعت روستاهای بالادست جهت استفاده از آب رودخانه‌ها است.

روستای مجیدآباد: از توابع شهرستان ملکان، در مقایسه با دو روستای دیگر از نظر اجتماعی و اکولوژیکی حالات بینابینی دارد. آب به میزان محدود در منطقه وجود دارد و کشاورزی نیز کمابیش در آن انجام می‌شود. گذران معیشت علاوه بر دام و کشاورزی به کارگری در شهرهای اطراف نیز وابسته است. از آنجا که سه روستای انتخاب‌شده، ویژگی‌های متفاوت بوم‌شناسی و اجتماعی دارند، که الگوهای متفاوتی در ترویج شیوه‌های معیشتی سازگار با طبیعت، برای هر یک ناگزیر می‌نماید. مجیدآباد مشکل آب شرب ندارد، ولی کشاورزی به دلیل کم‌آبی به شدت آسیب‌دیده است. درآمد فعلی اهالی روستا بنا بر اظهارات خود روستاییان معادل: ۲۰٪ کشاورزی، ۳۰٪ دامداری، ۴۰٪ از طریق کارگری و ۱۰٪ یارانه است، این مقدار در گذشته ۴۰٪ کشاورزی، ۴۰٪ دامداری و ۲۰٪ کارگری بوده است.

از آن جا که کشاورزی منبع اصلی درآمد روستاییان است و اجرای طرح‌هایی چون طرح نکاشت (برای حفظ کمیت آب) تبعات شدید اجتماعی-اقتصادی و مخالفت‌های محلی را در پی دارد، به‌منظور خروج از چرخه باطل هدر رفت آب در بخش کشاورزی و نجات دریاچه ارومیه و رعایت حق آبه تالاب، ضرورت داشت که از یک سو، شیوه‌های کشاورزی پایدار (به‌کاشت) در تمام روستاهای حوضه آبریز به ویژه روستاهای اطراف رودخانه، هرچه سریعتر، اجرایی شوند زیرا برای آبیاری زمین‌های کشاورزی منطقه اطراف رودخانه‌ها، از پمپ‌های غیرمجاز که در فصل کشت به‌طور بی‌وقفه در مسیر رودخانه آب

را شبانه‌روزی از زرینه‌رود پمپاژ می‌نمایند استفاده می‌شود و بنا بر آمار غیررسمی، تنها در محدوده سه روستای حاشیه زرینه‌رود بیش از ۴۰۰ موتورپمپ مشغول برداشت بی‌رویه آب از رودخانه هستند، که نتیجه این حجم برداشت آب برای کشاورزی خشک شدن زرینه‌رود و تالاب قره‌قشلاق است. از سوی دیگر، کوشش شود تا زمینه کسب درآمد از راه‌هایی به جز کشاورزی سنجیده شود.

● فرآیند اجرایی طرح

در مدت انجام طرح «ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران حفاظت از تالاب قره قشلاق برای اتخاذ الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست»، پس از انجام مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای تلاش شد تا فرآیند پلکان مشارکت و ارتباط آن با مجموعه‌ای از شیوه‌های معیشتی سازگار با محیط‌زیست آزموده شود و نیز آن دسته از شیوه‌های درآمدزایی شناسایی شود که علاوه بر پذیرش اجتماعی و برخورداری از مطلوبیت در نظر اهالی، از دید محیط‌زیستی نیز با طبیعت هم‌خوان باشد. در مراحل بعد، با برنامه‌ریزی و پیگیری‌های اداری و دریافت کمک از دست‌اندرکاران و متولیان توسعه، هم‌زمان با دست‌اندرکاران مسئول حفاظت منطقه، گام‌هایی جهت ایجاد اشتغال پایدار و سازگار با محیط‌زیست برداشته شد.

رویکرد اصلی این طرح اقتضا می‌کرد تا از روش‌های مشارکتی استفاده شود. می‌دانیم که روش‌های مشارکتی مدیریت منابع طبیعی به‌منظور راهی برای جلب حمایت جامعه محلی در حفاظت از منابع زیستی، تدریجاً تکامل یافته است. رویکرد مشارکتی مورد استفاده در روستاهای پیرامون تالاب قره‌قشلاق بخش‌های مختلف مسئله تخریب محیط و منابع طبیعی را مورد کندوکاو قرار داد و سیاست‌های مختلف در جوامع محلی را برای حل معضلات محیط زیستی گوشزد کرد. در پروژه‌های مشارکتی، میزان منافع به‌دست‌آمده برای جوامع محلی نقشی مهم در تعیین میزان تمایل ایشان برای حفاظت دارد. مردم روستاهای منطقه، تالاب و رودخانه‌های منتهی به آن را یک منبع فایده‌بخش اقتصادی می‌دانند و هرگونه مداخله در این بسته مهم معیشتی جامعه مسائلی جدی در پی دارد. عدم توانایی در ایجاد امکان مشارکت معنادار مردم محلی و نفع‌بری عادلانه از منابع باعث بی‌زاری، خشم و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی در میان مردم می‌شود. بخش عمده اقدامات این طرح، دخیل

کردن هر چه بیشتر اهالی در فرایندهای شناخت، برنامه‌ریزی و اجرا بوده است.

● تحلیل دست‌اندرکاران

«تحلیل دست‌اندرکاران» ابزاری است مشارکتی که کمک می‌کند تا نقش‌آفرینان اصلی هر طرحی شناخته شوند. انجمن دامون، در وهله نخست، همراه با مردم، ذی‌نفعان و نهادهای دست‌اندرکار و حمایت‌گر طرح را شناسایی و دسته‌بندی کرد و مورد تحلیل قرار داد. ضمن بحث و گفت‌وگو با روستاییان روشن شد که هر کدام از دسته‌های زیر چه نقش، مسئولیت و سهمی در فرآیند ایجاد معیشت‌های سازگار با محیط زیست دارند. این دسته‌بندی عبارت است از:

🌸 نهادهای عمومی و دولتی ذی‌ربط؛

🌸 جامعه محلی میزبان پروژه؛

🌸 گروه‌ها و افرادی که اهداف پروژه مخالف منافع آن‌هاست.

در حین کار آشکار است که اگر ارتباط مناسبی میان این سه دسته از ذی‌نفعان فراهم نشود، جایگاه و نوع مشارکت هریک از آن‌ها مشخص نباشد، اهداف مورد انتظار طرح تأمین نمی‌شود و پیامدهای منفی نیز ممکن است به بار آید. از این رو، بر ضرورت همکاری بین‌نهادی تأکید می‌شود. این ضرورت نتیجه چندوجهی بودن مسئله کم‌آبی و ایجاد معیشت پایدار در منطقه است و تنها زمانی می‌توان به ایجاد معیشت‌های جایگزین در منطقه امیدوار بود که بحران کم‌آبی و کشاورزی ناپایدار در منطقه مدیریت شود.

● ارزیابی شیوه‌های معیشتی موجود و جایگزین

در مرحله بعدی مشاغل موجود در هر سه روستا به مدد روستاییان شناسایی و ارزیابی شد. برای انجام دادن این اقدام نیز نهایت کوشش به خرج داده شد تا به مدد برگزاری نشست‌های گروهی، گفت‌وگوهای پیاپی و به‌کارگیری ابزار مشارکتی نه تنها مشاغل موجود هر سه روستا شناسایی شود بلکه این شیوه‌های معیشتی از حیث اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی ارزیابی شوند. همین ارزیابی‌ها برای شیوه‌های معیشتی پیشنهادی روستاییان نیز با حضور خودشان صورت

گرفت. سرانجام شماری از معیشت‌های مکمل و نیز جایگزین با هدف حمایت و ظرفیت‌سازی از معیشت پایدار در منطقه به ترتیب در سه گروه زیر پیشنهاد گردید:

🌸 محصولات غذایی و فرآوری؛

🌸 محصولات دام و طیور؛

🌸 صنایع دستی، فرش و خیاطی، در سطح محلی.

جدول ذیل، برآیند بحث و گفت‌وگوهای متعددی میان روستاییان و کارشناسان در هر

روستا است.

جدول ۱۰. شیوه‌های معیشتی اولویت‌دار بر حسب روستا

اولویت اقتصادی	اولویت اجتماعی	توجیه رتبه اولویت محیط‌زیست	اولویت	چپقلو
انجام فعالیت اقتصادی توسط بانوان به‌عنوان کمک‌هزینه معیشت خانوار وجود امکانات اولیه نظیر چرخ خیاطی و پارچه انجام مشترک فعالیت‌ها، نظیر، خرید مواد اولیه، هم‌افزایی در تولید و در نتیجه امکان فروش آسان‌تر، حمل‌ونقل محصول به بازار و عملیات فروش و در نتیجه سود بیشتر	شکل‌گیری گروه بانوان زرینه و ایجاد امکان تقسیم‌کار عادلانه (عدم بهره‌کشی) تطابق با ویژگی‌های فرهنگی منطقه وجود تمایل و مهارت در میان اهالی	عدم وابستگی به مصرف آب فعالیت گروهی و صرفه‌جویی در مصرف منابع انرژی استفاده از پارچه‌های زائد در تولید عروسک	۱	خیاطی
			۱	احیاء عروسک محلی
			۱	کلاه سنتی
انجام مشترک فعالیت‌ها، نظیر خرید مواد اولیه، هم‌افزایی در تولید و در نتیجه امکان فروش آسان‌تر، حمل‌ونقل محصول به بازار و عملیات فروش و در نتیجه سود بیشتر		عدم وابستگی به مصرف آب فعالیت گروهی و صرفه‌جویی در مصرف منابع انرژی	۱	رشته آتش بلوئی
وجود بازار مناسب برای محصولات	وجود تمایل و مهارت در میان اهالی	وجود منابع گیاهی دارای خواص دارویی که به‌صورت خودرو در منطقه وجود دارند.	۲	عرقیات گیاهی
قابل انجام با سرمایه کم وجود مکان و مواد اولیه مناسب	وجود تمایل در میان اهالی	کم آبخواه بودن محصول عدم نیاز به استفاده از مواد آلاینده محیط در فرایند تولید	۳	برورش قارچ
وجود زمین و سایر منابع اولیه	وجود تمایل در میان اهالی	کم آبخواه بودن عدم نیاز به استفاده از مواد آلاینده محیط در فرایند تولید این فعالیت در صورت عدم نیاز به استفاده از منابع آبی داخل کشور برای تولید دان، موجه می‌باشد.	۴	تزیین مکان

چینلو	اولویت	توجیه رتبه اولویت محیط زیست	اولویت اجتماعی	اولویت اقتصادی
قالی بافی	۱	قالی بافی در شرایط کمبود آب می‌تواند باعث رونق منطقه و جلوگیری از بازگشت ایشان به فعالیت‌های کشاورزی با اجاره زمین و یا با انجام مهاجرت برای توسعه کشاورزی در سایر مناطق شود. ایجاد نقش و نگارهایی از طبیعت تالاب، به‌عنوان عامل فرهنگ‌سازی ایفای نقش می‌کند.	سابقه فعالیت حرفه‌ای اهالی در زمینه قالی. در هر خانه یک دار قالی وجود دارد (حتی اگر به دلیل سود ده نبودن آن دیگر استفاده نمی‌شود). این صنعت می‌تواند جایگزین کشاورزی شده و با تأمین معاش خانواده از مهاجرت اهالی روستا نیز جلوگیری کند فعالیت سنتی سازگار با شرایط بومی و فرهنگی امکان انجام فعالیت به‌صورت گروهی	صنعت قالی بافی در صورتی که بافنده بتواند محصولات خود را در روندی منصفانه و به‌دوراز دسترسی دلالتان فرش تولید و عرضه کند می‌تواند سودآور باشد امکان انجام مشترک فعالیت‌ها، نظیر، خرید مواد اولیه، هم‌افزایی در تولید و در نتیجه امکان فروش آسان‌تر، حمل‌ونقل محصول به بازار و عملیات فروش و در نتیجه سود بیشتر
خیاطی	۲	عدم وابستگی به مصرف آب فعالیت گروهی و صرفه‌جویی در مصرف منابع انرژی	شکل‌گیری گروه بانوان تمایل به انجام فعالیت	انجام فعالیت اقتصادی توسط بانوان به‌عنوان کمک‌هزینه معیشت خانوار دسترسی به پارچه ارزان قیمت
بسته‌بندی گیاهان دارویی	۳	وجود منابع گیاهی دارای خواص دارویی که به‌صورت خودرو در منطقه وجود دارند. عدم وابستگی به مصرف آب	وجود تمایل در میان اهالی	فعالیت اقتصادی کمک‌هزینه خانوار
مرغ‌داری	۴	امکان دامداری با رعایت ظرفیت مراتع، در قالب طرح‌های مرغ‌داری تحت نظارت اداره منابع طبیعی	فعالیت سنتی اهالی، سازگار با شیوه زندگی روستا	درآمدزایی مکفی
پرورش ماهیان	۵	کم‌آبخواه بودن عدم نیاز به استفاده از مواد آلاینده محیط در فرایند تولید این فعالیت در صورت عدم نیاز به استفاده از منابع آبی داخل کشور برای تولید دان، موجه می‌باشد.	وجود تمایل در میان اهالی	وجود زمین و سایر منابع اولیه

اولویت اقتصادی	اولویت اجتماعی	توجیه رتبه اولویت محیط‌زیست	اولویت	مجیدآباد
وجود منابع و امکانات اولیه نیاز به حمایت برای تأمین بازار	سابقه انجام فعالیت وجود دانش و مهارت لازم	استفاده از مواد زائد حیوانی کم آبخواه بودن محصول سازگار با محیط	۱	تولید و بازاریابی ورمی کمپوست
قابل انجام با سرمایه کم وجود مکان و مواد اولیه مناسب	وجود تمایل در میان اهالی	کم آبخواه بودن محصول عدم نیاز به استفاده از مواد آلاینده محیط در فرایند تولید	۲	پرورش قارچ
وجود زمین و سایر منابع اولیه	وجود تمایل در میان اهالی	وجود تمایل در میان اهالی	۳	پرورش ماکیان
فعالیت اقتصادی کمک‌هزینه خانوار	وجود تمایل در میان اهالی	وجود تمایل در میان اهالی	۴	بسته‌بندی گیاهان دارویی

در ادامه، می‌بایست برای اجرایی کردن شیوه‌های معیشتی پیشنهادی گام‌هایی برداشته می‌شد. لازم به یادآوری است که با در نظر گرفتن ماهیت خرد بودن منابع مالی که در اختیار روستاییان قرار داده می‌شد، مردان روستایی از درگیر شدن در این فعالیت‌های اقتصادی استقبال نکردند و در مجموع ۳۰ تن از زنان دو روستای چپقلو و قره‌قلو ابراز علاقه کردند تا با هم دست به کار شوند و بکوشند از راه خیاطی درآمدزایی کنند.

● تشکیل و توان‌مندسازی گروه‌های بانوان

برای انسجام دادن به گروه و همچنین وارد شدن در هر کار اجرایی، گروه نیازمند یادگیری دانش و مهارت‌هایی است. بدین منظور تفاهم‌نامه‌ای با نهادهای رسمی و غیررسمی برای ارتقا توانمندی این گروه از جمله در سازمان فنی و حرفه‌ای در دستور کار قرار گرفت. این آموزش‌ها در حوزه‌های مختلف مانند آموزش تخصصی (خیاطی) یا آموزش مهارت کار گروهی ارائه شد. در روستاهای هدف، با کمک اداره فنی و حرفه‌ای آموزش خیاطی برای زنان انجام شد که نقش مهمی در انسجام و پایداری این

گروه داشت. هم‌چنین در روستای چپقلو و قره قزلو آموزش رشته پرورش قارچ برای اهالی برگزار شد. باوجود آن که برای هماهنگی آن مشکلات فراوانی پیش آمد.

در مرحله‌های بعدی، در روستای قره قزلو برای گروه زرینه طی ۳ جلسه کارگاهی ویژگی‌های کار گروهی و مبانی مشارکت صحبت شد. در این جلسات تلاش شد با مشارکت همه، ساختار گروه، تقسیم‌کار میان اعضا و نوشتن وظایف هر یک از افراد انجام شود. تعداد افراد فعال در گروه و صاحب‌سهم در صندوق ۲۰ نفر هستند، در جلسات مربوط به ساختارگروه به توافق رسیدند، ۲ نفر نماینده گروه باشند و مهم‌ترین وظیفه نمایندگان ارتباط با تسهیل‌گران انجمن دامن و هماهنگی میان اعضا برای انجام سفارشات و... است. اقدام‌های دیگری برای تثبیت گروه بانوان زرینه حول محور فعالیت تولیدی انجام گرفت، از جمله تهیه طرح کسب‌وکار جامعی که با در نظر گرفتن جوانب مختلف و ریسک‌های موجود، فعالیت تولیدی را تا حد امکان تضمین نماید. در این مرحله ارائه آموزش‌های لازم برای طرح نویسی، مدیریت صندوق و مدیریت کسب‌وکار مشارکتی، با توجه به مراحل زیر نیز انجام شد: نخست، بخش‌های مهم ایجاد یک کسب‌وکار برای اعضای صندوق تشریح شد، که شامل: نحوه تأمین مواد اولیه، تولید و فرآوری، بسته‌بندی، برچسب‌گذاری، شناخت مشتریان، قیمت‌گذاری و پیش‌بینی فروش، نحوه فروش، پخش و توزیع است. در هر بخش با توضیح و نمایش نمونه‌ها و مثال‌هایی سعی شد افراد را با فرآیند یک طرح آشنا کنند و از آن‌ها جهت تکمیل بخش‌های مختلف کمک گرفته شود. در بخش آموزش قیمت‌گذاری پس از آموزش فرآیند، محصولات تولیدشده توسط خانم‌ها قیمت‌گذاری شد. بدین ترتیب گروه بانوان زرینه توانسته است به یک پایداری نسبی برسد. به‌عنوان نمونه این گروه توانست سفارش ۱۷۰ مانتو و شلوار مدارس را در سال گذشته به‌خوبی انجام دهد. نکته مهم دیگر برای انجمن دامن آن بود که اعضای گروه نسبت به پیوند میان مفهوم‌های معیشت پایدار و حفاظت از تالاب هرچه آگاه‌تر شوند. به عبارت دیگر، در فرآیند ظرفیت‌سازی گروه، ارتقا حساسیت اعضا نسبت به طبیعت پیرامون‌شان در دستور کار تسهیل‌گران قرار داشت. این کوشش‌ها به ثمر نشست و اعضای گروه با انتخاب نام خود، یعنی «بانوان زرینه»، و نیز با بیان هدف‌شان، یعنی «می‌خواهیم با زنده نگه‌داشتن زرینه‌رود و تالاب قره‌قشلاق، با معیشت پایدار به احیا دریاچه ارومیه کمک نماییم» این حساسیت را نشان دادند.

مسیر توان‌مندسازی گروه بانوان روستای چپقلو نیز کم‌وبیش به صورت بالا طی شد. نخست، در یک فرآیند رأی‌گیری، با اکثریت آرا، نام خود را «گروه چیچست» گذاشتند که نام کهن دریاچه ارومیه است. در ادامه، تسهیل‌گران انجمن دامون روندهای آموزشی و تثبیت گروه را به پیش بردند. یکی از روش‌های مؤثر که روند تثبیت گروه را سرعت بخشید، ایجاد ارتباط بین دو گروه روستایی بود. در این راستا و برای کسب تجربه از چند نفر از بانوان گروه زرینه دعوت شد تا تجربیات خود را در اختیار زنان روستای چپقلو قرار دهند و زمینه‌ساز ارتباط دائمی این دو گروه با یکدیگر باشند.



عکس ۹. نشست گروه تشکیل شده در روستای چپقلو با دست‌اندرکاران

اقدام‌های ظرفیت‌سازی انجمن دامون تنها متوجه روستاییان نبود. از آن جایی که موضوع معیشت در کشور، یک متولی مشخصی ندارد و معیشت پایدار نیز بحث جدیدی است که در روستاهای پیرامون دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن سابقه چندانی ندارد، لازم بود کلیه بهره‌برداران و ذی‌نفعان مرتبط برای ورود در بحث معیشت‌های پایدار در هر سه سطح فوق‌درگیر موضوع شوند. عنوان این طرح نیز روشن می‌کند که انجمن دامون می‌بایست برای ظرفیت‌سازی الگوی معیشت پایدار به شکل همه‌جانبه‌ای وارد عمل می‌شد. از این رو، فعالیت‌های دیگری به مدد برگزاری نشست‌های متعدد توجیهی و مشورتی برای توان‌افزایی و ارتقای ظرفیت دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان (گروه‌های هدف)، در سه سطح به شرح زیر صورت گرفت:

🌸 سطح نهادی، شامل ساختار مدیریت بین بخشی تالاب، اداره‌ها و دستگاه‌های مربوط و مؤثر در حوزه معیشت در دو سطح شهرستان و استانی؛

🌸 سطح فردی، شامل مدیران و کارشناسان ادارات کل، سازمان‌ها و افراد محلی؛

🌸 سطح اجتماعی، بهره‌برداران، جوامع محلی، تشکل‌های محلی و سمن‌ها.

● نتیجه‌گیری و مرور درس‌های آموخته

با هدف ثبت نتایج و درس‌آموخته‌های حاصل از انجام فرآیند معرفی و ایجاد معیشت جایگزین در روستاهای زیر پوشش طرح، هریک از تسهیل‌گران از دیدگاه خود به درج نکاتی از نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهایی پرداختند که در این فرآیند با آن مواجه بوده‌اند و به نظر ایشان در پیشرفت یا عدم پیشرفت طرح مؤثر بوده است. انجمن دامون با جمع‌بندی نکات به‌دست‌آمده دریافت که چه دستاوردها و چالش‌هایی داشته است. با تحلیل و تدوین درس‌آموخته‌های این تجربه می‌توان جنبه‌هایی را برجسته کرد که در انجام دادن طرح‌های مشابه دیگر با هدف و فرآیند مشترک قابل استفاده‌اند و در نهایت مانع دوباره‌کاری و تکرار فرآیندهای ناکارآمد یا اشتباه مشابه شد.

نقاط قوت

🌸 اجرای طرح در سه پایلوت روستایی با شرایط بوم‌شناسی، معیشتی و درآمدی مختلف جهت دستیابی به نگاهی جامع و چندجانبه از شرایط موجود و شرایط حاکم در سطح محلی؛

🌸 استفاده از تیم تسهیل‌گری و کارشناسان بین‌رشته‌ای با تخصص‌های مختلف: اجتماعی، محیط زیستی (که می‌تواند با کارشناس اقتصادی تقویت شود)؛

🌸 توجه به توجیه‌پذیری اقتصادی و پذیرش در بازار- بازار محور بودن- در ارائه پیشنهادها معیشتی برای ترویج ؛

🌸 تلاش برای جلب مشارکت و همراهی همزمان بخش دولتی و بخش خصوصی در فرایند ایجاد معیشت و ظرفیت‌سازی ایشان برای تداوم اجرا و پایداری فرایند، بعد از اتمام طرح؛

🌸 حضور دست‌اندرکاران اجرای طرح (از جمله انجمن دامون) در جلسات کمیته مدیریت محلی تالاب قره‌شلاق وجود سابقه مشارکت در تدوین برنامه مدیریت جامع تالاب؛

🌸 شناخت نسبتاً کافی گروه اجرایی از شرایط بوم‌شناسی و تنوع زیستی منطقه؛
 🌸 وجود سابقه ارتباط گروه اجرایی با شرایط اجتماعی و نمایندگان جامعه محلی؛
 🌸 حضور نیروهای محلی و هم‌زبان با مردم منطقه در تیم تسهیل‌گری؛
 🌸 ارتباط اعضای تیم اجرایی با بسیاری از سمن‌ها، سازمان‌های محلی، خیرین و افراد معتمد در مراغه و تبریز؛
 🌸 همکاری با گروه دستادست و کفشدوزک به‌منظور بازاریابی محصولات تولیدی روستا؛
 🌸 ایده خلاقانه راه‌اندازی کمپین چرخ‌خیاطی برای کمک به کارگاه‌های زنان (به‌عنوان یک شیوه‌ای تأمین منابع مالی پروژه).

نقاط ضعف

🌸 بزرگ‌بودن جامعه هدف (سه روستا با توجه به تنوع و حضور چند گروه (زنان و مردان) در هر روستا)؛
 🌸 نبود ساختار قانونی و مکانیزم برای جلب مشارکت هدفمند بخش‌های دولتی دست‌اندرکار و بخش خصوصی؛
 🌸 فاصله زیاد و عدم امکان مراجعه مداوم و منظم تسهیل‌گران به منطقه، با توجه به کمبود تسهیلگران محلی؛
 🌸 زمان کم پروژه برای رسیدن به اهداف اولیه و پیش‌بینی نشدن زمان لازم برای تداوم و پایداری پروژه‌های شناسایی شده در طرح؛
 🌸 کمبود بودجه برای انجام مطلوب برخی اهداف پروژه (وجود مبالغی به‌عنوان مشوق‌های مالی برای آغاز به کار معیشت می‌تواند راهگشا باشد).

فرصت‌ها

🌸 پتانسیل بالقوه کمیته محلی مدیریت تالاب، به‌منظور تخصیص بودجه و سازمان‌دهی نیرو، مطابق با برنامه مصوب مورد تأیید همه دست‌اندرکاران حفاظت تالاب؛
 🌸 مشارکت کامل اداره محیط‌زیست بناب (محیط‌بانان و مسئولین) در اجرای هر چه بهتر طرح؛

- 🌸 همکاری بسیج روستای چپقلو با مجری طرح؛
- 🌸 همکاری اداره فنی و حرفه‌ای بناب، ملکان و میاندواب؛
- 🌸 وجود گروه‌های خیر و کارآفرین و نخبگان اقتصادی، در شهرهای اطراف؛
- 🌸 وجود فضای اقتصادی و بازارهای محلی، منطقه‌ای و دسترسی به بازار ملی؛
- 🌸 وجود شبکه انجمن‌های تالابی ملی؛
- 🌸 نام‌گذاری روز جهانی تالاب در سال ۱۳۹۳ با عنوان تالاب‌ها و معیشت پایدار؛
- 🌸 امکان برقراری ارتباطات بین‌المللی با کنوانسیون رامسر و کارگروه معیشت IUCN.

تهدیدها

- 🌸 عدم امکان نظارت بلندمدت بر فرایند معیشتی در حال اجرا؛
- 🌸 پیدا نکردن بازار مناسب با توجه به کیفیت فعلی محصولات؛
- 🌸 وجود تعارضات در سطح گروه‌های کاری محلی که در صورت رقابت میان افراد ممکن است افزایش یابد؛
- 🌸 برگزار نشدن منظم جلسات کمیته محلی تالاب و عدم حمایت‌های لازم از پروژه؛
- 🌸 شایعه طرح نکاشت و طرح‌های ستاد احیا در منطقه به‌خصوص در شش ماه اول طرح (وجود زمینه بی‌اعتمادی به پروژه و تضاد میان اهداف پروژه معیشت پایدار با طرح‌ها و مداخلات موازی در منطقه)؛
- 🌸 بی‌اعتمادی مردم نسبت به پروژه‌های این‌چنین با توجه به سابقه ارتباط بخش دولتی با مردم؛
- 🌸 توجیه‌نبودن سازمان‌های ذی‌نفع و همکار در مورد پروژه و سنگ‌اندازی آن‌ها در مسیر اجرای پروژه (به‌طور مثال یکی از ادارات با در اختیار قرار دادن اطلاعات ناقص و اشتباه مردم را از اجرای یکی از فعالیت‌ها منصرف کرد)؛
- 🌸 نبود قوانین مشخص در مؤسسات مالی و بانک‌ها جهت حمایت از گروه‌های مشارکت محور؛
- 🌸 نبود مکانیزم تامین اعتبار خرد (هیچ سازمان یا موسسه‌ای به گروه وامی پرداخت نمی‌کرد و تنها به فرد حقیقی با ضمانت بسیار بالا این امکان وجود داشت).

الگوی پیشنهادی برای ایجاد معیشت جایگزین کشاورزی

در این بخش سعی شده تا با توجه به نتایج به‌دست آمده از انجام طرح در سه روستا که دارای شرایط اقتصادی و اجتماعی متفاوت هستند، الگویی قابل‌تعمیم برای اجرا در سایر روستاهای منطقه که دارای شرایط مشابه هستند به دست آید. در این الگو مراحل اصلی و لازم برای ایجاد معیشت جایگزین با توجه به شاخص‌های وضعیتی مختص هر روستا بیان شده است. در ادامه، چهار چوب اصلی الگو به صورت قابل‌مقایسه بین روستاهای طرح، ارائه شده است.

أ) شناسایی وضعیت پایه و دارایی/سرمایه‌های روستا

جدول ۱۱. وضعیت روستاها پیش از آغاز طرح

وضعیت شاخص	قره قزلو	مجید آباد	چپقلو
وضعیت اجتماعی	بسیار پایین	پایین	متوسط
	حس مشارکت‌پذیری پایین و همکاری کم وجود سابقه تعاونی‌های شکست‌خورده وجود رقابت‌ها و منازعات میان اهالی	پایین بودن حس مشارکت‌پذیری و همکاری از بین رفتن سبک زندگی روستایی - عدم وابستگی به یکدیگر - رواج الگوی زندگی شهری	به علت فعالیت نظام‌مند پایگاه مقاومت بسیج از گذشته سابقه و بستری از اعتماد و همکاری میان اهالی وجود دارد.
سرمایه مالی	بالا	پایین	متوسط
	درآمد خوب روستا از کشاورزی و کارگری در فصل سرما	درآمد کم روستا از دامداری و کشاورزی دیم و کارگری در شهر	درآمد غالب از مجموعه مشاغل نظیر قالی‌بافی، قاجاق پارچه و...، دامداری، زراعت دیم

پایین	متوسط	بالا	
کمبود شدید آب	فقدان آب مکفی برای کشاورزی	آب مکفی در زمین‌های حاشیه زربنه‌رود زمین حاصلخیز	سرمایه طبیعی
بالا	متوسط	متوسط	
امکانات زیربنایی آب و برق و گاز و... دسترسی و امکانات آموزشی، نزدیکی به شهر	امکانات زیربنایی آب و برق و گاز و... دسترسی و امکانات آموزشی	امکانات زیربنایی آب و برق و گاز و... دسترسی و امکانات آموزشی	سرمایه فیزیکی
بالا	پایین	متوسط	
نیروی جوان، دارای تحصیلات متوسطه تا عالی	جوانان اغلب برای کار و تحصیل در شهر هستند	نیروی جوان، دارای تحصیلات متوسطه	سرمایه انسانی

ب) تنوع‌بخشی به شیوه‌های معیشتی باتوجه به نتایج مرحله شناخت‌مشارکتی

جدول ۱۲. برنامه اقدام‌های انجام‌یافته

جزئیات	اقدام های کلی
<p>* شناسایی شیوه‌های معیشت خرد، برای گروه‌های بانوان با توجه به پتانسیل‌های موجود روستا (با توجه به نیاز به سرمایه کم مالی، وجود زمان بیشتر بانوان برای شرکت در جلسات منظم و وجود ریسک کم در فعالیت‌های خرد، امکان موفقیت بیشتری دارد و باعث جلب اعتماد از بین رفته میان مردم می‌شود)</p> <p>* شیوه‌های معیشتی با مقیاس میانی و کلان با توجه به نیازها یا پتانسیل‌های معیشتی موجود روستا یا نیازهای شهرستان (طبیعت‌گردی، بازیافت زباله و...)</p> <p>* شناسایی شیوه‌های معیشتی قابل اجرا و بازدهی با صرف هزینه‌های متوسط برای گروه آقایان</p>	<p>انجام مطالعات شناسایی پتانسیل‌های غیرکشاورزی و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی (تالاب، مراتع، آب‌های سطحی و زیرزمینی)</p>
<p>* استفاده از پتانسیل صندوق‌های اعتبارات خرد برای برگزاری جلسات هم‌اندیشی در خصوص مسائل مربوط به فعالیت معیشتی و مسائل روستا</p> <p>* برگزاری کارگاه‌های هم‌اندیشی با اهالی و ارائه نمونه‌های موفق و ملموس همکاری در بخش‌های مختلف کشور</p> <p>* برنامه‌ریزی مشارکتی برای انجام برخی فعالیت‌های عام‌المنفعه در سطح خرد</p>	<p>کمک مالی برای جلب اعتماد و مشارکت اولیه اهالی (سرمایه اجتماعی)</p>
<p>* برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آشنایی با شیوه‌های معیشتی و کسب‌وکارهای جدید، با همکاری نهادهای آموزش فنی حرفه‌ای، بسیج سازندگی و جهاد کشاورزی و اداره صنایع دستی و میراث فرهنگی</p>	<p>ارتقای میزان مهارت و آشنایی ساکنان با شیوه‌های صحیح فعالیت شغلی (سرمایه انسانی)</p>
<p>* تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد و تشکیل گروه برای ایجاد شیوه‌های معیشتی خانگی برای اشتغال به کار و درآمدزایی توسط بانوان</p> <p>* انجام سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تر باعث جلب مشارکت گروه‌های مردان در مراحل بعدی پروژه می‌شود.</p> <p>* همراه نمودن سازمان‌های دارای منابع مالی برای توسعه معیشت هستند (صندوق کارآفرینی امید، بسیج سازندگی و...)</p> <p>* تزریق مالی به صندوق‌های شکل‌گرفته به‌عنوان مشوق برای فعالیت</p> <p>* تأمین بازار برای فروش محصولات خرد</p>	<p>تأمین منابع مالی لازم برای آغاز فعالیت معیشتی (سرمایه مالی)</p>
<p>* تأمین و تکمیل زیرساخت‌های لازم برای توسعه شیوه‌های معیشتی سازگار با محیط با هماهنگ نمودن ارگان‌های مربوطه برای اولویت‌بخشی به فعالیت‌های لازم و موردنظر</p>	<p>تأمین زیرساخت‌های فیزیکی</p>

ت) نظام‌مند نمودن سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی

جدول ۱۳. دستاوردها و چالش‌ها اجتماعی-اقتصادی طرح

<ul style="list-style-type: none"> * تشکیل گروه منسجم برای اجرای مشارکتی شیوه‌های معیشت جایگزین * صندوق اعتبارات خرد توسعه روستا 	قره قزلو
<ul style="list-style-type: none"> * عدم مشارکت آقایان با توجه به درآمد مطلوب، اشتغال-کامل به کشاورزی و عدم نیاز به تغییر شیوه معیشتی * امکان مشارکت بانوان با توجه به علاقه و پیگیری بیشتر (گروه بانوان زرینه) * تشکیل صندوق، با توجه به فعالیت زیاد تسهیل‌گران برای ایجاد ظرفیت لازم 	مجیدآباد
<ul style="list-style-type: none"> * عدم انسجام کافی برای تشکیل گروه در هر دو گروه آقایان و بانوان. * با توجه به پایین بودن سطح سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی و انسانی در اثر مهاجرت به شهر برای کسب رفاه و درآمد بیشتر. * عدم تشکیل صندوق 	چپقلو
<ul style="list-style-type: none"> * عدم مشارکت آقایان با توجه به جایگزین شدن شیوه‌های معیشتی درآمدزا که نیاز به کشاورزی را کاهش داده است و عدم نیاز ایشان به استفاده از شیوه‌های معیشت خرد. * امکان مشارکت بانوان با توجه به علاقه بیشتر (گروه چیچست) * تشکیل صندوق، به دلیل وجود و نقش مهم افراد تحصیل‌کرده و جوان 	

ث) شناسایی و راه‌اندازی شیوه‌های معیشتی دیگر (مرحله اول)

جدول ۱۴. شیوه‌های معیشتی سازگار با شرایط

اجرای طرح‌های کسب و کار خرد و سازگار با محیط‌زیست	قره قزلو
خیاطی (کالای خواب و کالای آشپزخانه و همچنین طرح‌دوزی روی شال)؛ صنایع دستی؛ عروسک‌های محلی	مجیدآباد
-	چپقلو
خیاطی (کالای خواب و آشپزخانه، طرح دوزی بر روی شال)	

ج) مراحل لازم برای پایدارسازی شیوه‌های معیشتی دیگر (مرحله‌های بعدی)

🌸 حفظ ارتباط تسهیل‌گر با گروه، بعد از اتمام طرح؛

🌸 حفظ ارتباط میان نهاد روستایی (پیشنهاد دهنده معیشت) و نهادهای حمایت‌کننده، به منظور تامین بازار و تسهیل فروش محصولات محلی و جلب حمایت‌های فنی و کارشناسی و زیربنایی؛

🌸 پیگیری گروه برای دریافت حمایت‌های مالی (وام و اعتبارات خرد محلی و...)، استفاده بهینه از ابزارهای مالی؛

🌸 ارتقای سطح تخصص‌ها و سرمایه انسانی با پیگیری دریافت آموزش‌های بیشتر برای طرح نویسی، مدیریت صندوق و مدیریت کسب و کار مشارکتی و دانش و فنون حرفه‌ای معیشتی، بازاریابی و...؛

🌸 ایجاد تشکل رسمی و ثبت حقوقی آن و پیش رفتن به سوی فعالیت‌های حرفه‌ای بیشتر؛
🌸 ارزیابی و اصلاح برنامه.

۲-۲. فراخوان شرکت در نشست‌های گروهی در روستای لالکو

بسمه تعالی

اهالی محترم روستای لالکو

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران با مشارکت و همکاری سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی و جهاد کشاورزی و اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان اقدام به اجرای طرح معیشت‌های جایگزین و مکمل در روستاهای منتخب لالکو و شیشوان در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی نموده است، هدف از این طرح **ترویج و ایجاد زمینه مناسب برای مشاغل جانبی** است که نیاز آبی پایین‌تری دارند.

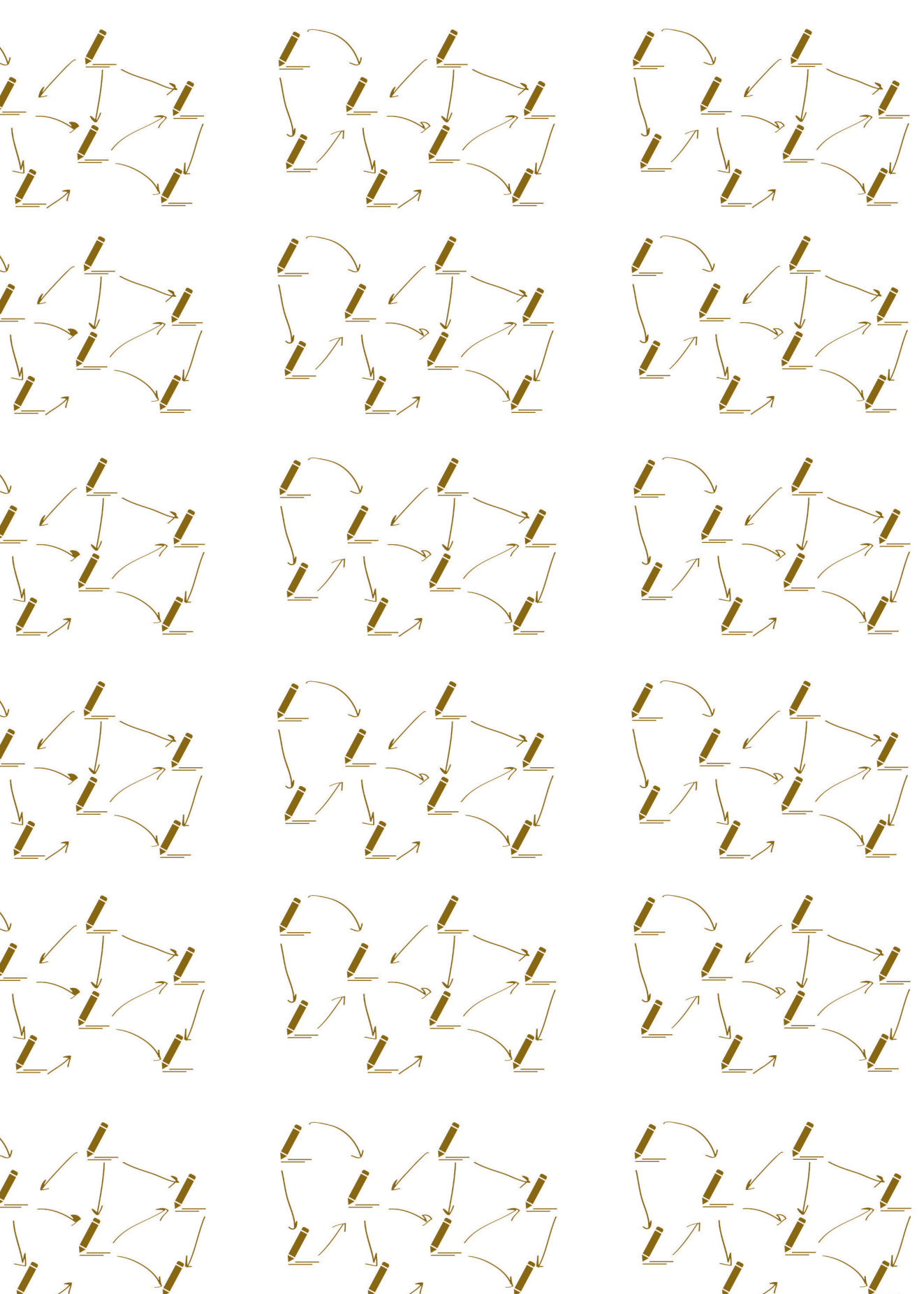
بدین منظور از اهالی محترم روستا دعوت می‌گردد تا رأس ساعت **۱۱ روز دوشنبه مورخه ۹۵/۱/۱۶** جهت تبیین اهداف مورد نظر و تشکیل کارگروه‌های شغلی در محل **مسجد جامع روستا** حضور بهم رسانند.

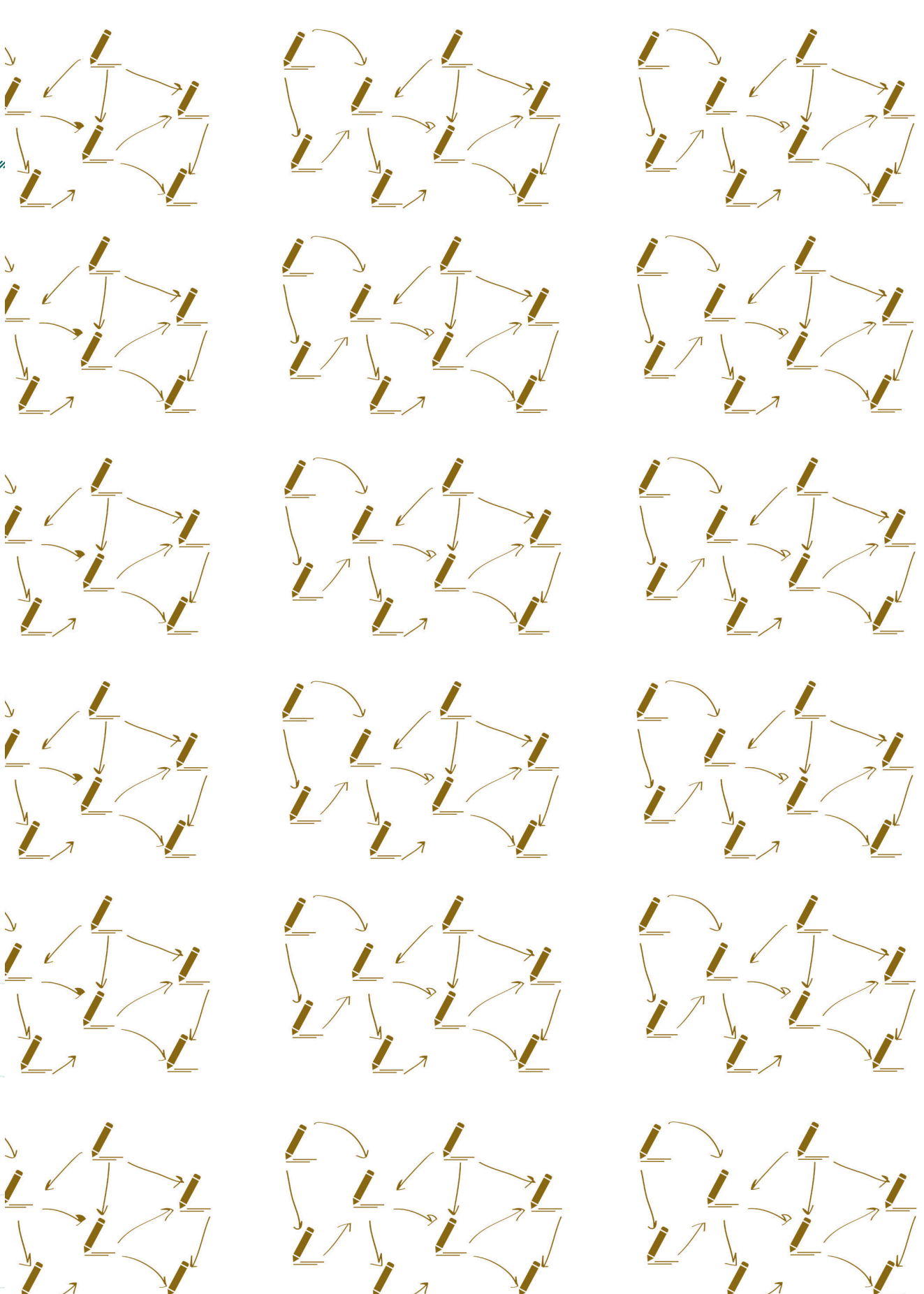
کمیته اجرایی معیشت‌های جایگزین روستای لالکو

۶-۳. نظرخواهی از سازمان‌های مجری برنامه‌های معیشتی طرح حفاظت از

تالاب‌های ایران

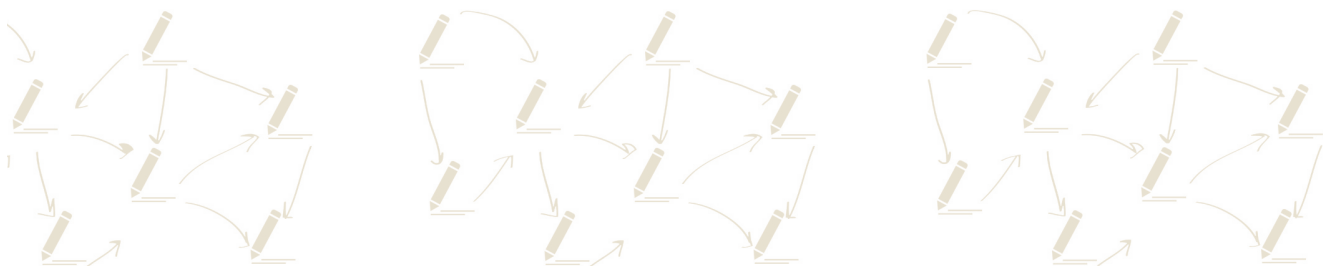
- ❓ تعریف شما از «معیشت جایگزین» چیست؟ آیا «معیشت جایگزین» با «معیشت پایدار» تفاوت دارد؟ اگر تفاوتی دارد، لطفاً به دو تا از مهم‌ترین این تفاوت‌ها اشاره کنید.
- ❓ با توجه به تعریفی که ارائه دادید، آیا طرحی که در فرآیند حفاظت از تالاب‌های اقماری ارومیه یا خود دریاچه ارومیه انجام دادید، به طرح‌های «معیشت جایگزین» نزدیک تر است یا به طرح‌های «معیشت پایدار»؟ اگر به هیچ کدام شبیه‌تر نیست، به چه دسته دیگری از طرح‌ها متعلق است؟
- ❓ طرح معیشتی اجرا شده شما تا چه اندازه به پیشبرد فرآیند حفاظت از تالاب‌ها یاری رسانده است؟ دلیل خود را با ذکر شواهد توصیف کنید؟
- ❓ آیا طرح معیشتی اجرا شده شما به همه هدف‌های معیشتی از پیش تعیین شده خود رسید؟ اگر نرسید به کدام‌ها نرسید. چرا نرسید؟ لطفاً موانع رسیدن به هدف‌های از پیش تعیین شده را بر حسب موانع بیرونی (بیرون از سازمان شما) و درونی تفکیک کنید.
- ❓ آیا طرح اجرایی شما به دستاوردهایی بیش از آن چه پیش‌بینی شده بود، در عرصه مسائل معیشتی، دست یافت؟ لطفاً نام ببرید و به اختصار شرح دهید.
- ❓ اگر فرصتی دست دهد که بخواهید برای حمایت و حفاظت از تالاب‌ها طرحی معیشتی انجام دهید، آیا به همین منوال فعالیت می‌کنید؟ کدام بخش‌ها و گام‌ها را عیناً تکرار می‌کنید و کدام بخش‌ها و گام‌ها را تغییر می‌دهید؟ چه تغییری می‌دهید؟ لطفاً به اختصار شرح دهید.
- ❓ چهار درس از مهم‌ترین درس‌های آموخته خود را که فکر می‌کنید به درد طرح حفاظت از تالاب‌های ایران بخورد، نام ببرید و به اختصار شرح دهید.
- ❓ ویژگی‌های یک طرح «معیشت جایگزین» موفق چیست؟







۷. پی‌نوشت‌ها



۱. شفر، گیل. رویکرد زیست‌بومی: پنج گام برای اجرا، برگردان مه‌ری اثنی عشری. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. ۱۳۸۹. ص ۲۸.
1. <http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/1-ECA/PROD/eca-prod-bk-fa-2010.pdf>
2. «Alternative Livelihood.» Wikipedia. https://en.wikipedia.org/wiki/Alternative_Livelihood (accessed 3 26, 2016).
۳. برای آگاهی بیشتر از به کارگیری این رویکرد در افغانستان نگاه کنید به نوشته‌های زیر:
UNODC. Concept Note for Alternative Livelihoods in Afghanistan. 2010. http://www.unodc.org/documents/afghanistan/conceptnotes/Microsoft_Word_-_2010_11_April_01_Concept_Note_Alternative_Livelihood.pdf
۴. وضعیت اسفبار مواد مخدر در افغانستان از زمان حضور کشورهای غربی، روزنامه‌ی کیهان، شماره پیاپی ۲۰۳۲۹، پنج شنبه بیستم مهر ۱۳۹۱.
<<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2600242>>
4. UNODC. «Alternative Development.» In World Drug Report. 2015. pp. 80-81. https://www.unodc.org/documents/wdr2015/WDR15_Chapter_2.pdf
5. Ireland, C., D. Malleret, and L. Baker. Alternative Sustainable Livelihoods for Coastal Communities- A Review of Experience and Guide to Best Practice. IUCN Eastern Africa Regional Programme. Nairobi, 2004. p. viii. <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/IUCN-2004-117.pdf>
6. Chambers, Robert, and Godon R. Conway. «Sustainable Rural Livelihoods: Practical Concepts for the 21st Century.» Institute of Development Studies Discussion Paper 296. Brighton, UK: IDS, 1991. p. i. <http://www.ids.ac.uk/files/dp296.pdf>
7. DFID. «Sustainable Livelihoods Guidance Sheets.» April 1999. p. 3. <http://files.en-nonline.net/attachments/871/dfid-sustainable-livelihoods-guidance-sheet-section1.pdf>
۸. برای آگاهی بیشتر از زمینه‌ی تاریخی این مبحث نگاه کنید به:
Scoones, Ian. «Livelihoods Perspectives and Rural Development.» The Journal of Peasant Studies 36, no. 1 (2009): 171-196. DOI: 10.1080/03066150902820503
9. UNDP. «Human Development Report.» 1993. pp. 3-4. http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/222/hdr_1993_en_complete_nostats.pdf
10. Carney, Diana, Michael Drinkwater, Tamara Rusinow, Koos Neefjes, Samir Wanmali, and Naresh Singh. Livelihoods Approaches Compared. Economic and Social Development Department, FAO. <http://www.fao.org/docrep/003/x9371e/x9371e11.htm>
11. DFID. pp. 5-6.

12. Ibid.
13. Chambers et al. p. 6 and pp. 9-10.
14. «An Introduction to the Convention on Wetlands (previously The Ramsar Convention Manual).» Gland, Switzerland: Ramsar Convention Secretariat. p. 38. http://www.ramsar.org/sites/default/files/documents/library/handbook1_5ed_introduction-toconvention_e.pdf
15. Day, Mike. «Biodiversity, Natural Resource Management.» International Institute for Environment and Development. February 4, 2014. <https://www.iied.org/are-alternative-livelihoods-projects-effective>
16. Davies, T. E. et al. «Missing the Trees for the Wood: Why We are Failing to See Success in Pro-poor Conservation.» *Animal Conservation* 17, no. 4 (August 2014). p. 304. <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/acv.12094/epdf>
17. IUCN. IUCN Portal. September 2012. <https://portals.iucn.org/docs/2012congress/motions/en/M-145-2012-EN.pdf> (accessed 12 20, 2016).
18. Burks, Margaret R. «Linking Livelihoods and Sustainable Tourism for Parks and People in Belize.» 2006. https://www.researchgate.net/publication/228782035_LINKING_LIVELIHOODS_AND_SUSTAINABLE_TOURISM_FOR_PARKS_AND_PEOPLE_IN_BELIZE
19. Roe, Dilys et al. «Are Alternative Livelihood Projects Effective at Reducing Local Threats to Specified Elements of Biodiversity and/or Improving or Maintaining the Conservation Status of Those Elements?.» *Environmental Evidence* 4, no. 1 (2015). p. 20. <http://environmentalevidencejournal.biomedcentral.com/articles/10.1186/s13750-015-0048-1>
20. Center for Theory of Change. «What is Theory of Change?» Center for Theory of Change. 2016. <http://www.theoryofchange.org/what-is-theory-of-change/> (accessed 11 18, 2016).
21. UNDP. UNDP in Action – Annual Report 2010/2011. May 2011. p.2. <http://reliefweb.int/report/world/undp-action-%E2%80%93-annual-report-20102011-people-centred-development>
22. «Promoting People-Centred Approaches to Conservation: Living Heritage.» IUCN Portal. <https://portals.iucn.org/congress/sites/congress/files/sessionupdates/10316-people-centered-approaches/files/iccrom-living-heritage-programme.pdf> (accessed 11 18, 2016).

در زمان نگارش مقدماتی این کتابچه، کنگره‌ی شانزدهم IUCN در شرف برگزاری بود. یکی از

موضوع‌های گفت‌ووشنود میان اعضای این اتحادیه عبارت است از «رویکرد مردم‌مدار به حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی»، با اذعان به این که جلب مشارکت مردمی و توان‌مندسازی جماعت‌ها برای نگهداری از این میراث‌ها هم‌چنان چالش بزرگی است. برای آگاهی بیشتر، نک. [https://portals.iucn.org/congress/session ۱۰۳۱۶](https://portals.iucn.org/congress/session10316)

23. Wright, Juliet H. et al. «Reframing the Concept of Alternative Livelihoods.» *Conservation Biology* 30, no. 1 (2016): 7–13. p. 9. <http://www.cifor.org/library/5751/reframing-the-concept-of-alternative-livelihoods/>

۲۴. pro-poor growth، دربرگیرنده‌ی سیاست‌ها و راهبردهایی است که تهی‌دستان را در فرآیند رشد اقتصادی مشارکت می‌دهد و زمینه‌ای بهره‌مندی آن‌ها را از این فرآیند فراهم می‌آورد. برای آگاهی بیشتر، نک.:

Ahlenius, Hugo. «Pro-poor Growth, Absolute and Relative Definition.» UNEP/GRID-Arendal Web Site. <http://www.grida.no/resources/7948> (accessed 6 4, 2016).

25. About The Poverty-Environment Initiative .» UNEPI Web Site. <http://www.unpei.org/> (accessed 6 4, 2016).

26. Ireland et al. pp. i-viii, p. 18, and p.48.

27. Wright et al. p. 10.

28. Rural Non-farm (RNF) Activities

29. Leones, J. P., and S. Feldman. «Nonfarm Activity and Rural Household Income: Evidence from Philippine Microdata.» *Economic Development and Cultural Change* 46, no. 4 (1998): 789-806. http://www.jstor.org/stable/10.1086/452374?seq=1#f-ndtn-page_scan_tab_contents

۳۰. در نموداری در نشانی زیر (ص ۲۰) روند تصمیم‌گیری روستاییان، زیر عنوان «چرخه‌ی مدیریت معیشت»، نشان داده شده است. این نوشته درس-گفتار شماره‌ی یک، از سلسله درس‌گفتارهای مبانی اجتماعی-اقتصادی معیشت‌های روستایی «مرکز توسعه، محیط زیست و سیاست‌گذاری» وابسته به دانشکده‌ی شرق‌شناسی و افریقاشناسی دانشگاه لندن (SOAS) است. این درس‌گفتارها هم‌چنین دارای بخش‌های خودآزمایی اند.

“Socioeconomics of Rural Livelihoods .” SOAS University of London. https://www.soas.ac.uk/cedep-demos/000_P535_SRL_K3736-Demo/module/topindex.htm#

31. Wicander, Sylvia, and Lauren Coad. *Learning our Lessons: A Review of Alternative Livelihoods Projects in Central Africa*. ECI, University of Oxford; IUCN. Oxford; Gland, 2015. pp. 98-99. <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/IUCN-2004-117.pdf>

32. Ireland et al. p. 10.

۳۳. Marticulture, پرورش آبزیان در زیست‌گاه طبیعی‌شان.

34. Asian Development Bank. Reviving Lakes and Wetlands in the People's Republic of China: Best Practices and Prospects for the Sanjiang Plain Wetlands. Mandaluyong City, Philippines, 2016. pp. 34-40. <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/183804/best-practices-sanjiang-wetlands.pdf>

35. Inyutina, Vera et al. Capacity Building For Local NGOs and Alternative Livelihoods Programme for Key Wetlands in Koştanay Region in Kazakhstan. UNEP/GEF Siberian Crane Wetland Project. 2009.

<http://www.scwp.info/proceedings/Final%20Papers/14%20-%20Capacity%20Building%20and%20Alternative%20Livelihoods%20in%20Kazakhstan.pdf>

۳۶. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی سازمان «اُسیونوم» (Ocëanium)، نگاه کنید به پایگاه اطلاع‌رسانی آن به نشانی زیر:

<http://www.oceaniumdakar.org/Bientot-deux-nouvelles-aires.html?lang=en>

37. Ramsar Convention on Wetlands. Wetlands: Source of Sustainable Livelihoods (accessed 6 4, 2016). http://www.ramsar.org/sites/default/files/fs_7_livelihoods_en_v5_2.pdf

۳۸. برای تهیه‌ی این بخش عمدتاً از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دولت، برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد، طرح منارید، طرح ترسیب کربن و نیز منبع زیر بهره گرفته شده است:
گروه پژوهشی توان‌افزایی اقتصادی زنان. تجربیات منابع مالی خرد در ایران: الگویی برای توان‌افزایی زنان روستایی. تهران: برنامه‌ی توسعه‌ی ملل متحد. بهمن ماه ۱۳۹۱.

۳۹. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی این سازمان و طرح «صندوق معیشت و حفاظت» آن، نگاه کنید به:
<http://plan4theland.org/>; http://plan4theland.org/?portfolio_tags=%d8%a7%db%8c%d8%ac%d8%a7%d8%af-%d9%85%d8%b9%db%8c%d8%b4%d8%aa-%d9%be%d8%a7%db%8c%d8%af%d8%a7%d8%b1

۴۰. برای آگاهی بیشتر درباره‌ی این سازمان و طرح‌ها و برنامه‌های آن، نگاه کنید به:

<http://www.tabiatpaydar.com/>;

<http://www.tabiatpaydar.com/projects/ecotourism-shibderaz/>

۴۱. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به پایگاه اطلاع‌رسانی «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» به نشانی زیر:

<http://www.wetlandsproject.ir/fa/>

۴۲. دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه‌ی ارومیه، خرداد ۱۳۸۹. ص ۲۸، صص ۳۰-۳۱ و ص ۳۸ و ۵۹.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/3-MP/MP/PROD/mp-mp-prod-lu-str-pln-fa-2010.pdf>>

۴۳. تا سال ۱۳۸۶، هنوز بخش‌هایی از تالاب پریشان زیست‌گاه شماری از پرندگان بود:

<http://www.earthwatchers.org/parishan-1390.html>

۴۴. دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. برنامه‌ی مدیریت جامع دریاچه‌ی پریشان، خرداد ۱۳۸۹. ص ۲۵، ص ۲۷ و ص ۴۰.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/3-MP/MP/PROD/mp-mp-prod-lp-str-pln-fa-2010.pdf>>

۴۵. دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. ، برنامه‌ی مدیریت جامع تالاب شادگان، فروردین ۱۳۹۰. ص ۲۳، ص ۲۷، ص ۳۱ و ص ۴۱.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/3-MP/MP/PROD/mp-mp-prod-sw-str-pln-fa-2011.pdf>>

۴۶. دفتر حفاظت از تالاب‌های ایران. برنامه‌ی مدیریت جامع حوضه‌ی آبریز منطقه‌ی شکار ممنوع تالاب قره قشلاق، مهر ۱۳۹۱. ص ۲۲، ص ۲۸ و صص ۳۶-۳۷ و ص ۴۲.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/3-MP/MP/PROD/mp-mp-prod-ggw-str-plan-2012.pdf>>

۴۷. دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. ، برنامه‌ی مدیریت جامع تالاب شادگان، فروردین ۱۳۹۰. ص ۲۷.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/3-MP/MP/PROD/mp-mp-prod-sw-str-pln-fa-2011.pdf>>

۴۸. برای آگاهی بیشتر از کم‌وکیف فعالیت‌ها و نشست‌های مشترک میان نمایندگان طرح‌های بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست، نگاه کنید به:

<http://www.menarid.ir/fa/News/List/Joint-Secretarial-of-Project>

۴۹. برای آگاهی از جزئیات این کارگاه نگاه کنید به: طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. گزارش کارگاه هم‌اندیشی طرح‌های بین‌المللی درباره‌ی معیشت جایگزین. اسفند ۱۳۹۲.

<http://www.menarid.ir/FileUpload/Editor/Documents/joint%20projects/Alternative%20Livelihoods%20Seminar%20Report_032314.pdf>

۵۰. در سال ۱۳۹۱، UNDP در سه روز نشست کارگاهی با موضوع «کارگاه الگوی توان‌مندسازی اقتصادی زنان با تاکید بر پروژه‌ی ترسیب کربن» زمینه‌ی بحث و گفت‌وگو میان مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران را درباره‌ی نقش زنان روستایی در حفاظت از منابع طبیعی را فراهم آورد. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران با به اشتراک گذاشتن نتیجه‌ی بررسی تجربه‌ی خود در روستاهای پیرامون تالاب پریشان در این نشست شرکت کرد.

۵۱. برای آگاهی از جزئیات بیشتر، نگاه کنید به گزارش‌های زیر:

[http://www.bonabnews.com/1394/08/30/;](http://www.bonabnews.com/1394/08/30/)

<http://shakourian.com/wp-content/uploads/2015/11/Ajabshir-NO28.pdf>

۵۲. شرکت پیشرو زمان. گزارش نهایی طرح شناسایی و حمایت از الگوهای معیشتی مکمل سازگار با محیط زیست روستای شیشوان. ۱۳۹۵. ص ۱۵.

۵۳. همان جا، صص ۲۴-۲۵، ص ۴۳، ص ۴۹ و ص ۵۳.

۵۴. طرح حفاظت از تالاب‌های ایران. بسته ابزاری بکارگیری رویکرد زیست بومی در مدیریت جامع تالاب، بهره‌برداری خردمندانه و معیشت جایگزین. ۱۳۹۲. صص ۹۲-۹۵.

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0db/toolkit-ebook/files/toolkit.pdf>>

۵۵. برای آگاهی بیشتر، نک:

Frits Hesselink, Wendy Goldstein, Peter Paul van Kempen, Tommy Garnett and Jinie Dela. «Communication, Education and Public Awareness (CEPA) A Toolkit for National Focal Points and NBSAP Coordinators.» Montreal, Canada: Secretariat of the Convention on Biological Diversity and IUCN, 2007. <http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/6-CEPA/cepa-so-gud-2007.pdf>

و «برنامه‌ی عمل ملی CEPA: لایه‌ی راهبردی»، در نشانی زیر:

<<http://www.doe.ir/portal/theme/talab/0DB/6-CEPA/CBE/HOW/cepa-cbe-str.pdf>>

۵۶. مرکز حفظ و توسعه زیست بوم‌های پایدار. استقرار الگوی بوم‌گردی پایدار جهت بهبود معیشت جوامع محلی در راستای حفاظت از تالاب میقان - گزارش فاز ۱. تابستان ۱۳۹۵. ص ۳.

57. Ireland et al. pp. i-viii, p. viii, pp. 2-3, pp. 24-25, p. 34, and p. 48.

۵۸. در شماری از سند‌های مربوط به مدیریت جامع تالاب‌های کشور به موضوع «معاش پایدار» یا «معیشت پایدار» و مانند آن اشاره شده است (برای نمونه، در «ضمیمه‌ی ۲: برنامه‌ی پیش‌حوزه‌ی آبخیز دریاچه‌ی ارومیه»، ص ۵۹). این دیدگاه که پابندی به موازین توسعه‌ی پایدار را ترویج می‌کند، گاه در متن پیشنهاد‌های برنامه‌های اجرایی سازمان‌های مجری بازتاب می‌یابد.

59. Tropenbos International. «Alternative Livelihoods and Sustainable Resource Management. Proceedings of a Workshop Held in Akyawakrom, Ghana, on the 1st of April 2005.» Edited by K. Okae Kissiedu and B. Owusu Jnr. D. K. B. Inkoom. Ghana Workshop Proceedings 4. Wageningen, the Netherlands: Tropenbos International, 2005. p. viii. <http://ir.knušt.edu.gh/xmlui/bitstream/handle/123456789/3429/Inkoom.pdf?sequence=1>

۶۰. انجمن جوانان حافظ زمین (دامون)، ظرفیت‌سازی در ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران تالاب برای اتخاذ الگوهای معیشتی سازگار با محیط زیست محدوده‌ی طرح: روستاهای بهره‌بردار از تالاب قره‌قشلاق. گزارش نهایی، ویرایش سوم. ۱۳۹۵. ص ۶۶.

۶۱. هزینه‌ی ایجاد یک شغل را دست‌کم ۷۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان تخمین می‌زنند. برای کسب آگاهی بیشتر، نک:

<http://isna.ir/fa/news/91042414506/>; mshrgh.ir/41457

4.1.2 Development of Ecotourism Strategy for Lake Parishan Local Management Committee

4.1.3 Development of Community-based Fisheries Strategy for Shadegan Wetland Local Management Committee

4.1.4 Leading Alternative Livelihoods Working Group of Joint Secretarial International Project

4.2 Rural Initiatives

4.2.1 Rural Women's Microcredit Fund around Lake Parishan

4.2.2 Qarah Qeshlaq Alternative Livelihood Initiative

4.2.3 Alternative Livelihoods in Shishavan Village (East Azerbaijan) and in Lalakloo Village (West Azerbaijan)

4.2.4 Modeling Sustainable Ecotourism to Improve Local People's Livelihood for Conservation of Mighan Wetland

4.2.5 Mapping Opportunities for Alternative Livelihoods Initiatives in Rud-e-Shur, Rud-e-Shirin and Rud-e-Minab Wetland

5. Concluding Discussions

5.1 CIWP Lessons Learned

5.1.1 Features of the Most Effectives Ways to Launch Eco-friendly Livelihood Initiatives

5.1.2 Challenges

5.2. Recommendations

6. Appendices

6.1 Summary of Final Report on Qarah Qeshlaq Alternative Livelihood Initiative

6.2 Sample of a Transcript to Call for Community Participation in Lalakloo Village

6.3 Survey Questionnaire for CIWP Local Partner Organizations

7. Endnotes

involvement. Across CIWP and its provincial stakeholders and partners, it was agreed that a number of challenges can be reduced by quality improvement projects. Yet, some must be tackled with at higher levels. Hence, a list of specific and general recommendations is given at the end. One suggestion is to modify the name of such initiatives and call them by what they are, in actual fact, up to; i.e. ‘Eco-friendly Livelihood Initiatives’. It is also recommended to increasingly and systematically advocating for ‘Eco-friendly Livelihood Initiatives’ at provincial levels by, for instance, allocating one session to exchange views in this regard at during workshops organized for development of wetland management plans. Another suggestion is to link existing livelihood rural groups as well as CIWP implementing partners to provincial and/or national bodies in charge of promoting ‘green jobs’, ‘green banking’, home-based livelihoods, small/medium enterprises, etc.

The following table shows the content of the booklet:

Table of Content

Acronyms

List of Tables

List of Figures

Foreword

1. Introduction

1.1 Overview of CIWP

1.2 Context of Alternative Livelihoods Activities at CIWP Pilot Sites

2. Literature Review

2.1 Conventional Definitions and Approaches to Alternative Livelihoods

2.2 People-driven Alternative Livelihoods Initiatives

2.3 Poverty Eradication Strategies versus Nature Conservation Strategies

2.4 Rural Development Strategies versus Alternative Livelihoods Strategies for Conservation of Natural Resources

3. Case Studies

3.1 Global Level

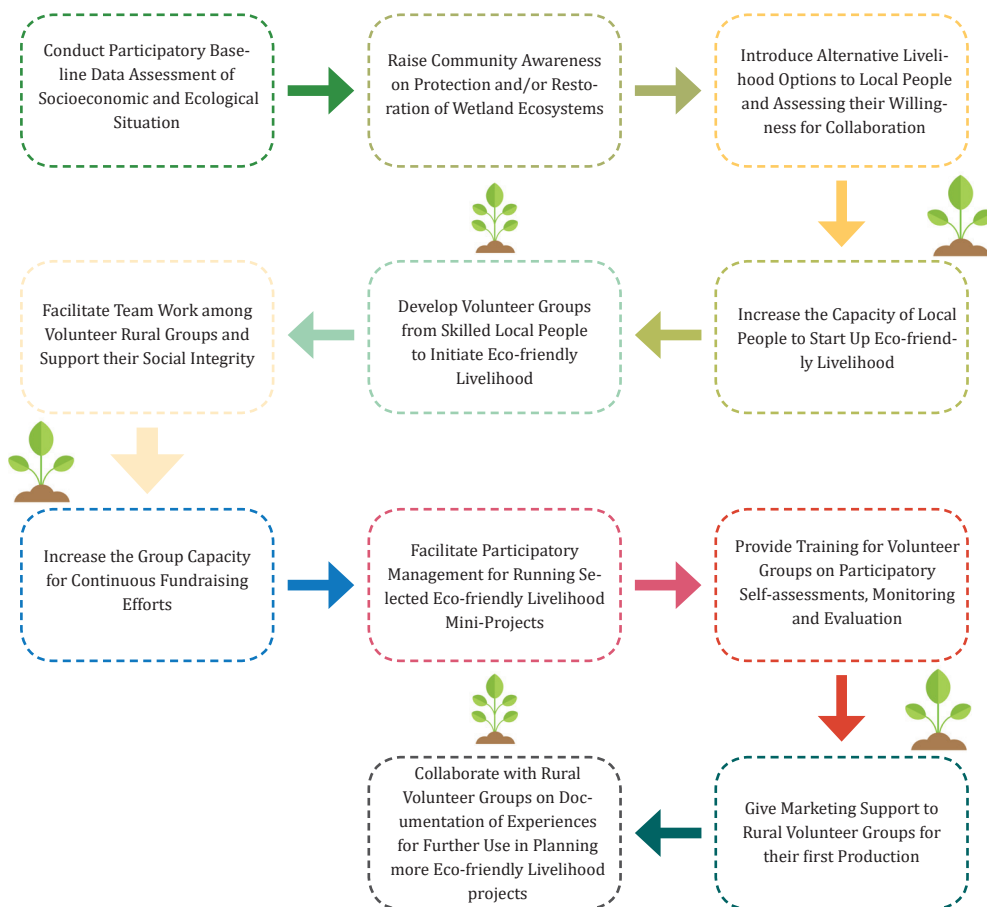
3.2 Country Level

4. CIWP Alternative Livelihoods Initiatives

4.1 Institutional Initiatives

4.1.1 Establishing Livelihood Working Groups of Local Management Committees

Features of the Most Effective Ways to Launch Eco-friendly Livelihood Initiatives



CIWP is facing many challenges in launching eco-friendly livelihood initiatives, some of which are categorized as inadequate i) general agreement on the concept of ‘alternative livelihood’ and/or how it should contribute to conservation of wetland ecosystems, ii) gender policy, in terms of similar and/or different roles, responsibilities and needs of men and women in conservation and community management of wetland ecosystems, iii) cross-sectoral coordination among government agencies, and iv) project period to adopt of participatory development approaches for ensuring community

to highlight that ecosystem approach in wetland management should care for people's sustainable livelihood. Finally, a brief account of CIWP primary role in establishing a working group on livelihood within the Joint Secretarial International Projects in Iran is given to emphasize the significance of launching of eco-friendly livelihood projects in a greater scale.

At rural level, CIWP has launched several livelihood projects. All these experiences are described to give a sense of their scope and influence on rural people's livelihood in CIWP pilot sites. It is noteworthy that rural women have generally welcomed CIWP livelihood initiatives more than rural men. This has been the case in most of the pilot sites in West and East Azerbaijan. Another similarity is the tendency of majority of implementing bodies to reframe alternative initiatives and to lay higher emphasis on poverty eradication strategies and rural development goals than wetland ecosystems conservation goals. Among these examples, the project called 'Qarah Qeshlaq Alternative Livelihood Initiative' (in brief words, stands out a more inclusive set of activities. Therefore the project summary report is added to the Appendices section. Section four also includes two more project examples, one of which aimed to model sustainable ecotourism as a tool to improve local people's livelihood for conservation of Mighan Wetland in Markazi Province and another that tried to map opportunities for alternative livelihoods initiatives in Rud-e-Shur, Rud-e-Shirin and Rud-e-Minab Wetland in Hormozgan Province.

The fifth section of the present booklet concludes discussions by describing lessons learned in details, bringing up challenges and providing suggestions for quality improvement livelihood projects in favor of wetland ecosystems conservation. One essential lesson learned is that the success of eco-friendly livelihood initiatives, in the Iranian context, depends on interest and support of local and national stakeholders of CIWP. Given this assumption, the following figure briefly portrays effective ways to implement livelihood initiatives that ensure wetland ecosystems conservation. According to CIWP experience, missing or undermining any one step would lead to unwanted consequences that not only disappoint the community but also harm the process of integrating conservation and rural development goals.

The third section gives certain details of several case studies, at international and national levels. A selective of good practices to support and improve livelihoods as well as to ensure conservation of natural resources, especially wetland ecosystems, was collected from different sources. Namely, a brief description of projects such as ‘Mariculture of Fish’ Project in Komodo National Park in Indonesia, ‘Reviving Sanjiang Plain Wetlands’ in Heilongjiang Province in China, ‘Capacity Building for Local NGOs and Alternative Livelihoods Programme for Key Wetlands’ in Kostanay Region in Kazakhstan, and ‘Restoration of Mangrove Forests’ in Senegal is given in this section. The Iranian experiences that are elaborated in this section include contribution of other joints projects of UNDP/GEF and the Iranian government to modeling less ecologically harmful economic activities in rural areas in the past decade. To be precise, some relevant details of Carbon Sequestration Project (CSP) and MENARID Project in Iran are explained to show that both projects have emphasized on the sustainability of local people’s economic activities. Furthermore, two more examples are given that highlight how women villagers got involved in economic activities and helped them not only generate income but also protect biodiversity and natural resources of their region. Small Grants Program (SGP) provided financial and technical support to both projects that were implemented by Plan for the Land Society to help local people generate income via alternative means of livelihood in Khar Turan Rural District and by Avaye –Tabiate-Paydar Institute to promote ecotourism in Qeshm Island.

The fourth section gives details of actions undertaken by the CIWP to promote alternative livelihood options in its pilot sites. These actions are categorized in two levels, each with a different object; at institutional level, CIWP aims to introduce the idea of less harmful but still profitable rural economic activities to members of local government and provincial managers during workshops for developing a comprehensive wetland management plan. In addition, it facilitates the formation of a working group within the local management committee that will tackle with socio-economic matters of populations around wetlands. Such a working group is expected to be responsible for giving financial, technical and administrative support to livelihood options that protect wetland ecosystems. For that reason, related parts of management plan for Lake Urmia, Lake Parishan, and Shadegan and Qarah Qeshlaq wetlands are extracted and discussed in more details in this section. Besides, the processes for developing Ecotourism Strategy for Lake Parishan Local Management Plan and Community-based Fisheries Strategy for Shadegan Wetland Local Management are explained

The Conservation of Iranian Wetlands Project (CIWP) launched, in 2005, as a joint initiative of the Government of the Islamic Republic of Iran, Global Environment Facility (GEF) and the United Nations Development Program (UNDP) to strengthen protection of the country's important wetland sites, principally by introducing improved systems of wetland management, incorporating human activities bearing an influence on the biodiversity. The project selected Lake Urmia, Lake Parishan and the Shadegan Wetland as demonstration sites. In 2013, with a grant provided by the Government of Japan to UNDP, it was scaled up to contribute to the Lake Urmia, from its current critical situation. Since its beginning, the CIWP has attempted to engage local communities in the wetland management. It has also promoted effective reduction water consumption via supporting rural people to learn and apply sustainable agriculture techniques and/or start possible businesses other than agriculture-based livelihood.

The current booklet was developed to reflect the CIWP's efforts in launching eco-friendly livelihood projects and to share its acquired lessons, as experienced in different pilot sites until 2016. The first section briefly explains the necessity to introduce 'alternative livelihood' options to CIWP's stakeholders and beneficiaries. It also clarifies CIWP's objective of initiating alternative livelihood schemes and gives an account of opportunities and forces for and against such initiatives in pilot sites.

The second section discusses the term 'alternative livelihood' from a conceptual viewpoint by reviewing the literature on this subject and explains when, how and why this approach was undertaken in recent decades. The reader would, then, learn that there is not a rigid and uniform definition of the term. Yet, most of alternative livelihood projects share a basic feature; i.e. they minimize impacts upon natural resources. In agreement with IUCN, it is discussed that 'profitability is not the only factor. Attitudes to risk, access to assets, vulnerability and institutional influences all affect the way people make decisions. As a result, the concept of alternatives becomes much more complex' (Ireland, 2004). Additionally, importance of 'people' in natural resources management is explained and the need for community-led interventions is also elaborated. Finally, the relationship between poverty alleviation strategies and conservation of natural resources is described and concluded that increase in household income through diversification of livelihood options may not necessarily protect natural resources.

Alternative Livelihood

Narrated by CIWP

A Mechanism for Wise Use and Protection of Wetland Ecosystems

